

ضمیمه

گمونیست

بیاد رفیق مائوتسه دون

نشریه تئوریک-سیاسی

اتحادیه کمونیستهای ایران

دوره ۲، شماره ۱ بهمن ۱۳۵۵



روز ۱۸ شهریور ۱۳۵۵ مائوتسه دین آموزگار برجسته‌ی جنبش کمونیستی و کارگری جهانی، اندیشمند، سیاستمدار و انقلابی پرولتاریائی شرق و سراسر جهان در یک دیدار از جهان فریست. مائوتسه دین بعنوان ادامه دهنده پیرو وفادار آموزگاران بزرگ پرولتاریای جهانی، مارکس، انگلس، لینن و استالین، نقش تاریخی بسیار مهمی را در راه پیشرفت و پیروزی آرمان کمونیسم، آرمان رهائی طیفی کارگر و زحمتکش چین و سراسر جهان ایفا کرد.

مائوتسه دین با نگاه به تجارب غنی انقلاب چین و بررسی تحریکات مثبت و منفی جنبش کمونیستی و کارگری جهانی و در مبارزه‌ی سیاسی امان بر طبقه انواع انحرافات ضد پرولتری و ضد مارکسیستی در چین و جهان، کارهای تشریح مارکس، انگلس، لینن و استالین را دنبال کرد و به تجزیه این تئوری‌ها یکی پرولتاریای جهانی در سرتوهای گوناگون بسیاری رساند. او مارکسیسم - لنینیسم را در رشته‌های فلسفه، تکامل حزب پرولتری، استراتژی و تاکتیک مبارزه انقلابی، سوسیالیسم علمی و مسائل مربوط به ساختمان سوسیالیسم و تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا تکامل داد و به یک رشته مسائل مشخص جلوی پای جنبش کمونیستی و کارگری جهانی پاسخ مارکسیستی روشن داد.

رفیق مائوتسه دین در مشاوری سیاسی بزرگی که میان مارکسیست‌ها و لنینیست‌ها در میزبانی‌های معاصر سرگردگی خروشید در گرفت، در افشان رویزویوسم خروشنجی و مبارزه بر طبقه نقش خرابکارانه‌اش در نهضت جهانی کارگری و در نهضت‌های رهائی بخش خلق در آسیا، آمریکا، آمریکای لاتین، مغرب برجسته داشت و کمونیست‌ها و کارگران آگاه جهان سخن به او بعنوان مرجع این تئوری بزرگ خود مینگریستند و برجعی را که او و رفیق اسیر خوجه در برابر رویزویوسم معاصر بدست داشتند پرچم خود، پرچم کمونیسم انقلابی، میداشتند.

نام و آثار مائوتسه دین در عصر ما با دور و رویداد تاریخی مهم در تاریخ چین که دارای اهمیت بسیار العلی هستند، عجین گشته است. این دور و رویداد، یکی پیروزی انقلاب کبیر چین و تشکیل جمهوری خلق چین و دیگری، برپا شدن انقلاب بزرگ فرهنگی پرولتاریائی در چین است.

رفیق مائوتسه دین همواره منمار انقلاب کبیر چین استادانه مارکسیسم - لنینیسم را بر شرایط جامعه و انقلاب چین انطباق داد، آنرا با توجه به ویژگی‌های خاص آن جامعه نیمه فئود-

دانی و سید مستعراق جیسے مراحل گزراں تکامل انقلاب و تحولات ایضاً و احسواں
سیر انطقی بسط و تکامل داد و بد جز مسائل و شیخہ گیری های تحریکی برداخت گہ
ارزش منور و سرد تاریخی آنها از حد بد انقلاب جیسے فراتر رفت. بیوری انقلاب کبیر
جیسے و آزاد شدن یت چهارم جمعیت گیری زمین و تبا تاسیب سوہا را در شرف و سر
سراسر حجابی بسط و سرہای د مویکراسی و صلح و سید ایلیسم سیم زد، بلکہ سہ راہ عدول
رہائی ہفت حشاہای زیر ستم ارفو و عقب ماندگی و سردگی احتسابی و اسرار طر میریز
افکند. میلیونہا تن مردم کشورهای مستعمرہ و سید مستعمرہ در آسیا، آفریقا و آمریکای
لاش دیدند کہ جگرہ منور سزگی کہ در شرایط مشابهی با آپہیزستہ با اتحاد و ایمان
بہ توانائی و بیروزی خود، سلسلہ برہاستہ ہمیں خود را از چنگال امپریالیسم و سگان
زنجیریش رہا ساخت و در مدتی کوتاہ از جیسے فقر، عقب ماندہ و عارت شدہ ہر پیشین جیسے
نود ما صایح و کشاورزی پیشرفتہ و مبتنی بر معیارہای عالی منی و علمی و تاریخ از سہرہ -
کس و سنگری لہا لہا اد پکتانہا، مانکان و سرمایہ داران سوس و سیر الطوائف بد بند
آورد. انگار این حقیقت تاریکیستی سلیبیتی کہ " قدرت سیاسی از لولہی تکس سیر -
ون میندہ " و اصول استراتژی و تاکتیکہ جنگ تودہای کہ توسط مائو تسمہ دون سہ و سہ صحت
آپہا در بیوری انقلاب چین و انقلاب ہای دیگر کہ عرشہ امپریالیسم و عمال برہیش
بر داشتہ شد بین شد فوہ راہمای انقلابیوں و گہنیشہای راستین ہرہہ کشورهای زیر
ستم لاش بین شدہ است. آثار مائو تسمہ دون و تجربات غنی انقلاب جیسے کہ توسط مائو
معمولی شدہ اند، بیوہ در دوران ما کہ جنبشہای رخشانی بخش ملی در نقاط متعدد
از حجاب جریان داشته و سز در دستگیر کار بسیاری از کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای
لاش میناشد، ارزش و لای خود را نشان میدہند.

رویداد دیگر، یعنی انقلاب سزگ فرهنگی بیرونتا ریاضی در جیسے کہ باکتار و
رہری مائو تسمہ دون آغاز گردید، ہم سرای اد امی بیوزمندہ انقی انقلاب سوسالیسم و
دانشان سوسالیسم در چین و ہم برای آیندہ سوسالیسم در جہان بکشورنگی اتوی
بمعنی داشتہ. اہمیت این رویداد را هنگام سیران فہمید کہ ب واقعیت ادرد سسک
احدای سرمایہ داری در نخستین کشور سوسالیستی جہان، اتحاد شوروی، و پارہای
دیگر از کشورهای سوسالیستی پیشین مگر بستہ و دربارہی امکان تکرار این حرکت قبضہ
نہی مشترک در چین و یا در ہر کشور دیگر کہ بیرونتاریا قدرت را بدست گرفته پاخراہند
ترتیب یافتہ ہسیم. روشن بینی و سیر مائو تسمہ دون درست در این بود کہ ب محر روز
دشمن با این حرکت دہفرائی در اتحاد شوروی و عذہای دیگر از کشورهای سوسالیستی
تاریخی از این حرکت برداخت، یا انشا بد ترہای مارکسیسم - لنینیسم راجع بہ
دوران گہ از از جامعی سرمایہ داری بہ جامعی کمونیستی بد تحلیل و قبو رزاد تو -
بیدی و مناسبات طبقات در جامعی سوسالیستی و شگہای بروز ساروی طبقاتی در
شرایط دیکتاتری بیرونتاریا حاکمات و در شرایطی کہ سیرت تا سیرہای روزہ سیم و
خزوری در چین سیر مختری حدی براہم آورد. تاریخ سہرہ و راہ سہ سہ آن سوہا را

بصورت انقلاب سرک فرهنگی برپا شد و طرح ساخت، پیام امین انقلاب فرهنگی برود -
تاریخی جبهه برای کارگران جهان این است: هرگز مبارزه عدالتی را فراموش نکنید .
مردم کهنه‌اندازی برپا کنید . بریزه مبارزه سریع عناصر رژیم پارتیست و عناصر
سخت‌پوزاری را که در درون مردم برپا کنید .

نام و آثار مائو تسه دون برای همیشه جایگاه والای خود را در تاریخ چین
به‌همی گنجینه و کارگری خواهد داشت . تمام کمونیستها ، کارگران آگاه جهان کند
بخوانند و امی مارکس، انگلس، لنین و استالین هستند خود را شکر گردان مائو تسه دون و
سربازان شکر سرخی می‌اند که مائو فرمانده فاش بود . از امروزه تنها کارگران چین را
باید با نام مائو تسه دون ، یادگیری و سازش از پادشاه بنده انقلابی و یک رهبر گمراه
نشین آشنا گردانند . بنگه مائو تسه دون آثار خود را در زمین مائو تسه دون از کوروشها و
برای پیشبرد امر جهانی جنبش کارگر و مردم ایران و چین هر کارگر آگاه ایرانی است .
چنین لحاظ ما بگوشیم شمای از زندگی مائو تسه دون و مائو تسه دون در اینجا یاد کرد .
رفضا در حد زمانی مورد نیاز می‌تواند بهترین آثار و فیس مائو تسه دون آنها در نگاه
انقلاب چین بود .

سالهای نخستین

مائو تسه دون در دوازدهم دی ماه ۱۹۲۶ در یکی از دهکده‌های چین شائو شان جیان
واقع در استان حویان به دنیا آمد . پدر مائو اردو زبان و فیزی بود که کم کم بیگانه
می‌شد حال مردم تنگ می‌شد و کار و بارش روزی می‌رفت . مائو از ۱۰ سالگی مجبور بود که
در مزرعه پدر کار کند . وی در ۷ سالگی به مکتب خانه می‌رفت و پس پدرش وی را
زودی از مکتب گرفت و دوباره در مزرعه بکار نگارد .
در آن زمان محیط اجتماعی چین یک محیط غنیایی بود و تمدن ادبی و هنری
در فضای برتبه فئودالها امراض میامت و تشکیلات های زیرین انقلابی برپا شد .
پیدا میگردد . در زمان مجبورها ، که ترجیح یادشاه می‌کردند اما شعری و بیان شوی
های روزامون خود خردت جمعی مردم چین را نسبت به مردم برانگیزت بود .
شیران بیگانه از اوضاع زندگی خود در دست اندازی های مردم را در چین آغاز کرد و
در یادشاه مجبورها این زمان دیگر در نتیجه ای در دست آمان شد و بیگانه بود
حکام باعدای چین هر یک برای خود نام و ستاره تقریباً مستقلی ترتیب داد و چین
مشهد آن در صورت خود نمی‌کردند . در میان آنها دانه جسته و چند انبهای حزب
در میگرفت که تنها نتیجه شان برای در مقام امراض مار مائو تسه دون ، حراب شدن و
وگشتار مردم بود . در سال ۱۹۲۹ (۱۹۰۰ میلادی) بن شهر مینگ در فضای مغرب
به پیام شدت زمان در گرفت ، که با تبعاع نیروهای مشترک انگلس، فرانسه ، آلمان ،

بلژیک، آمریکا، روسیه تزاری و ژاپن شدت سرکوبی داشتند، و پس از آن تا حد بسیار کم در خارج در چین آزادانه جولان میدادند. هنگامیکه مائو در سال ۱۹۴۹ هنوز پادگانهای بیگانه در شهرهای عمده از جمله در شانگهای، شهر مرکزی خونان، وجود داشتند و پنج-های نظامی آمریکایی و انگلیسی در رودخانه های چین مرکزی در رفت و آمد بودند.
 استان خونان، جاییکه مائو دوره کودکی و جوانی خود را در آن گذراند، در اواخر سده بی نوزده و اوایل سده بیست میلادی یکی از مراکز اصلی غلبانهای افترافضی بود. شانگهای، شهر مرکزی خونان، یک مرکز مهم نوآرشی و فعالیت های فرهنگی انقلابیون چین در آن زمان بحساب میامد. بین سالهای ۸۵-۱۲۸۳ (یا ۰۵-۱۹۰۴ میلادی)، قحطی بزرگی استان خونان و سزیک استان دیگر نام هویه را فرا گرفت، که به طغیان های گرسنگان و شورشهای دهقانی بر طبق مالکان دامن زد. در همان زمان جنگ روسیه و ژاپن، که در آن روسیه تزاری مدست یک قدرت نوخاسته آسیای شکست خورد، برای چینی ها نیز مانند سایر مردم آسیا، که در آن بموان آسیا-قیاسی عقب مانده تحقیر میشدند، این تاثیر را داشت که بر اعتماد به نفس آنها میافزود. بعد از و طبی سالهای ۱۲۸۵ تا ۱۲۸۷ (۱۹۰۶-۰۸ میلادی) هفت قیام عمده بر رهبری سون یاتسن، انقلابی کمپروچین روی داد که البته همه شکست خوردند. در سال ۱۲۸۵ (۱۹۰۶)، قیام خونان تحت رهبری سازمان انقلابی هواداران سون یاتسن در آنجا تودمی وسیعی از دهقانان، کارگران معدن و قشرهای ناراضی مردم را فرا گرفت و ولی کوشش قیامگران برای تسخیر شانگهای شکست اجابت و در پی آن گشتار وسیعی از مردم براه افتاد.

تمامی این وقایع گویاگون آن زمان بردهس جوانان چین و از جمله مائو جوان تاثیر میگذارد. علاوه بر اسپها، مائو بارها با موارد طغیان های دهقانی بر طبق مالکان و سه کوه زرد در دهقانان در ده زانگامی خود و در دهات نزدیک به آن روبرو شده بود. اسپها عمده در دل مائو جوان، که از کودکی با روحیه ای سرکش و در محیطی خشن و آکنده از موارد بیدادگری بزرگ شده بود، غلبان بسیار میکرد و مغز و روح او را میشداند. مائو چه در مدت کوتاهی که در مکتب خانه بسر میبرد و چه در مدتی که در دست پدرش کار میکرد بارها این روحه شورش و مخالفت با بیدادگری را بروز داده بود. از جمله وی یکبار بخاطر سرکشی در برابر سناط تسمیه و زیرکوشی مدرسه، که شدت در چن کهن روح میداشت، سه روز از مکتب تخریب و متواری کرده و صحرای شد.
 مائو از همان نو جوانی شیفته مطالعه و خواندن کتاب بود و ضمناً در قدرت حامی خوس بر خورد آرزوید. وی با آنکه سست به کلاسهای های پوسیدنی جنوسی - علفه بود سراحی آنها را از سر میکرد. کتابهای مردم علفه از در استادی استانیهای حماسی و فخری چینی، حکایتهای تاریخی که در آنها قیام های دهقانی تصور میشد و موضوعات سامنترج رومانیک بود. در آن سالها، یعنی سالهای ۹۰-۱۲۸۷ (۱۱-۱۱)

۱۹۰۸ میلادی) که روحیهی شوخی سون یا تنسی سراسر چین را فرا گرفته بود، و نسل نویی با احساسهای ضد نفوذالی و میداری شی برآمده میشد، نوشته های کفوسیتی و اندیشه های خرافی کهن همه سیرد حمله قرار میگرفتند. در این شرایط تعداد هرچه بیشتری از جوانان به مطالعهی آثار مترجمی و سهره گیری از علوم و مکاتب جدید ریختند. نشان میدادند و با اصطلاح جدیدی حقیقت میبویند. مانو نیز به این نسل نو تعلقش داشت و در جستجوی حقیقت هرچه را بدست میآورد با ولع میخواند و درباره اشان اندیشه مینمود. یکبار بر اثر نزاع با پدر، مانو برای مدت شش ماه خانه را ترک گفته و نزد یکی از دوستانش در شهر سیان تان ماند و تمام این مدت را به مطالعه گذراند. در ضمن این فرصتی شد که مانو با مدعیان ازاد یکالها و ترقی خواهان در تماس و ملاقات افتاد و با طریقات انقلابی آشنائی بیشتری بهم زد.

در سال ۱۶۰۱۲۸۹ هجری، مانو تسه دین دوباره پا بند رسد کرد. او در آنجا در جشن ضد نفوذالی و ضد امپریالیستی محصلین و دانشجوان فعالانه شرکت جست. ولی در اواخر تابستان ۱۲۹۰ (۱۹۱۱ میلادی) مانو مدرسه را ترک گفته پای پیاده راهی شامگشا شهر مرکزی حویان شد.

در این زمان مانو تسه دین از لحاظ موضع سیاسی بنام بوکرات بود و در درون او بیش از هر چیز حس سوزانی برای استقلال ملی موج میزد. مانو خود بعد هاد روحانی گفته بود: "روحانی ملی، آگاهی به استقلال ملی، همیشه نخستین گام در هر انقلاب است." نخستین هجیان درین هر انقلابی است. اکنون مانو خود این نخستین هجیان را در دل خود احساس میکرد و نخستین گام را در راه انقلاب بر میداشت.

یکماه پس از رسیدن مانو به شهر شامگشا، انقلاب ۱۲۹۰ (برابر با ۱۹۱۱) چین سرخوردی سون یا تنسی در گرفت و در زمان پادشاهی سچوها سرمت بری سوافناد و اندام جمعی شد. ۵ ریز بعد، مانو به روزهای رفت و در آنجا بعنوان یک سرساز ساره به ارتش جمعبری پیوست. تماس نزدیک با زندگی کارگران و دهقانان در ارتش جمعبری، که سربازان ساده را تشکیل میدادند، و آشنائی با روحیات و خلق و خوی آنها در مانوی جوان تحولات روحی و احساسی تازه را سهره آید، او چنانکه مانو بعد تا در باره می خرد تر گفت، این شرایط در تحوی و تکامل موضع آید لولزی او و پالایش روحیات و عواطفش از تمصات خود و چیزهای رایج در میان قشر تحصیل کرده موثر افتاد. پس انقلاب ۱۲۹۰ هجری سون یا تنسی که برخاسته بود از حرکتی پیش بلر ایستاد. حالت بلاتکلیفی و احساس آنچه آغاز پس از سرخوردی سچوها همه چیز خسید سچود درست خواهند شد جای حدیث و سرخوردگی شده را گرفت؛ حال آنکه انقلاب هنوز به سبازهای اساسی نیده های مردم پاسخ گفته بود، نفوذ الهیسم و باورهای سچود امپریالیسم بر جبهه شده بودند، و حکام سچودالی و گردگندان محلی هر یک با لشکریانی که از خود میداشتند تا حدت و ناز و جده انهای درین خود ادامه میدادند.

در این اوضاع و احوال بود که مانو ارتش جمعبری را ترک گفت (اسفند ۱۲۹۰)

برابر با مارس ۱۹۱۲) و بقصد یاد گرفتن حرفه و شغلی برای نام جوینی بعد از سرنگونی
سردار . ولی ناگهان او از همین ایام با حرفه مقرر کرده خود آموزی را ارجح دانست و برای
حدت ۶ ماه در کتابخانه ایستی حویلی واقع در شهر شانشا سرگرم مطالعه و خواندن
شد . پسر آن . ماثود در دانشسرای تربیت مسلم نام نوشت و از زمستان ۱۲۹۱ تا بهار
۱۲۹۲ (۱۹۱۳-۱۸ میلادی) بعد از سال در آخامان . در آنجا بود که عقاید
سیاسی ماثود همان شکل گرفت .

در طوسی این مدت از اصناف چین دستخوش تحولات تازه ای گشته بود . مکتب یانگ-
رئیس جمهور دولت افغانی حد بد ابرار را از گرفتن کتیر و کتین های دروس و دیوژوگ-
های عناصر فتود المی و متوجه که درون صفوف انقلاب حرفه دیوژوگ . در بهمن ماه ۱۲۹۰
(فروردین ۱۹۱۲) محضر به استعفا شد و بهندی بعد چین را ترک گشت . سازمانی متصرف
سختی تمام یوان شی گای که دستای از متحدانها . جناح راست خیزواری و امپرو-
لیستهای غربی از او ستم میگردند . روی کار آمد . یوان شی گای خواهان مهارت
سازماندهی و مدتها بعد کتین بود . تلاش های بعدی وی برای احیای سلطنت و انضمام حوی
به یوان پادشاه حد بد کشور به برانگیخته شدن قیام های متعددی در جنوب چین از
آذر ماه ۱۱۱۴ (زمستان ۱۹۱۵) و انضمام استان بند استان خنوی احداث .
یوان شی گای در خرداد ۱۲۹۰ (ژوئن ۱۹۱۱) مرد . لیکن تا آن زمان دیگر چینی
به در بخش تمام را محبوس تسلیم شده بود و در هر بخش انقلابی از سرداران فتودالی
که هر یک مورد حمایت این یا آن سردار امپروالیستی بودند . حکم میزاندند و این تسلط
که در بخش خنوی بود که حسن افغانی سبط و تکامل میافتد و خیزواری مفرقی و حردت
خیزواری شهر و روستا جنوب را به پایگاه قدرت خود تبدیل کرد و سواد . در این زمان
سردار یانگین بار دیگر به چین بازگشت و بر رامن حکومت اشتباهی جنوب نشست و در کار
چیز ستاد فرماندهی خود را تشکیل داد . بد یسان با بازگشت سردار یانگین در استان
فرماندهی . دو حکمت . در برابر هم صف آرایی کردند : ستاد انقلاب فرماندهی
یانگین و حزب او ، کومیتانگه . در جنوب و ستاد ضد انقلاب بزرگترین اشراغیون
حاشی در شمال .

در این اوان ، که تضاد با ساندیای حدت جهانی اول است . امپروالیستهای
ژاپنی از سرگرمی یونان امپروالیستهای غربی حدت برنمیآید . یکه پیکر در اروپا سردار حسن
سازار چین را از کارهای خود بی اساسند . هجوم گالاهای ژاپنی به روشکستگی
من چینی نامین ژاپن . در جهان زمانها حدت واحد ان میان سرداران و حکامان
مسی سیزالا گروم و همراهمان ماسانها ز فشار کتیر شکن بهره ساندیاس . وشن
گوشه یافت . بد یسان وضع اقتصادی و اوضاع اجتماعی مردم دانند خرابترند . در
نظمنا خشیدی در میان قشرهای خیزواری و حردت خیزواری دوباره اوج گرفت . شهر-
زندیای کوچک و بزرگ در هفتای ر حسن های انترامی . انداخته میسر . سردار
سازار دوباره جان رهبری شیرین . در حسن حدت کتیر . بد . سازمانی متصرف

رأفرت دستور اشعریان شرکت داشت و در این حال به سازمان های انجمن هسائی
و انجمن عربی، کلاسهای درس شبانه کارگری، مراود اخشن تظاهرات های سیاسی و
تشکیل مجالس حدیثی مطالبه مشغول بود. وی شش و هفتاد اردو اشعری که بهرمیرید
بمباینت میگرد. همزمان در این زمان به مطالبات اجتماعی و سیاسی سر پرداخته و
سخن میخواند.

در آبانماه ۱۳۱۶ (۱۹۳۷ میلادی) مائتر همراهی می آید و تاش انجمن
سام چند سخن میخواند. آن سرتانگسی - او که بهمعرفت نامیده می شود با مغزویت خود در
آوردن سر حائیه - هیئت سرگرمی که ۲۰ تن پیوسته میهن از انجمن این انجمن بعد هدیه
حرب گنجینه در بین میباشند. سازمان انجمن سامین و عبارت بود از تشکیل کلاسهای
در رشته های برای کارگران، سازمانها برای کارحاجات، نوشتن مقالات و اشعار و آموزش و
ترغیب به ان تظاهرات و سازمانها سیاسی علیه امپریالیسم روس و مانند آنها میباشند.
انجمن سرقیه میباشد اجتماعی افلام حس میگرد و به "اصلاح جین و حبیب" فرامیخواند.
مغزویت مائتر در این دوره ماهها به مراتب مگرد در میان. هادت استن انجمن، مطالعه
مجمع و اطلاعیه کشور تا آن زمان سرگرد.

در سال ۱۳۱۶ (۱۹۱۸ میلادی) مائتر میان پیاده در ایگ و در پیشگرفته
در حامیکه در جین راهی سرگرمی میباشند و بعد از مدتی در دقایق زکوت و سرگرد تا آنجا نیز میسر
و اخذ. سرگرمی در آن سال که کنایه از کثرت اخبار و آشکاه یکی استفاده شد و در
ایضا بود که مائتر مارگمیس را که پس از مارگمیس شد. کنایه از کثرت اخبار و
از فرار حبس کسی بود در جین که به استقلال اندرز و استقلال بود انتشار اند
پشت حد مارگمیس و ترجمه آثار سیاسی حد نه شد. وی در عمل زمان به رستنی
مدت بود که انقلاب جین اساسا به اندرز و دفاعیات و آواز کرده ایمن در دقایق و
سازگشت آن به سارون اندرز مستقل کشور انقلاب جین میباشند. لی تا چنان
سند ها از یاد گذران حرب گنجینه جین شد و سر انجام در جریان کرد تا ضد انقلاب
می جین که چندی در سال ۱۳۰۶ (۱۹۲۷) شهیه متر شد. مائتر از سرگرمی او بود که
به مطالعه این زمین پرداخت و در راه "دانشی مطالعه جین حدار" که توسط لی تاچایو
برجود آمده بود ایستاد.

سال ۱۳۱۸ (۱۹۱۹) سان خیرجین بمباینت افغانی در جین بود. در این
زمان زمان از ارتقاء اکثر و پیروزی حزب کمونیست سرگرمی کمر میگذشت. حسنک
حبیبان این جیره پان را پیدا کرد. فاندان حد امپریالیستی در برسان برای تضمین
چاپان در میان حزب کرد هم نشست بود. از جمله تلاش داشتند تا جین را نیز در
میان حزب تضمین کنند. مردم جین که سررفت میهن حزب را در جین میدیدند و
تمام قدرت به انرا می برسانند. جین از همه این اشعریان بود که با هم میباشند
! از آن زمان مائتران از بدو شد تا سال ۱۳۱۸ (به قیاس ۱۹۰۹) استقلال
دانشجین. جیره به انجمنها و حرکت دران مدت در جمع بود. فان صحر گشت. هم

آنکه از خود اد ماه (ژوئن) طبقه کارگر چین با همی عظمت خود قدم به پیش گذارد
 و انقلابی جنبش توده‌های را موجب گشت. جنبش اعتراضی یاد شده که با پیشگامی دانش
 جوان آغازید، بود سرعت ابعاد وسیع ضد امپریالیستی و ضد فئودالی پیدا کرد و در مسو
 خود تمام مظاهر فئودالیسم و خرافات و سنن پوسیده‌ی چین کپس را، که بندی برد ستو
 پای مردم چین بود و چین را از پیشرفت و رسیدن به فاصله‌ی تمدن بشری باز می‌داشت و
 به طعمه‌ی ناتوانی در برابر استعمارگران غرب و زاپین بدل می‌ساخت، بباد استفاد گرفت
 تعداد طبقات مترقی و انقلابی سرعت افزایش یافت. فعالیت‌های روشنگرانه و محافل
 سیاسی مترقی گوناگون از هر سو سر بر آوردند و رقابت و جدل میان مکاتب فلسفی و
 اجتماعی و سیاسی گوناگون در همه سوآل و برگرفت. بدینسان جنبش ضد امپریالیستی
 و ضد فئودالی یاد شده که از اردیبهشت ماه سال ۱۹۱۸ آغاز گشت در درون خود یک
 تحول بزرگ فکری و فرهنگی را در جامعه‌ی چین انکشاف داد. برای همین مائو بعد ها
 از آن بعنوان نخستین انقلاب فرهنگی چین یاد کرده است. در این شرایط و در این
 زمان بود که مارکسیسم - لنینیسم بعنوان یک روند ایدئولوژیکی مسین یا گرفت، ترجمه و
 انتشار آثار مارکسیستی گسترش یافت و سزیدی گروه‌های مطالعه‌ی مارکسیستی در شهرها
 چین و در میان دانشجویان چینی در خارجه پدیدار گشتند. با پیوستن طبقه کارگر
 به جنبش اعتراضی (۱۱ اردیبهشت) و گسترش اعتصابات کارگری شرایط مساعد
 برای بردن مارکسیسم - لنینیسم در میان کارگران، تشکیل محافل کارگری برای آموزش
 مارکسیستی و پیوند روشنگران سلاح به ایدئولوژی نو با جنبش کارگری سرعت فراهم
 گشت.

مائو یکماه قبل از درگرفتن جنبش (۱۱ اردیبهشت) و جوان، یعنی در فوریه بین
 ۱۹۱۸ (آوریل ۱۹۱۹) از یک به شانگهای بازگشته بود و در آنجا فورا به تبلیغات
 سیاسی برخاست. او در همان ماه نخستین گروه مطالعه‌ی مارکسیستی در استان جوان
 را در شهر شانگهای بنیاد گذارد. از آن پس، محافل موجود پیشین از قبیل "حامله‌ی
 مطالعه‌ی خلق نو"، "جامعه‌ی کار و مطالعه"، "جامعه‌ی خیزش نو" و غیره در آنجا همه به
 مطالعه‌ی مارکسیسم - لنینیسم روی آوردند. ضمنا مائو برای پیوند دادن فعالیت‌های
 دانشجویی در استان جوان با "اتحادیه‌ی سراسری دانشجویان چین" انجمن دانش
 جوان متعدد جوان را در خرداد ۱۹۱۸ (ژوئن ۱۹۱۹) بنیاد گذارد. در ۲۳ تیر
 ۱۹۱۸ هفته نامی روند سیاسی بدست مائو انتشار یافت. اکین مائو مردم را به اعتقاد
 بزرگی برای مبارزه و پیشرفت فرامی‌خواند. که بنا به نوشته‌ی او در این راه "از آسمان
 به از ارواح، به از مردمان، به از سوزگواتها، به از نشانیان، به از سرمایه داران" و از
 هیچ یک نباید ترسید زیرا "بزرگترین سوز نخوری اتحاد توده‌های مردم است و هیچ
 نیروئی را هیچ چیز نمیتوان متوقف سازد". چنانکه ۵ سال بعد پیروزی انقلاب مردم
 چین بوسیله مائو تسه درون سر شکست ناپذیری این نیروی شریف گزاشی داد.
 در اردیبهشت ماه ۱۹۱۹ (ماه ۱۹۱۰) با انگار عقلی تا چنانچه جس

توسیع و خود مائو و با تشویق بین الملل کمونیست کفرانسی بطریق بررسی و تسهیل در تشکیل حزب کمونیست در شانگهای تشکیل شد که مائو شخصا در آن شرکت داشت. در پی آن کفرانسی نخستین همته یا گروه کمونیستی با هدف سازمان دادن حزب در شانگهای برپا گردید. مائو نیز به شانگهای (خونان) بازگشته و همتهی کمونیستی آنجا را سازمان داد. تا فوریه بین سال ۱۳۰۰ (آوریل ۱۹۲۱) تعداد این گونه همته های کمونیستی تا ۱۰ عدد بالغ گشت که در این نقاط بودند: شانگهای، پکن، شانگهای، ووهان کوان چو، تسینان، پاریس، برلین، مسکو و ژاپن. سرانجام در ۹ تیرماه ۱۳۰۰ (۳۰ ژوئن ۱۹۲۱)، کنگرهی حزب با شرکت ۱۲ نماینده از گروههای کمونیستی که مائو نیز یکی از آنان بود در شانگهای برگزار شد. حزب کمونیست چین، سازمان پیشفرازیل پرولتاریای چین، با به عرصه هستی نهاد، بگفتهی مائو "رویداد دیرانسازی" در تاریخ چین! از این تاریخ بعد، زندگی سیاسی رفیق مائو سه دهه درون جزئی از زندگی حزب و انقلاب چین است، جزئی که گویی کل را نیز در برداشته و در خود میریزاند. از اینرو برای ادامهی شرح زندگی انقلابی رفیق مائو باید به شرح زندگی حزب و انقلاب چین پرداخت.

سالهای نخستین جنبش انقلابی داخلی

با تأسیس حزب کمونیست چین مرحلهی نوینی در انقلاب چین آغاز گردید، سر-خداوه که طبعی کارگر چین از طریق حزب پیشفرازیل خود مستقلاً یا پیشگدارده و وظیفهی رهبری انقلاب ضد امپریالیستی و ضد فئودالی را بر عهده می خرد گرفت. مائو بعد ها این مرحله را بعنوان مرحلهی انقلاب دیکتاتوری نو تعریف کرد. ولی حزب کمونیست چین برای پیوندن و یابان، رسانیدن موفقانهی این مرحلهی تاریخی و گام گذاردن به مرحلهی انقلاب سوسیالیستی و احتماعی چین نو جادهی صاف و یک ستری را در برابر خود نهان داشت. حزب باید خود را درون طیفان مبارزهی طبقاتی و ملی می انداخت، جامعه، مردم، شرایط مبارزهی خود را میشناخت و میلیونها میلیون توده های مردم چین را به توان شگرت و انقلابی خودشان میاگاهاند و آنها را در راه رهائیشان پیروزندانه رهبری میکرد. حزب از همان بدو تأسیس خود با شی ها و سیاستهای ضد پرولتاری و احتماعی متنوعی دست به گردبار بود که باید خود را از آنها می پانید و سرای شان داس نادرستی هر یک از آنها نرفیای های بسیار میداد و آندیده و دانا میگشت. تاریخ حزب کمونیست، همین شان شد که این ندادلیت انقلابی مائو سه دهه درین زمانه - یشه را آمیزد او بد که سر حرکت پیروزندانهی حزب را روشن میکرد، از اینرو حزب باید مائو را بر مشامت.

در همان نخستین کنگرهی حزب کمونیست چین، شی مارکسیستی-لنینیستی

X
 حرب با دو حزب احراری و ایترونیستی راست و "چپ" محض بقائه بود. فلسفه ای که در سراسر تاریخ حزب کمونیست - مارکسیست ایران داشته است - مانع از همساز آواز پیروان انقلاب - همه در پیش مارکسیستی - لیونیستی حزب بود و با دو احرار و ایترونیستی راست و "چپ" به مبارزه برخاسته. ایترونیستهای راست در کنگره اول امیلا معادله تشکیل حزب کمونیست بودند و گفتند "طیصر کازنگر چپ" "شور حزب" و "عقب ماند و بگریز" است و در ابتدا برای ایجاد آن سازمان پیشنهاد خود حزب کمونیست، آمادگی ندارد. لذا وظیفه کنگره مارکسیستها ایجاد یک دانشگاه مبارزه کبیتی برای بحث و تشیع اصلاحات اعتدالی است. راست ها در هر دو انقلاب و بویژه تیت و طو چین را به پیروی میروزی چین میگردانند - و در مسائل بیرونی را با سوسیالیست در ساند روی از بیرونی فرا میخوانند. همسازان از "دیکتاتوری پرولتاریا" - سوزاری میباشند. از همین دیکتاتور ایترونیستهای "چپ" در این کنگره بر آن بودند که "دیکتاتور تری پرولتاریا" است - سوسیالیست انقلاب چین بود و حزب چپ کنگره کبیتی و سوسیالیست باید بر پرولتاریای چین تکیه کند و وارد هیچ نوع انقلاب و سوسیالیست با اصرار و دستها مترقی طبقات انقلابی دیگر که بزم آنان در یک مدت ارتعاشی میزند، نشود. "چپ" ها سوس پاتنس و حزبش را ضد انقلابی خواند و لعن میکردند. همسازان هم سوسیالیست اشکان مارونیستی را سر مردم میشمردند. هم راست ها و هم "چپ" ها به نفسی انقلابی در انقلاب چین آگاهی داشتند و در انقلاب را همساز متحد بین اصلی پرولتاریای چین برشمردند و هر یک خود دستخیز بازی میزدند و در هر دو انقلاب چین و تپس سرخوش آن، که در اینصورت هر دو کامی شیعینی دیگری شواستی را در آزاد میگردانند.

از این کنگره تشکیل حزب کمونیست چین را اعزام در در ضمن یک دستگیری مارکسیستی - لیونیستی را اتخاذ کرد و لیکن ایترونیستهای "چپ" توانستند سیاست عدم همکاری با حزب سوس پاتنس (کوبیتانگ) که نفس انقلابی در آن زمان ایفاء میکرد و با اصلاح "حقیقی و حاد" مایلین نظریه حزب را به تمیز برساند - گوجه این سیاست سرخوشان نرهای چین در کنگره دوم سن المثل کمونیست سوسیالیست پرولتاریا اتحاد شد امیرالیسی میان احزاب کمونیست با احرار انقلابی بیرونی بود. در این کنگره مانع سیاست مارونیست و چپ راستی یافتند و آن معادله را در همسازان این کنگره حق در سیرا که از لحاظ سیاسی نرایش ایترونیستی راست را باید گفتی میکردند. حافظان آزادی کارشان مترقیان و سوسیالیست در میان روشنفکران مارکسیستهای آن زمان بسط ریاست حزب سرخوشان X

پس از پایان کنگره اول مانع حزبان مارونیست را براندازد (۱۳۰۰) (ارث ۱۹۶۱)
 نخستین اتحاد بین صنفی کارگران را ایجاد نهاد. در شهر آبان (اکتبر) ماسان
 در سراسر حزب در جوان شد و در آن زمان در ریاست این صنفی اتحاد بین سراسر
 کارگران چین را در جوانی معادله کرده.

سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۹ (۱۹۲۱-۲۰) سالهای معانیت افغانی و درگیری وسیع مائو در جشن کارگری است. او بعد رهبر سازماندهی این جشن بود و در این میان ما را ماند هنر اودر میان کارگران معدن آل بول و رهبری انتصاب آسمان جشن میداشت. از حلقه در سال ۱۳۰۱ (۱۹۲۲) مائو مدرسه ای را بنیان نهاد که بعد آن کارگران، سنگ تراشان، خرد و فروشان و مانند آنها میآمدند و در آنجا اسوا، خزان، و درختش، انگلیسی، روسی، تاریخ و جغرافیا درس داد و میشد. مائو در فروردین ۲۰-۳۰ (آذرین ۱۹۲۳) خود مائو این مدرسه بدت تشریف ماحاضه مارکسیستی نام، عنوان خود را که خود در آن مقالات متعددی در زمین مارکسیسم مسائل جامعه و انقلاب چین مینویسد. در همین سال مائو نخستین اتحادیه کارگری را در یوه پد واقع در استان خویان سازمان داد.

X مائو در هنگام تشکیل کمیته دریم حزب در سال ۱۳۰۱ (۱۹۲۲) پیشنهاد دادش کردن شناسی جایگاه محلی کثرت سازمان در آن شرکت کند. وی سال بعد در کمیته ی سوم حزب شرکت جست. در این کمیته بار مسائل اجرایی پیشین یعنی عنوان کمیته، جان گرفتن نماینده فی چپ ردها همچنان با تشکیل جنبه واحد میان حزب کمیته، و چون یاتس مخالفت میکرد، حال آنکه چن تسیو نمایندگی را دست ورزها، در میان عنوان مائو، اصلاحات حزب و نامزدی بین دو کمیته نامی یاتس بود. رژیم چن تسیو، کومینتانگ پس از حزب سوزواری متفرق، باید انقلاب سوزواری و مکرراتیک را سرانجام رساند. بعد از کمیته به انقلاب پیرونتاریانی خواهد پرداخت. وی از سازمان قهرافغانی خبر سوزواری مییست. مائو در این کثرت سازمانت تشکیل جنبه واحد با حزب سوزواری یاتس بدست برخواست و در همین حال سخته بود که حزب کمیته باید چن سوزواری و استفانل اید تو - لژیکی و سازمان خود را حفظ کند. و همین سیاست سوزواری اکثریت آن به تصویب نگذرد رسید. فضا مائو به بحریه کمیته مرکزی حزب درآمد.

در همین سال، سال ۱۳۰۲ (۱۹۲۳) تشکیل جنبه واحد میان حزب سوزواری یاتس، کومینتانگ، و حزب کمیته بدت چن عنوان کمیته و کثرت سوزواری چن در عین حفظ راه به زیر سازمان خود به عنوان کمیته نامی درآمد. مائو در این دوره هم عضو حزب کمیته هم عضو کومینتانگ بود و در سازمانها کومینتانگ فعالیت وسیع داشت. در آن زمان استقلال اساسی در سازمانهای انقلابی، یعنی که جنوب چین را پایه خود ساخته بود، نشانی که سوزواری و آزاد گرد آمدن استانههای شمالی از دست حکام نظامی بود. این آزاد رها به رهبری جمعیتی بود. کمیته در همان چین در دوره دفتر مائو و در زمان سوزواری انقلاب ملی، در توسعه جشن های کارگران، در دهقان و سوزواری چن ایدانگ شد و در راه تجدید سازماندهی حزب سوزواری (کومینتانگ) کوشید.

در سال ۱۳۰۲ (۱۹۲۴) سوزواری یاتس در انقلاب سوزواری کمیته و جنبه اندکی کارگران و دهقانان، چن سوزواری ارتجاعی نیروهای نظامی کمپان در دهان مانگسار ارضی کانتون را که میره جدا جدا امپریالیسم بود، سرگود کرد. سوزواری و آخر ۱۳۰۲ (ژانویه

بل (۱۹۲۵)، ارتش انقلابی ملی، که بر اساس همکاری حزب کمونیست و کومینتانگ بوجود آمده بود، از کانتون سمت شرقی حرکت کرده و بایستیایی و هفانان طی چند جنگ آن نواحی را از وجود اشراقرق فئودالی پاک ساخت. بدینسان راه برای لشکرکشی سمت شمال هموار گردید. تا این زمان سون یاتسن، انقلابی کمپوچین، که هوادار همکاری با حزب کمونیست بود درگذشته بود. رهبری کومینتانگ بدست چیانگ کایچک و باند او، که برائت‌نمی‌آوردند ال‌های جدید و جناح راست بیوزاری اشکاء میکرد و با امپریالیست‌های غرب باز و بند می‌آشت، افتاد.

چیانگ کایچک در ابتدا بنظر تحکیم موقعیت باند خود در برابر دست‌های بی‌بسیاری در گردون کومینتانگ و یافتن فرصت از در انقلاب سخن میگفت و به ادعای همکاری با حزب کمونیست، طرفداری از انقلاب کمپوچیه و پشتیبانی از جنبش کارگران و دهقانان ظاهراً رغبت نشان میداد. حال آنکه در ژوئیه و پرخود یک جویان ضد کمونیستی و ضد انقلاب را تقویت میکرد و میوزاد. ولی در این زمان رهبری حزب که در دست جن توسیو بود به این مسائل توجهی نمیداشت، بر استقلال و استکرامت همکاری با کومینتانگ با فشاری نمیکرد و حزب را برای مقابله با خطرات احتمالی آینده آماده میساخت. در کنگره چهارم حزب (دسامبر ۱۳۰۳ - ژانویه ۱۹۲۵) مائو هشداد داد که ما باید از لحاظ تشکیلاتی در گردون حزب کمونیست چین و همچنین در سازمانهای توده‌ای آماده باشیم. وی روی اهمیت مسئله و هفانان و ضرورت کار حزب در میان دهقانان تاکید کرد. ولی هیچیک از این اشراقرق‌های مائو عملاً مورد توجه رهبری آن زمان حزب قرار نگرفت. رهبری آن زمان حزب نه از خطرات بیوزاری ملی چینی درک درستی میداشت و نه به نقش انقلابی توده‌ای دهقانان توجه میداشت. آنان مایل به اشتدکند که دهقانان متحدان اصلی پرولتاریا بوده و پرولتاریای چین تنها آنکه بر جنبش آنان قادر به رهبری انقلاب، به مهار زدن بورژوازی بیوزاری ملی و مقابله با تلاش ضد انقلابیون راست است که هدفشان منسرد کردن حزب کمونیست و نابودی نیروهای انقلابی بود. میاشند. حزب در سال ۳۰۵ (۱۹۲۶) بود که تازه بدست هفانان مربوط به خود سازمان داد. ضمناً مائو در این کنگره بحالت مخالفین مائو امپریالیستی راست جن توسیو به عضویت کمیته مرکزی حزب انتخاب نشد.

پس از این کنگره مائو بعنوان مسئول کار حزب در میان دهقانان در استان حیوان به عنوان بازگشت و در احیای سازمان داد و دهقانان سرخاست. بزودی در زیر رهبری مائو اتحادیه‌های دهفانی متعددی که ۸۵٪ اعضای آنها را دهقانان فقیر تشکیل میدادند بوجود آمدند. ضمناً مائو به بررسی و پژوهش علمی روستا و طبقات اهالی ده پرداخت و نیز در مرداد ۱۳۰۴ (اوت ۱۹۲۵) نخستین سخن دهفانی حزب را در حیوان بنیاد نهاد. پس از ۶ ماه کار در این منطقه، مائو در شرایط پیچیده فوای مانگان محلی معرکه شد گاشون بود. وی در آنجا در برخورد با جنبش تبلیغاتی کومینتانگ شد، ضمناً مسئولیت نیسان دهفانی کومینتانگ در گاشون را بعهده گرفت و در آنجا به ترویج کار در دهفانی، آمیخت

سواد، سیاست و علوم نظامی به دهقانان همت گماشت. بنیاد مزبور مصلحتی ماهانه ای بنام ماهنامه دهقان سروز می داد و مائو در همین مصلحت بود که مقاله معروف خود بنام "تحلیل طبقات جامعه چین" را در اسفند ۱۳۰۴ (فبره ۱۹۲۶) انتشار داد. مقاله نامبرده ویژه برپایی ماهنامه سروز عینی مائو از وضع طبقات و کار در چین دهقانان حوضا تهیه شده بود و مصالح اولیه آن برای درس دادن در بنیاد دهقانی کاستون نگارگرفته شد بود.

X اهمیت مقاله "تحلیل طبقات جامعه چین" در این بود که مائو به مسئله درجه اول انقلاب چین، یعنی به مسئله تعیین دوستان و دشمنان انقلاب چین پاسخ درست مارکسیستی داد. وی خاطر نشان کرد که: "کلیه هندستان امپریالیسم در پیکتاتورهای نظامی بیروگر آنها، بیروزاری کبراد میرو و طیفی مالکان ارضی و سخن مرتجع روشنفکران وابسته آنها - دشمنان ما هستند." از سوی دیگر بیرولتاریای صنعتی نیروی رهبری کننده ای انقلاب ما است. تمام نیمه بیرولتاریا و خود به بیروزاری نزدیکترین دوستان ما هستند. "واما" در میوز بیروزاری متوسط متزلزل، جناح راست آن ممکن است بدشمن ما و جناح چپ آن ممکن است بدشمن ما بدل گردد. "مکتبی اساسی در این مقاله این بود که مائو به دوین روی خصیلت در یگان بیروزاری طی (متوسط) چین - مخالفت و در همین حال ضعف آن در برابر امپریالیسم و سم آن از خیزش نوده ها - دست نگهارد و نشان داد که این طبقه در شرایط شخصی جامعه چین دارای موقعیتی پایا دارد در انقلاب بوده و قادر به رهبری انقلاب است و میکرانیک و ملی است و اینکه متحنه اصلی بیرولتاریا را بیروزاری، بلکه نوده های و فیسر دهقانی و لایه پایینی دهقانان میانه تشکیل می دهند. در آن زمان هواداران گرایش راست سرگردگی چین توسط همی هم نشان متوجه همکاری با کومینتانگ و بیروزاری بود حال آنکه هواداران گرایش چپ سرگردگی جان گوتائو فقط به جنبش کارگری توجه داشته. بدینسان هر دو دسته دهقانان را فراموش کرده بودند و علاوه بر آن در شکست جابه ای از بیروزاری ملی چین بدست می دادند. مقاله مائو به دوین درست متوجه این دو دیگر این اشراقی بود. بعلاوه مائو در اینجا پیش بینی کرد که بیروزاری طی چین در شرایط اوحدی انقلاب به دو جناح راست و "چپ" تجزیه گشته، جناح راست آن به سررا امپریالیسم خواهد پیوست، و هشدارد آن که "ما باید در برابر این طبقه در انما هند پارو مراقب باشیم و نگذاریم که در صددی ما اعتشاشی بریا کند." "روزه اد های سال ۱۳۰۶ (۱۹۲۷) در انقلاب چین درست این پیش بینی طی مائو به دوین را ثابت کرد.

طی سال ۱۳۰۵ (۱۹۲۶) کومینتانگ سرگردگی چپانگایچند - رئیس آنکه سه عواملی و نقاضی راجع به انقلاب ادامه می داد میگویند تا از نفوذ کومینتها گاستند و اما در این مقاماتی که در داخل کومینتانگ میباشند برکنار سارد. ما توجه به این وضع مائو سخن نشیفات کومینتانگ را توت گفت و برای دادن گرایش به دفتر سیاسی حزب به شد گنبا رفت. شدستی برای بررسی کار حزب سرگزار شد که از جمله علل گوتائو و سوشالیسم معروف که در ایران بهیرو اتحاد به سراسری کارگران چین را محسوسه میباشند در آن شرکت

راست. وی تاکید کرد در هفتاد سال گذشته هیچ یک از احزاب و گروه‌های سیاسی که در ایران وجود داشته‌اند، نتوانسته‌اند که در جهت اصلاح و پیشرفت ایران قدمی بردارند. وی افزود: «این احزاب و گروه‌ها در جهت منافع شخصی و منافع محلی خود، هیچ تلاشی برای اصلاح و پیشرفت ایران ننهادند. در حالی که ما در این راه قدمی برداشتیم و نتوانستیم که در جهت منافع شخصی و منافع محلی خود، هیچ تلاشی برای اصلاح و پیشرفت ایران ننهیم. ما در جهت منافع ملی و منافع مردم ایران قدم برداشتیم و نتوانستیم که در جهت منافع شخصی و منافع محلی خود، هیچ تلاشی برای اصلاح و پیشرفت ایران ننهیم. ما در جهت منافع ملی و منافع مردم ایران قدم برداشتیم و نتوانستیم که در جهت منافع شخصی و منافع محلی خود، هیچ تلاشی برای اصلاح و پیشرفت ایران ننهیم.»

در نشست خبری بعد از ظهر روز دوشنبه ۱۳۰۵ (۱۹۲۶) سرانجام بحث در هفتاد سال گذشته حزب و اتحادیه‌ها در ایران، به بحث در مورد وضعیت ایران در هفتاد سال گذشته اختصاص یافت. در این نشست، سرانجام بحث در مورد وضعیت ایران در هفتاد سال گذشته، به بحث در مورد وضعیت ایران در هفتاد سال گذشته اختصاص یافت.

در نشست خبری بعد از ظهر روز دوشنبه ۱۳۰۵ (۱۹۲۶) سرانجام بحث در هفتاد سال گذشته حزب و اتحادیه‌ها در ایران، به بحث در مورد وضعیت ایران در هفتاد سال گذشته اختصاص یافت. در این نشست، سرانجام بحث در مورد وضعیت ایران در هفتاد سال گذشته، به بحث در مورد وضعیت ایران در هفتاد سال گذشته اختصاص یافت.

در نشست خبری بعد از ظهر روز دوشنبه ۱۳۰۵ (۱۹۲۶) سرانجام بحث در هفتاد سال گذشته حزب و اتحادیه‌ها در ایران، به بحث در مورد وضعیت ایران در هفتاد سال گذشته اختصاص یافت. در این نشست، سرانجام بحث در مورد وضعیت ایران در هفتاد سال گذشته، به بحث در مورد وضعیت ایران در هفتاد سال گذشته اختصاص یافت.

ها و رهسود های متفاوتی و مادر سوسی را هم به حسن و هفتمی صادر میگرداند اما مسدود
به اصطلاح "ریاضه و بیبایی" حسن نبود. بعد از هفتمی چند ارجمند و دیگر شهیدان دست و
پای دهقانان را در دست زدن به انقلاب ارضی و تار و مار کردن نفوذ آنها کردند.

در این زمان مائوتسده و او که در حیوان فعلی لیت میباشند بواسطه یادگیریها
و رهسود های خطرناک رهبری حزب به تشبیه گزارش راجع به حشد و هفتمی در حیوان
برای ارائه به کمیته مرکزی حزب جهت گماشته و برای تشبیه آن به دهه از اردیبهشت ۱۳۰۵
یعنی ۱۳۰۵ به سوسی و عزیزش خیرش دهقانان حیوان، حرامسپها و دستاورد های آن
پرداخت، انودراین گزارش که رهسودان گزارش درباری حشد و هفتمی حزب را در کمیته
آثار ایجاد پدید است، عرضه نظرات مادر دست و رهسود های حشد و واقع درون کمیته
مرکزی حزب شد و با اعتراض کردن به حمایت و پشتیبانی از خیرش انقلابی دهقانان و احص
های آنرا که تا آن مبلین خاوارده هفتمی در حیوان در پیشان را میداشتند، سرچاسد و
مصراحتی جدیدی را در جستن و هفتمی خواستار شد.

هم آنگه انودراین گزارش به نقش کیدی در دهقانان را انقلاب جین نشان کرد و
صراحتاً اعلام داشت: بدین دهقانان فقیر، هیچ انقلابی نمیباشد. او خاطر نشان
ساخت که انقلاب ملی مستلزم درگیری بزرگی در روستاست و او این حزب باید از دست
خیرده هفتمان قتل و کشتن بشتیای کرد و آنرا رهبری کند. اما جین توستیو از بررشی و دست
پیرامان گزارش مائو در کمیته مرکزی جنیگیری کرد. جین توستیو و جواد اران او که از حرکت
ارتحاضی درون کمیته تانگ هراسید و، همی امید خود را به برادری و جناح اصطلاح کرد.
که میباید گشته بود به، حرارت میگردند از خیرش انقلابی دهقانان دفاع کنند. آنگاه
بدین بیان پروتستار از از مطمئن ترین متحدان خود، جین از توستیو، دهقانان فقیر، حشد و
ساخته، طعنه کارگر و حزب کمونیست را، آنهم در شرایطی که آنرا به خطرناک سال ۱۳۰۵
تا ۱۳۰۶ (۱۹۲۷) من پشت و پناه گذاردند. و این رویدادها سرایت نتایج هلاکتسار
سیاست تسلیم جنسایف مزبور را به ارمغان آورد. در آن ستنق جهانکاجند و به حاشی
چپ بقس کمیته تانگ در روزهای زده اردو ستنق وانگ جس. و این یکی پس از دیگری به انقلاب
و خلق حیاست کرد و پانگیه برای خطه صفت حزب و غایتگر کرد. کمیتههای جین
طلبه نیروهای انقلابی حشد گسترده و خونینی را راه انداخته و کشتارهای بیانی سپسا
کردند.

در ۴ فروردین ۱۳۰۶ جهانکاجک تاکن رانج و پایشان خود گرداند و آنگاه
به شدت های بشرفرستان. یکی در دانشگاههای کارگران رهبری راجع جودن لای پیشا ستنق
کرد و در ۱۹ آبان ۱۳۰۵ (۲۰ مار می) قیام کرده بود به شهر برای سه هفته در دست
سروهای مسلح کزیری بود و در حالیکه جهانکاجک در جناح ششیر با ششبار نشسته بود. در
اجداد برشاین دست و آن دست کردن رهبری حزب در رهسودان با میانگران و ناشریات
سوانسی سارشکار این جین توستیو ارتش جهانکاجک در ۴ فروردین (۱۴ آوریل) وارد
شهر شد و کشتار پرداخت. سرکوب انقلاب و گشتار انقلابی در جمده را آغاز شد.

جیانکاچنگ، یکروز بیشتر، ۲۴ فوروردین (۱۴ آبریل) در نانکن حکومت تشکیل داد. بود که فورا توسط قدرتهای امپریالیستی عرب بعنوان یگانه حکومت قانونی چین رسمیت شناخته شد. اکنون در حکومت وجود داشت: حکومت نانکن سرکردگی جیانکاچنگ و حکومت یوهان سرکردگی وانگ جین - وای. در ۷ اردیبهشت (۲۷ آبریل) پنجمین کنفرانس حزب کمونیست چین برگزار شد. در این کنفرانس جن توسیو و گروه هواداران او، که هیچ تری در سگری از بود اد ها ننوده و از چرخش خصمانه جیانکاچنگ به وحشت افتاده بودند، اشی تسلیم طلبانه راست خود را پیش بردند. در کنفرانس شعار "وحدت بالاتر از همه چیز" - یعنی وحدت با حکومت یوهان - غلبه داشت. مانو بخاطر زیاد رویه پسا ای در هفتان جوان و یافشاری بر ضرورت حرکت مستقل و جزئیانه ی حزب و سمیح و تسلیح در هفتان میرد استفاده شد به قرار گرفت و از حق رای محروم گشت. ضمنا رفیق جوش لای نیز بخاطر آنکه بد رستی کارگران را خلع سلاح نکرده و بزعم اپورتونیستهای راست سار رهبری قیام مسلحانه کارگران شانگهای کودتاجیان نانکن را به کشناری که بعدا روی داد تحریک کرده، ساد استفاده گرفته شد. اینها همه حق کسی بود پس. ولی رویداد هاسرعت درس دیگری داد. گروه وانگ جین - وای در یوهان نیز بزودی راه سازش با جیانکاچنگ را در پیش گرفته و در فورماه همان سال (ژوئیه ۱۹۲۷) رسماً از اتحاد با حزب کمونیست سربید و به کشتارگری آغاز کرد. ضد انقلاب سایه شوم خود را بر سر ارجین گشتراند. در این زمان مانو تحت پیگرد بود و پنهان شد.

سلسلهای نویمین حسک افلاسی داخلی

باشکست انقلاب چین در سال ۱۳۰۶ و از جنگری تعرضی ضد انقلاب، اشی تسلیم طلبانه راست جن توسیو و اشی هواداران سطح بی انحلال خلقی کامل تکامل یافت اپورتونیستهای راست که به واردگی کامل و نه نسبی راجع به سرکشت انقلاب جن جار شده بودند در پس تزههای ارتجاعی و نرینسنگینی سرگردانده و مدعی شدند که سر واری چین در پی انقلاب ۱۳۰۶ به پیوری گامن سروروهان بنود اشی و امپریالیسم ناسی آمده و اکنون قدرت خود را بر خلقی تثبیت کرده است. نظام عادلانه سرخامده سرمایه داری است که در گروارد مرحله تکامل صلح آمیز حد شده و نه انقلاب سر واد و موزکانتیک در گرسر رسیده و اکنون برودتاریای جن ساند را انتظار امر امین شرایک "انقلاب سوسالیستی" شسته دست از سازهی افلاسی شویید و سحای آن به مسائل بنیادی قانونی که شمار مرکزی آنها را خواندن "کنگره ملی" است مشغول شویید. گروه جن توسیو از آن پس با هر حرکت افلاسی به عیان سرخامده سازات مسلحانه ای را که حزب سزودی سازمان داد کوبیده شد. آمان با تروتسکیتهای جنی همه دست شده و بصیرت بی گروه تفرقه افکن ضد حزبی دارند. در همین ایوان، بصیرت و انکشی در برابر پیشروی ضد انقلاب و سیاست گشتسار کومینتانگ قیامهای متعدد خلقی در نقاط گوناگون چین در گرفت. حزب کمونیست حسنس علیرغم فشار اپورتونیستها و انحلال طلبان راست کمیتتی ویژه ای را در روز رهبری رسو

دوازدهم فوروردین

جوشن لای سام کمیتهی جبهه تشکیل داد و تصمیم به قیام مسلحانه در شهر برد و گرفتند، از
 جمله رفیق مائو مسئول سازمان دادس قیام مسلحانه در میان دهقانان جوانان شدند. در
 ۱۳۰۶ (یکم اوت ۱۹۲۷) حدود هزارتن از سران کومینتسنگ در شهر نان
 چان که انقلاب همراهی میکردند تحت فرماندهی جوشن لای قیام کردند و سپس راه
 جوانان را در پیش گرفته در بین راه ۸۰۰ کارگر معدن نیز به آنها پیوستند. قیام نان چان
 سر آغاز تشکیل ارتش سرخ شد، چنانکه در تاریخ انقلاب چین در هم مردان (یکم اوت)
 ۱۳۰۶ بعنوان زادروز ارتش رهاشی بخش خلق چین به ثبت رسیده است. ۶ روز بعد در
 شانزد هم مردان، با پیشگامی جوچو- پای کمیتهی مرکزی حزب کومینتس چین کنفرانس
 فوق العاده ای را برگزار و جن توسیو از مقام رهبری خلع کرد و سپس نیز او و هواداران
 از حزب اخراج شدند. کنفرانس فوق العاده مشی تسلیم طلبانه و اپورتونیست راست
 جن توسیو را درستی خرید و مشی مارزیو مسلحانه را تصویب کرد. جوچو- پای دیر
 کل کمیته مرکزی حزب شد. ولی کنفرانس فوق العاده اگرچه نام مشی در تاریخ انقلاب
 چین بود، گامی که جنبهی عدلی کنفرانس نامرود را نیز تشکیل میداد، نتوانست از انحطاط
 سیاسی اقدامات تاکتیکی عقب نشینی و حمله متقابل مناسبی نتواند اوضاع و احوال ساخت
 مختلف تعیین کند و به ماجراجویی راه داد. در همین حال از انحطاط سازمانی مبارزه درون
 حزبی سالیسی را بدست گذارد، به اهمیت نشاء کارگری کارهای رهبری را صرف نظر
 کردن از ملاحظات دیگر بهائی سخن را بدانه داد و در برابر وی دموکراسی افراطی دردی
 حزب کشید. شرایط اوچگری ضد انقلاب و فشار اپورتونیسم تسلیم طلبانه راست همچنان
 ختم آگین و واکنش چپ روانه ای را در درون حزب سرانگیخته بود که خود از سی صوری انقلابی
 خرد و بیروزی ناشی میگشت و البته آن تا آنجا که متوجه سیاست قتل عام چیانگ کایچک و
 تسلیم طلبی اپورتونیستها بود و مقاومت مسلحانه ای را طلب میکرد درست و ستایش اشپز
 بود. اکنون این واکنش به یک احزاب چپ تکامل سپادت که این نیز سوسی خود در نشست
 وسیع رهبران حزب در آبان ۱۳۰۶ (نوامبر ۱۹۲۷) تا حد یک مشی چپ روانهی عطیبات
 ماجراجویانه که بر حیات حزب گامزنانه یافت انگذاف پیدا کرد.

ولی تلاش های حزب برای سازمان دادن قیامهای مسلح در شهرها با حمله
 برای تسخیر فوری شهرها بعزت قوت ضد انقلاب یکی پس از دیگری به شکست انجامیدند و
 عقب نشینی سوره های مسلح حزب را در اتحاد معاصره سوره های دشمن می افکند. در این
 زمان مائوتسه درون که جهت سازمان دادن قیام مسلحانهی دهقانان و اربابان شوراها
 کارگران و دهقانان به مطنفی حوالی شانگها در استان جوانان اعزام شده بود، ارتشی
 کارگری-دهقانی از میان کارگران آگاه معدن، سرانان انقلابی که از کومینتسنگ رسیده
 بودند و دهقانان معسر تشکیل داد. ارتش انقلابی کارگران و دهقانان رهبری مائو در
 ۱۷ شهریور ۱۳۰۶ (۸ سپتامبر ۱۹۲۷) بدست قیام زد. این قیام چون سه گام آغاز کار
 رو و در فصل پاییز صورت گرفته است نام قیام درونی پائیزی در تاریخ انقلاب چین سخی
 ثبت رسیده است. فائوگران پس از مدتی جنگ با سپاهیان کومینتسنگ و مانگان مشی سخی

و در حالی که تعداد طرفداران تا به ۸۰۰ نفر کاهش یافته بود به پیشپا نهادن و تحت فرماندهی
ماتو راه دیگری را در پیش گرفته و در سپتامبر ۱۳۰۶ (اکتبر ۱۹۲۷) سعی بکنند بیهای بیروت
افتاد می حسین گان واقع در منطقه مرزی حیوان - حیوان می رفتند و آمادگی داشتند که
پایگاهی سرخ تشکیل گردند. پس از مدتی فستیهای ارواحه های دیگر ارتش سرخ به
فرماندهی رهبر جبهه سرارادامی جنگ شبانه قتل صرف نظر کردند و قیامگران حسین گان
پیوستند. به پاسل نخستین منطقه پایگاهی سرخ به رهبری ماتو ایجاد و آن انقلاب
حسین سیزده پیروزی بود. راه سرد مسلمانان با تکیه بردهات و ایجاد مناطق پایگاهی و
سراسره شهرها از طریق روستاها و سرانجام فتح شهرها را یافت.

در منطقه پایگاهی سرخ در رهبری ماتو آتش انقلاب ارضی در روستاها شده
و گردید. حکومت مسلح کاری - دهقانی تشکیل شد. ارتش سرخ صفوف خود را گسترش
داد و دستجات پانصد اران برای حفاظت از مناطق پایگاهی در سطح دهستان و
مناطق بخش شهرستانها و غیره بوجود آمدند. نظام دیوگراتیک نویسی در درون صفات
ارتش برقرار گردید که در آن سران با اسرار از صفوی و شراباطرین کی سراری سرخیز -
دار شده. ارتش بهیج روزی بردوش دهقانان شده به روستاها در فعالیتهای
تولیدی پیمان میروساند و خود برای تامین خواربار و نیازهای اقتصاد بشری که کار
تولیدی میبرد است. ارتش در رهبری ماتو به نهایت واحد برای برای جنگ بود
بلکه به کار رشتگری و سازماندهی در میان دهقانان و بسط سازمانهای حزبی نیز برای سرشتا
ولی رهبری حزب در این زمان به اهمیت ایجاد مناطق پایگاهی سرخ در انقلاب

حسین واقف بود و نتایج قیام سرخی یا پیروزی را محکوم کرد و حتی مانع جایگاه خود را در
کمیته مرکزی (عضویت ملی اندک از اکثر سیاسی حزب) در مجلس در کمیته ایالتی حیوان از
دست داد. در این زمان جبهه سرخ پای رهبر حزب و هم آمد پیمان وی از یک شش جبهه
روایتی سراه انداختن و اسباب تفرقه ای حسنی با تکیه بر کمیته ای قتلای ارتدای حزب و
مردم پیروی میکردند. در شهری ۱۳۰۶ این نشیانات ماجراجویانه که گاه تا چند
میلیات تفرقه ای جبهه روانه میروید. اشوب بسیار یافت ولی در اوایل بهار ۱۳۰۷ به تدریج
به کاهش سپید. تعداد ارتش شش جبهه - پای معروف به نخستین شش "جبهه" به فرا
بسیار خیر انقلابی حسین در انقلاب حسین باز گردانند حال آنکه انقلاب شکست خود
در سال ۱۳۰۶ تازه در وقت فروکش خود رامیکردند. عمداً آنان میان دو مرحله انقلاب
دیوگراتیک و سوسیالیستی جداگانه روتنی تفرقه اند و نیز سیاست جبهه روانه از راه
زمینی اصلاحات ارضی که تقاضای میان مانگان و دهقانان مرده و میان فترهای مختلف
تکیه ارضی نگه داره همه را دست جبهه سرخ در شان میکردند. آنان ازها به سرای
مجلس سیاستهای جبهه روانه خود بشود حکم ارتداد در کار مناطق پایگاهی سرخ از
سند در زمینه اصلاحات ارضی و شراباطرین سازمان آوردند و فرمان میدادند که ارتش
سرخ به فرماندهی ماتو در منطقه پایگاهی را رهبر کرد و به حاکم رود در رهبری تسخیر شهر -

ها که همه سرپرستی خود را دست به انداخته بودند.

ششمین گمراهی حزب کمونیست چین در تقریباً مرداد (ژوئیه) ۱۳۰۷ به سیمینا منشی
مراحمیادمانی چزیو- پای پایان داد و ارزیابی اساساً درستی از خصالت حامد انقلاب
چین و شرایط مشخص موجود در آن زمان به دست داد و بدینوسیله از یک سیاست آن دوره را
پسوان فروکنی در میان دو حیر انقلابی تعزیر داد و تضاد انقلابی چین را سامان و ضمناً
مصرعات گمراهی تصریح کرد که وظیفه حزب در این مرحله به سازمان دادن قیام در شهر و
یاد دادن به حملات نظامی بزرگ بلکه چندین نوبت و هاست. مائو را این گمراهی ترکمیست
... اند و ولی به عضویت کمیته مرکزی انتخاب شد.

لشکر هوز پاره ای ازاد شده های نامرئیت و چپ روانی پیشین به دست
موجود در ارزیابی های گمراهی یاد شده در کمیته مرکزی جدید حزب رهبری لی لی شان به
حیات خود ادامه دادند. لی لی شان و هواداران او ساختن پایگاههای روستایی را
خطری برای رهبری طبیعتی کارگر قیام کردند و اینکار را «توان نظیر» مکرر «حقان» مکرر
بیکرند و مطرح میدانند که مائو و پارلی و می در این کارها راپایگاههای روستایی را حکیم
و گسترش آنها برداشته و برای مائو «ملاح مارشالی پایانه های کارگری حزب» به نامش
برود. در عین حال نیروهای خود را به دستجات کوچک پارلی را برای گرفتن
نیزه ها در نقاط مختلف تقسیم و پراکنده ساختند. مائو در این سیاست روستایی
بند گریه و در فغان آماد گنیز را نند آورد و غیره و غیره / ضمناً آنان ارزیابی مائو در
ضیقات سیاسی و خصالت مائو به این ضیقات داشته بجان جنبه های سر راهی و
پا دست کم حسی کرد نشان روش چپ روانی و دشمنان ای در برابر آنها تعداد مائو
این سیاستها و رهسود های چپ روانی پارلی از یک سینی «معمین» آماد گنیز به سر راهی
انقلاب چین میبود. جنگ انقلابی و ایجاد پایگاه انقلابی روستایی که برای مائو
در پانزیر ۱۳۰۶ توسط مائو آغاز گردید. هر ادا جنگهای انقلابی و پایگاههای انقلابی
روستایی در برخی نقاط دیگر چین توسط مائو که کمیته پارلی. مائو این سیاست
انقلابی را در این دوره تشکیل میداد. لیکن رهبری حزب در این زمان این تصور بود
درک نکرد و سرپایه ای آن به رهبری انقلاب چین دست می گذاشت.

فنی ماههای مهر و آذر ۱۳۰۷. مائو در مقالتهای سم بنامهای «چرا قدرت سیاسی
سرخ در چین میتواند پابرجا ماند» و «سارره در کره دستار چین» نوشت و در آنها نظراً
و امین تاکنیکی چپ روانی موجود را رد و ایده های اساسی استراتژی و تاکتیک مائو را
انقلابی در شرایط مشخص چین را سر همی طرح ریزی کرد. این دو مقاله در واقع نشان داد
ریزی تئوری و تاکتیک انقلاب چین بود. نشان داد ریزی آن تاکنون حفا داده ای که
مائو از بکاربرد تئوری مائو مارکسیسم-لنینیسم در بررسی شرایط مشخص و تحریکات انقلاب
چین به دست آمد و است. مائو در این مقالات دلالت ملامت مشخصی چین نیند مستعمله و ویژگیهای
انقلاب چین را بررسی و نتایج قیام در وی پانزیری و تحریکات مشابه و منفی مائو را حزب
کمونیست را تراز بندی کرده نشان داد که در چین تسخیر قدرت سیاسی توسط نیروهای

سلح تنها با پیش گرفتن راه ایجاد مناطق پایگاهی روستائی، محاصره شهرها از جانب روستاها و سرانجام گشادن شهرها امکان پذیر است و نه با پیش گرفتن راه پیروزی قیام در شهرها و سپس پیشروی. سوی روستاهای کشور، نظیر که در کشورهای سرمایه داری معمول می باشد.

مائو طی نامه های متعددی (از جمله نامه ای بتاريخ ۱۶ فروردین ۱۳۰۸) به رهبری حزب نظرات و رهنمودهای اشتباه آمیز و چپ روانی موجود در آن دوره را غیر بررسی انتقادی قرار داد و ضمناً با تکیه بر تجربیات مارزیستی ارتش سرخ در کوهستان چین-گان و مناطق اطراف آن که زور رهبری مائو صورت میگرفت، اصول اساسی تاکتیکیهای جنگ چریکی را تشریح و تدوین کرد. خطوط اساسی تئوریکهای نظامی مائو تدوین گردید، که بعدها در کلاسیکهای نظامی معروف مائو در ازا تشریح و بسط و تکامل یافته، در همین جا، در کوهستان چین گان و مناطق پایگاهی آن بدست آمده اند.

در این دوره مائو به رهبری جنبش توده ای در مناطق پایگاهی و سازش مرطبه حملات ارتشهای نفوذ الیهایی محلی و قوای چپانکایچک برداخته از چین گان راه گسترش مناطق پایگاهی را از طریق سازش سلحانه در پیش گرفت و در سال ۱۳۰۸ ارتش سرخ زیر فرماندهی مائو و چوته به جنوب استان جیان سی و غرب استان فوجیان پیشروی کرده منطقه ای پایگاهی مرکزی را، که زوی چین واقع در استان جیان سی مرکز آن بود، ایجاد کرد. تا سال ۱۳۱۰ ارتش سرخ با تکیه بر استراتژی و تاکتیکیهای نظامی مائو به حمله بزرگ سپاهیان چپانکایچک مرطبه منطقه ای پایگاهی مرکزی نام عملیات محاصره و سرکوب رادرهم شکست و مناطق پایگاهی انقلابی را گسترش داد. ارسوی دیگر مائو در این زمان مجدداً به انتقاد و سازش درون حزب پیوسته مرطبه خط مشی و سیاستهای چپ روانی موجود برداخته و به آموزش سیاسی و ایدئولوژیکی کادرهای حزب در سازمانهای حزبی و ارتش سرخ و تشکیل گفراخسهای منطقه ای برای بررسی تجربیات مارزیستی حزب و ارتش و تصحیح اشتباهات سیاسی در رهبری امیر-مناطق پایگاهی، پیشبرد اصلاحات ارضی و بررسی و تعیین تاکتیکیهای عملیات جنگی ارتش سرخ مادت میزد. در اینجا و مقاله یاد شده در قتل باید مقالاتی در باره اصلاح نظرات نادرست در حزب (آذر-دی ۱۳۰۸) و "ازین حرات حزبی برمیخیزد" (دی ۱۳۰۸) را نیز افزود. مقاله نخستین بررسی و تصحیح نظرات اشتباه امیر درون حزب و ارتش برداخته و پیوسته ساختن ارتش سرخ را بر سیادی مارکسیستی-لنینیستی قرار میدهد. مقاله دوم که "مسطر استناد از نظرات بدینا نه ایکسر آموغ در حزب بد آمده بود" نوشته شده در اگون معلوم شده که این مقاله مشن نامه ای به لنین بیانگوده، بار دیگر معاد اساسی تکامل سازشی انقلابی در چین را در بر تو ارزیابی واقع بیانیه ای از اوضاع و احوال موجود تشریح میکند. مائو در این مقاله در انتقاد از خطاهای چپ روانی ناشی از بدین جنبه موجود در میان رهبری و برخی کادرهای حزب تصریح میکند که تکامل انقلاب در چین شبه مستعمره، که موز رفادت چند کشور امپریالیستی است، به حضور میوزین، بلکه نظیر ناموزون صورت بگیرد، لذا این نظریه که مسئول

ابتدا نفوذ سیاسی حزب از طریق عطیات متحرک پارتنری در میان توده ها افزایش داد
 و سپس با جلب شدن توده ها در سراسر کشور ستیک انقلاب سراسری و استنفار قدرت
 سیاسی بزرگ نادرست است. با امکان ایجاد و رشد سازه های سازمانی آن
 (ارتش، واحد های پارتنری و غیره) و ایجاد و گسترش مناطق پایگاهی سرخ در چین
 شبه مستعمره غالبترین شکل سازه های در زیر رهبری پرولتاریا و نتیجه احتساب با -
 بد بردن سازه های در حقیقت در یک کشور شبه مستعمره است؛ بیشک مهمترین عامل در ترویج
 اوچکوری انقلاب در سراسر کشور محسوب میگردد. این نه صرفا عطیات متحرک پارتنری
 بلکه ایجاد مناطق پایگاهی و استنفار بی درین و گسترش روح آسای قدرت سیاسی و نیرو-
 های مسلح آن و انجام انقلاب ارضی است که قادر به جلب توده ها در سراسر کشور و تکامل
 پیروزند انعی انقلاب میباشد.

لیکن چندی نگذشت که مرکزیت حزب بر رهبری لئنی سان که بیشت بدسی نسبت
 به اوضاع و عطیات متحرک پارتنری و برانگیزه کاری روی آورده بود نه سازشایی کجاست
 از تند به تضاد های درون اردوگاه مرتجعین چین بدیگرش حگت میان درودسته های
 حکام فئودالی در سال ۱۳۰۹ که تکوین اوضاع راسع انقلاب بودید میداد، سرمایه سرپا
 چپ روانه و خطرناکی را سعی بر سازمان دادن فوری قیام و تصرف فوری شهرهای عمده
 عرضه داشتند. شی چپ روانه لئنی سان معروفا به - ویس شی اینتونستی "چیپ"
 که اینبار از یک عبحان زندگی و خوشبینی کودگانه راجع به تحولات یادنده ناشی میگشت
 در زیر شعاریکه توده ها طالب عطیات بزرگ اند و به عطیات کوچک تدارک سیاسی و
 سازمانی لازم برای انقلاب، خطت ناموزون و طولانی انقلاب چین و ضرورت ساختن
 پایگاههای روستائی و تکیه بر آسای برای گسترش انقلاب در روستاها و سرانجام فتح شهر
 هارا اگامیکرد. به علاوه هواداران این شی با اگام رشد ناموزون انقلاب جهانی خویش
 خیالاً نه مطرح میداشتند که شعله بردن آتش انقلاب در چین بطور احتساب باید بری به
 شعله بردن آتش انقلاب جهانی مفرگشتند و این بیژنویی خود پیروزی انقلاب چپ
 رامیسر خواهد ساخت. این برنامه چپ روانه در کفرانس حزب در خرداد - تهر ۱۳۰۹ اندلی
 حضور مانوئسه دین و جوتته تصویب شد. وی اجرای سرمایه عمل چپ روانه لئنی سان
 و هواداران وی چهارماه کشید که با توبیخ خسارات فراوان برای حزب، سازمانهای
 ای و ارتش سرخ رمانندی خود را نشان داد و در سنی خط شی و سیاستهای آرسیده
 شدی مانوئسه دین را ناردیگر به اثبات رساند.

لیکن در همین زمان در حالیکه حزب به رهبای خط شی چپ روانه پیشین
 کمانش رافت شده در راه تشخیص ریشه های این لئنیکی آن تلاش بیشتری را لازم می-
 داشت، هندویم تازه ای باز ارسمت "چیپ" آغاز بدید. چپ روان حدید که در راس آنهسا
 شخصی نام وان مین قرار داشت توده ای از روشنگران حامی اند بنوی حشکه مینسوی بود
 که بد تهاد برار چین و سازه های انقلابی کویستهای چین در اتحاد شوروی مانده در آنجا
 تحصیل مارکسیسم و ایرکردن نظریه های آن برداخته و بجای آنکه اکتور به مین سار

از جمله واقعه - جسی که تحت نفوذ و تحت اثرات و تحت تاثیرات رهبری افغانی و جسی
 خلقی بود و های مردم تربیت و پرورش افغانی گردید ، با هزاران دعا و سفوتی که در رهبری
 حزم علی طوطی نشان میتوان سواج گرفت کاروان سیرگی را بر علیه خط مشی مائو و سمت رهبری
 که حزب کمونیست جسی خود را بسوی آن پیشکشانده بر راه انداختند ، آنان خود را پیشوایان
 و آتشه میدانند حال آنکه هیچگاه به پیش و نه پس از عصب رهبری حزب و دست سیر
 آتش افغانان سر نه و شخص وان میں حتی زمانیکه رهبری حزب را عصب کرد من هیچ
 دلیل موعوسی نیویم از جسی شسته و از روی وید وید از افغانان او صاع و فاسی امروز می -
 کرد و مدتها گراشدهای دروغ تحویل جسی المثل کمونیست میداد .

حوادث اوان مشی جیب روانست اوان میں : معروف به سومین مشی اپر توپستی "جیب"
 مشی جیب روانست یعنی نونی سان را بعنوان یک مشی راست و راستکارانه قلم اند کرد و
 مطرح نمود داشته که "سحراف راست در حاکم حاضر همچنان خطر مند و در حزب میباشد ، آنان
 در راستی در جیب شده سرمایه داری در چین رسانده گشتی بود اخته و خود طیفیات سیاسی
 را انگار کرده و سر وی ساززه سر علیه حزب واری و در هنگام برنده تا یکده سال آزاد اره میگردد
 و از اهمیت "عوام انقلاب سوسیالیستی" در انقلاب جیب دم میزند ، در زمینگی تعیین
 وظایف خلقی حزب خط مشی آنان را امنی همان خط مشی سابق یعنی گرافه گشتی راجع
 به "خیز افغانی" و تمرکز دادن نیروهای ارتش سرخ برای جنگ موضعی و فتح شهر های
 ضد و بر افلام اعتصاب عمومی در بعضی مناطق زیر سطحی در شش بود . آنان اهمیت پایگاه
 های روستائی را در نظر نگرفته و تا تکنیکهای ارتش را "مستقیم میگردد" ، بدلازه گروه وان
 میں در مبارزه در روستائی از یک حیاست با اصطلاح "کمیون بهر حمانه" و گروه سازی در
 داخل هر ساقیروی کرده و دستورات و انضباط حزب را "سج گرفته و همه را جیب و راست
 میگردد" ، در همین اوان در رشتبریز ۱۳۱۰ (سپتامبر ۱۹۳۱) ، امیر بالیسیم وان ارتشغال
 شدات جسی تجاوز میکند و بد بیان تعداد های مشی میان جیب و وان شدت میگردد .
 گروه وان میں بد و توجه به وضعیت چین و تشکیل یک خواست عمومی در میان طبقات
 سیاسی جیب برای "موکراس و مقاومت در برابر وان هرگونه تشکیل جنبه واحدی را با
 نیروهای مزبور که حاضر به مقاومت در برابر وان بود رد کردند و مطرح میدانند که وان
 در مبارزه های امپریالیستی مشترکا به شعوری حمله جزمند کرد . همچنین تمام قدرتهای
 امپریالیستی و در اورد سته های ارتشائی و خلقی نیروهای سیاسی در چین سر علیه سیرهای
 نفاس جیب مشترکا جزمند و اینکه خطرناکترین دشمنان انقلاب جیب همبسی
 سیرهای سیاسی اند .

گروه وان میں با حصول حزب ریش جیب روانست خود به حزب و ردیمه ۱۳۰۹
 ژانویه ۱۹۳۱) مبرا کوشیدند تا همه جیب را در مناطق آزاد شده به زیر کنترل خود و دفتر
 سیاسی خود در آورده ، در همه کارها نجد به نظر کرده و سر براه از سیر مائو شده و در نگاهند
 شعاعی احزاب مشی مائو را جزمند و اپر توپستی وان میں این شد که حزب و ارتش سرخ

همه
 صوال

در همین کارزار به امر و سرکوب چپانکاچید در آستانهای ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳. در همین سرنگ
نبرد شکستخاسته ۱۰۰۰ ماضی پایگاهی سرخ و فرجه ۱۰۰۰ سارامبای حرب در زمان
ظرفیرمظفر دشمن همه ارمیان رفتند. در شرف این واقع ارتش سرخ با چارشد گنه
ارضاقی پایگاهی مرکزی و دستکشید و با سرزهای سازماندهی خود نسبت به عمل نسبت
مشافق پایگاهی استان شسی که همیسا با برحالیود راه بیمانی طولانی خود را آغاز کند
در صفرماه ۱۳۱۳. راه بیمانی طولانی ارتش سرخ سمت شمال آغاز گردید. در
استاد راه بیمانی همیسا در اوایل سیاستهای خبر روانه که انکس حادثه فراضی عجیب به
وی نشسته بخود گرفته بود. در رهبری امر و برآمدن هیاتهای خدمات و حشرات برهاری را
سار آید. ارتش سرخ راه خود را در بر آتش دشمن نشوند و چنانچه ارتش سرخ
سار سرانجام در ۲۵ ماه ۱۳۱۳ (ژانویه ۱۹۳۴) به شهرزور ای واقع در استان گزی حیو
رسید و در آنجا توقف کرد. در آنجا رهبری حزب بونیه و با پیشگامی رهبری جواد لای
شدت وسیع نمود و مانده ای سرگراشد. در این نشست خط مشی این نویسنی "چسپا"
طرد و مرجعیت رهبری را توسط رهبری تایید و رهبری جدیدی که مانده در آن در زمان
قرار داشت برگزیده شد. در این زمان به طاعت شرایط رهبری راه بیمانی استانی. در
نشست تاریخی در این مسائل سیاسی و تشکیلاتی و دیگر رهبری پیروان استانی راه بیمانی
ارتش سرخ بسوی شمال حرکت بدگشته، لیکن عملاً رهبری مانده در آن و به طاعت استانی
مارکسیستی - لنینیستی این حرکت و ارتش سرخ گردید. اما در این چنین و حزب کمونیست
چین فرماندهی راستین خود راپاوتند.

ارتش سرخ ایستاد در رهبری مانده رهبری خفته و نام همین به راه بیمانی طولانی
۱۲۵۰۰ کینمتری خود را انداخته. و چنانچه این حرکت به استان خوزار که در استان
های پوشیده است. و در ششماه وسیع اتلافی و درهم شکستن آنها حاصل شد. این
نمود الیا و ارتش چپانکاچید و در هر مبارزه دائم هواپیماهای دشمن سرانجام به پیرو
ماه ۱۳۱۴ پیروز شد. به شمال استان شسی رسید و در سمت شرق پایگاهی آمادگی کرد.
چندی بعد بار واقع در استان شسی به مرکز رهبری حزب و ستاد فرماندهی استانی
چین شد بل...

راه بیمانی طولانی ارتش سرخ فرماندهی مانده در این رویداد سرگرم بود که
در تاریخ بشر در مانده است. رویدادی که گفته می شود به سراسر چین اعلام کرد که
ارتش سرخ این فرماندهی است و امیرالیهت با و توکوان آسبا چوانکاچید و نظایرین به
هیچ دردی معجزه شد. رویدادی که به دوستانه بینبیل به مردم چارزد و استار خسر
داد که راه ارتش سرخ یک راه آزادی است. رویدادی که در آن ارتش سرخ در استان
استان چین که بر پاگذاشت پذیر انقلاب افشا شد. راه بیمانی طولانی ارتش سرخ بر اثر
شکست ارتش سرخ در جنوب و ضرورت بد عدد ششپ آغاز شد لیکن بصورت یک پیرو سرگ
بیاچان رسید و آن رهبری وسیعی را نوبت داد. به علاوه راه بیمانی طولانی ارتش سرخ
سرخ به حدی که سرانجام را در آن میگرد و آن کشور در مرحله تازه آن در حرکت جدی

در پیچ و خم انقلاب چین، یعنی آغاز جنگ با تجاویزین زاپنی در شمال بود.

سالهای جنگ مقاومت ضد زاپنی

بر اثر عمده شدن تضاد میان تجاویزکاران زاپنی و ملت چین تحولات جدیدی در آرایش طبقاتی جامعه‌ی چین بوجود آمد. توده‌های وسیع مردم چین و نیز جزواری ملی چین خواستار مقاومت در برابر تجاویزکاران زاپنی بودند و مسئله تشکیل یک جبهه متحد ملی خود بخود درد ستورگاریاید قرار میگرفت. در این زمان، در بهار ۱۳۱۴، مائوتسه دوین گزارش مهمی در سررسمی وضعیت نوین و ضرورت تشکیل جبهه‌ی متحد ملی به دفتر سیاسی حزب ارائه داد که زیر نام "درباری تاکتیکیهای سازده علیه امپریالیسم زاپنی" بچاپ رسیده است. مائو در این گزارش سیاست کوتاه نظرانه‌ی "درهای بسته" را که مخالف تشکیل جبهه‌ی واحد با جزواری ملی بود انتقاد کرده و ضمنا با اشاره به درسهای تاریخی شکست انقلاب ۱۳۰۶ (۱۹۲۷) که اپورتونیسم راست چین توسط باغی استقلال و ابتکار عمل حزب در جبهه‌ی واحد سبب آن بود، حزب را از ظهور خطر شاهاهی در کوشش جدیدش برای تشکیل جبهه‌ی واحد ضد امپریالیستی سرحدرداشت. نکته‌ی مهم در این گزارش همانا بررسی کردار و رفتار و جایگاه جزواری ملی در انقلاب چین است.

در این زمان هنوز طرح حزب کمونیست چین برای تشکیل جبهه متحد ملی فشردهائی از طبقات ارتجاعی فئودال و جزواری بزرگ کمپرادورو در رأس آن‌هاند چنانکه چنگ رادرسنگرفت، زیرا چنانکه چنگ و دارود سندی او شمال شرقی چین را به زاپنیها فروخته که هیچ برسر فروش شمال چین نبود داشتند چانه میزدند و پیش از هر چیز خواستار جنگ با توده‌های انقلابی چین و نابودی حزب کمونیست بودند. از اینرو امشای خیانت‌اپن دارودسته ضرورت میداشت. البته مائو در همان موقع محتدل میسرمد که با نشاندید تضاد هلی میان امپریالیسم زاپنی و امپریالیستهای آمریکائی و انگلیسی میان نوکران و دارودسته‌ها جیره حوار آنها نیز شکاف افت و بخشی مقاومت در برابر زاپنی قابل نشان خواهند داد. و قایع بعدی که به پیمان همکاری و مصالحه میان حزب کمونیست چین و کومینتانگ برای مقاومت در برابر زاپنی و کماره هوئی از جمله داخلی احیاسد صحت این ارزیابی را نشان داد. البته چنانکه چنگ خاشن تاخندتها حاضر به دست کشیدن از جنگ داخلی و مصالحه با حزب کمونیست نبود و تنها در آذر ۱۳۱۵، پس از آنکه تده‌های از افسران کومینتانگ که خواهان اتحاد با حزب کمونیست و مقاومت در برابر زاپنی بودند وی را دستگیر و زندانی کردند، بود که حاضر به جیس کاری شد.

در طی سالهای ۱۷-۱۳۱۵، مائو مهمترین آثار نظامی خود "مسائل استراتژی در جنگ انقلابی چین"، "مسائل استراتژی در جنگ پارتیزانی ضد زاپنی" و "در باره جنگ طولانی" را که اکنون دیگر جز "کلاسیکهای نظامی مارکسیسم-لنینیسم حساب میآیند، نوشت. آموزنده‌های نظامی مائو در این کتابها، که توانین حاکم در جنگ و مسائل مربوط به استراتژی و تاکتیک جنگ انقلابی را در شرایط چین گفت و تشریح میکند، نمونه‌ی برجسته‌ای

از کار بود مائو تالیسم د بالکتیک در بررسی مسئله جنگ و شناخت قواست حاکم بر جنگ انقلابی است. این آموزشها چنانکه اکنون در جنگهای انقلابی سراسر جهان دیده می - شود ارزش تئوریکیشان بسیار زیاد است. انقلاب چین منذ و بد شده راهنمای مهمی در بررسی تکامل و هدایت جنگ انقلابی در بسیاری از کشورها میباشند. آثار نظامی مائو آن پستوانه تئوریک در تدوین ضعی نظامی حزب کمونیست چین بود که هم پیروزی در جنگ مائو است ضد ژاپنی و هم پیروزی ضدی رادرجنگ رهائی بخش سرطبه قوای سرخچین را خلقی و جیا - کایچک میسر ساخت.

جنگ مقاومت ضد ژاپنی برهبری حزب کمونیست یک امر صرفا نظامی نبود. جنگ مقاومت ضد ژاپنی قبل از هر چیز یک جنگ انقلابی بوده های مردم بود که هدف معینی را تعقیب میکرد و آن به سرانجام رساندن انقلاب ضد امپریالیستی و ضد فئودالی چین تحت رهبری پرولتاریا و ساختمان چین نو بود. از اینرو، هم سنگری و دربرنمای جنگ و هم شیوهی اداره و هدایت جنگی که حزب کمونیست و مائو رهبری میکردند با جنگهای معسولان سوسیالیستی که گاه برای دفاع از همین سواد میاند آمد تفاوت اساسی داشت. در مناطق آفرین ضد و حزب کمونیست چین حکومت د یوکرانیک جبههی نیرو های خلقی وجود داشت که اساسا امر اتحاد راجع کسان شهرز و ستا - کارگران و دهقانان - تشکیل میدادند. توده های مردم چین در این مناطق برای نخستین بار آزاد بهای د یوکرانیک و سوسی بر جود آورنده و خود را در اداره حکومت و امر سیاسی و اقتصادی و اجتماعی جاری شرکت میدیدند.

سیاست اصلاحات ارضی اساسی حزب، که صادر می اموال فئودالها و مائو بودی فئودالیسم را در نظر میداشت. در این مرحله معاصر شرایط جنگ ضد ژاپنی و معاصر جنب سوزهای سیاسی در روستا بصورتی جنگ مقاومت و شکاف انداختن در صعوبت قشرهای زمیندار - لی موافقا تغییر کرد و به سیاست تحمید بهره مانگانه دگرگون شد. در عین حال فعالیتها تولیدی و اقتصادی و اشتغال فرهمی و همی و غیره گسترش یافتند و همه سمت خدمت بجنگ مقاومت ضد ژاپنی را تعقیب کردند. مائو سه دین بنای فرماندهی حزب و انقلاب چین در عین هدایت جنگ مقاومت، بر رهبری مستقیم جنبشهای توده ای در مناطق آزاد شده. پیشبرد فعالیتهای تولیدی و اقتصادی و تمسک سیاستهای مربوط با آنها در این برنامهی ارضی حزب در شرایط جنگ مقاومت ژاپنی، بسیج و هدایت کارگران امیر فرهمی و همی در خدمت مردم و پیشرفت جنگ، آموزش سیاسی و ایدئولوژیک کاررها و اعضاسای حزب و ارتش و همجین راهنمای دادن راجع به جنگی پیشبرد فعالیتهای حزب در مناطق زیر سلطه متجاوزین و در مناطق تحت سلطه کومنتانگ و فضیات دینسانیت و غیره پرداخته همی ایگارهها حضرتیت محبوسه واحد و مربوط بهمی در هم میآمیختند. پس سال مائو محبوسه ای از کارها را اجرا یا انداخته رهبری میکرد که از یکسو در خدمت مست پیش دادن پیروزمندانهی جنگ انقلابی مردم چین سرطبه متجاوزین ژاپنی بود و از سوی دیگر حزب و مردم چین برای سرانجام رساندن انقلاب سیاسی و اجتماعی چین و ساختمان چین نو آماده میساخت. نوشته های مائو در این دوره تمامی زمینه های یاد شده را در

مائو برای مسلح کردن کارهای حزب به نظم مارکسیسم و شیوه سرری و پیرویش
 مارکسیستی که حدود دیکتاتور آنها در گذشته ضربات تاریخی را محروم و مازوی آن رد و
 کوشش زیاد داشتند، تاکنون شیوه رهبریتگرهای امپریستی و دگماتیستی در حزب پیروز
 در هسری آن مواقع همی را در برار نگه داشتند. فائس انقلاب چین و مسائل مربوط به استراتژی
 و تاکتیک، مبارزه انقلاب در چین فراهم کرده بود، و پیروز دگماتیسمها را چون مانند وان
 من و ژو در او را بر او بسیار بدیدند خود که غای از هرگونه پایه حسی و نفس راجع شیوه
 به مسائل مشخص انقلاب چین بود ریاضیاتی فراوانی برای حزب و کشور و پیروزند استی
 انقلاب چین مبارزه بود، و در این رهبری از شرایط آمادگی حزب سرری و رهبری
 جنگ مفارقت بود و ایسی و مبارزات آنها را اما مبارزه برای ریشه کن کردن پایه های
 سرری گرایشی و مبنی های امپریستی سابق پیروز طرز طرز سرری می یابد گماتیستی
 بود. به همین منظور مائو راهبهای پیروز مردان ۱۳۱۶ در گنگانگ، بگر "سام" در باره عمل و
 دیگری "سام" در باره تضاد و راهبها و نظامی و سیاسی حد زایی جان آزاد کرد، و در
 گنگانگ، فضا شد و در این باره گماتیستی که پایه رستگ ساختن هر دو اصل اجتماعی، و
 آنها هم سه روح عمل مبارزه طبقاتی، مبارزه تولیدی، و آزموهای غیر فرایرد هد و انتقاد
 و مات امپریستی و دگماتیستی، امپریسم و آواتریسم که همه در هر رانسی و نشوری را
 اصل طبقاتی حد اکثر و سرری می یکنند و مطلق گرانه به پدیده ها دارند، سرری
 تشریح شده اند، در این زمان دگماتیسمها که تنها به تخریب شیخ شکست انقلاب ۱۳۰
 رکود تالی جیاکاوچک می کشند، با سیاست تشکیل جدیدی واحد حد زایی روی مخالف
 شان می دارند، حال آنکه امپریستها که تنها سرری و انتقاد آمر حاصه از تشکیل
 همین واحد بر علیه زایی می کشند، به حق استقلال و ابتکار عمل سرری میبرد اختند، در
 کتارد و در باره تضاد سرری است مارکسیستی از پدیده ها و طرز سرری و تحلیل
 زایی از آنها، روشی که حزب، پروتاریا می تواند باید توانی خاکم بر تمام فرآیند های
 طبیعی و اجتماعی را کند و نگارند، در مبارزه بر علیه طرز سرریهای امپریستی و
 دگماتیستی، پیروز دگماتیسم، سادگی توضیح و خلاصه بسط و تکامل داده شده اند،
 با تشکیل حسب واحد حد زایی مارکسیستیک گرایش امپریستی راست موجود
 در حزب مقداری رسید و به نظر رشد پیدا کرد، هیداران گرایش بر سر خواهان در
 آمیختن ارتش سرخ با ارتش جیاکاوچک و سرری رهبری غیر مائو و یگانگی آزاد شده
 است گماتیستیک بود و در خلاصه من گمان و رهبری کند که حزب گماتیست را در جنگ
 مقداره و استقلال و ابتکار عمل آزاد را چارچوب هنگامی مارکسیستایی می کرد، و حالت
 این که امپریستیهای "چپ" سابق ارتش و وان من و هند سائو در حال گوناگون از این شی
 نسیم طلبانه و امپریستی حمایت می کردند و همسایه امپریستی مغربه سرری و از همین
 شی جاننداری می کردند، اینگونه دون شی گفتاری "سام" ایجاد و نظایر جنگ مقاومت ضد
 زایی بر از طریق شاخه های و شان جوان "شهران مربوط به سیاست حسب واحد حسب ز

کمونیست‌ها هم را شرح و عبرت‌آمیز تسلیم ضدانقلابی این نویسنده‌های راست را مردود داشت. مائو تأکید کرد که "در جنگ انقلابی من ضد زاپس تسلیم طلبی ضدانقلابی در واقع پیروی از خیریت‌طلبی من است و ریاست‌ترین گرایش است که نه از دیدگاه جناح راست کمونیست برسد و جنگ را به شکست می‌کشاند." باز مائو در گزارش و سخنرانی خود در شهریور ۱۳۱۷، ۱۰۰۰۰ نفر عضو حزب کمونیست چین را در جنگ من و رهبری مستغفانه جنگ مقاومت ضد زاپس را توسط حزب کمونیست شرح و ترفیض تسلیم طلبانه را از قبل اینکه حزب باید همه کارها را از طریق جدوجهد واحد انجام دهد و فرمان من کمیونیکه را بپذیرد، هشدار داد که "ما امروزه مطلقاً" "عضو حزب کمونیست چین در جنگ من" "مستغفانه استقلال و استقلال من در درون جنبه واحد" و همچنین "مسائل جنگ و استراتژی" در این قسمت مائو اکثریت قاطع سورا را به‌عنوان آری از سیاست مارکسیستی - لنینیستی خود در زمینه جنبه‌های واحد برآورد و به‌پیمان اشتباهات راست زاپس‌های که تا حدی در ابتدای تشکیل جبهه واحد با کمونیست‌ها رخ داده بود تصحیح کند. مائو در پایان سخن خود در این نشست بسیار با بزرگی سیاسی حزب کمونیست چین را با توجه به روش‌های چین متمدن کرده و تقویت و ترمیم استراتژی یک رهبر خدای حزب را در مراعات گوناگون تکامل مارکسیستی - لنینیستی و جنبه‌های توضیح داد ("مسائل جنگ و استراتژی"). این سخن در نشست ۱۳۱۷ و بعد از آن به‌شدت در رهبری حزب و به‌عنوان اشتباهات این نویسنده در عمل‌های این زاپس کرد.

درست بخاطر پیروزی حزب کمونیست چین در ابتدای مائو در زمینه کار در چهارمین جلسه واحد ضد زاپس و رهبری جنگ مقاومت بود که سرانجام موفق گردید کار را بر روی ضد کمونیستی کمیونیکه را، که وقت‌های وقت‌های ماضی پایتگاهی آزاد شده پیش می‌برد، در هم شکست. ماضی پایتگاهی آزاد شده در زیر رهبری حزب را از تمام کمونیست‌ها جدا کرد و رهبری و ابتکار در حزب را در دست جنگ ضد زاپس تا پایان حفظ کند. در واقع کمیونیکه سرکردگی بی‌سکالچیت در طول جنگ مقاومت، جز مدتها کوتاهی پس از اصرار شد همان‌ها تا تجاوزکاران زاپس وارد جنگ شود و از این سیاست منجر به ترمیم از رود در روش با سیاه‌پوش زاپس پیروی کرد. چنانکه چنگ بیشتر در اندیشه‌های آن بود که سرودهای خود را برای یک کارزار بهائی با حزب کمونیست چین و مردم چین - خرد کرده. مائو به سستی ساختن این تئوری بی‌سیاسی و سازمانی حزب اهمیت بسیار نداد. در این میان، تسبیح این تئوری و تئوریک کارهای حزب و ارتقاء ساختن آن از تاریخ تحریکات و مسائل انقلاب چین حاضر اهمیت - رجعی اول بود چنانکه مائو در آبان ۱۳۱۷، در بررسی بخش مهمی که حزب باید در رهبری جنگ و مقاومت ضد زاپس ایفا کند و در اشاره به خط‌های این نویسنده راست و "جبهه" متذکر شده بود "پیروی عظیم مارکسیسم - لنینیسم درست در تقابل آن با عمل مشخص انقلابی تمام کند - همان‌ها است، ولذا این ضرورتی حیاتی برای حزب و کمونیست‌های چین است که"

نکار بستن شعری مارکسیسم - لنینیسم را در شرایط شخصی چینی سببیزد و از جزم اند -
یشی، الگوبرداری غیر نقدانه از روی تجربیات خارجی و همچنین از اشتباهات امپریستی
سپهریزد. در همین جا مائو تذکر میشود که "یک حزب سیاسی که جنبش انقلابی
عظیمی را رهبری میکند، بدون تسلط بر شعری انقلابی و بدون علم به تاریخ و درکی عمیق
از جنبش عظمی معال است که بتواند به پیروزی دست یابد."

بهمین منظور در سال ۱۳۱۸ یک مجلهی درون حزبی بنام "کونیست" انتشار
یافت، که مائو در مقدمهی آن مسئلهی ساختمان حزب کونیست چین با توجه به تجربیات
و تاریخ مبارزه حزب پرداخته ارتباط آنرا با دویوژکی عدهی انقلاب چین، یعنی مبارزه
مسلحانه و مناسبات پیچیدهی پرولتاریا با بورژوازی ملی چین، باز میگرداند. در این
مجله مائو نیز ویژگیهای انقلاب چین را در گذر از سه مرحلهی تعویلی خود، یعنی
مرحلهی انقلاب بزرگ سالهای ۱۳۰۶-۱۳۰۳ (۱۹۲۷-۱۹۲۴)، مرحلهی انقلاب
ارضی و جنگ داخلی سالهای ۱۳۱۶-۱۳۰۶ (۱۹۲۷-۲۷) و مرحلهی جنگ مفاووست
شد زایشی، بررسی و جمع بندی میکند و در پرتو آن چگونگی تکامل و ساختمان حزب کوم-
نیست را در هر یک از این مراحل توضیح میدهد، و آنگاه نشان میدهد که رشد و تکامل
حزب کونیست در شرایط شخصی انقلاب چین بطور عده با حل درست یا نادرست مسئله
مبارزه مسلحانه و مسئلهی مناسبات پیچیدهی پرولتاریا با بورژوازی ملی (تشکیل یا
عدم تشکیل جبههی واحد بر حسب شرایط مختلف) ارتباط نزدیک دارد. بعلاوه، در
همین زمان تهیه کتاب درس "انقلاب چین و حزب کونیست چین" که توسط مائوود پیر
نویشته شده و در آن بررسی جامع و در عین حال مختصر و جمع بندی واری از تاریخ،
خصیصت و تحلیل طبقاتی جامعهی چین، وظایف، نیروهای محرکه، خصیصت و دورنمای
انقلاب چین و وظایف حزب پرولتاریا در این میان صورت گرفته است. نقش تریستی بسیار
بزرگی در حزب کونیست چین و خلق چین ایفا کرده است. "تزهایی مائو تده دون در -
بارهی انقلاب دموکراتیک، رشد امپریالیستی چین و شعری دموکراسی نو که در این کتاب
طرح شده است در ۱۳۱۸ بطور جامعی در کتاب معروف او "دربارهی دموکراسی
نویین" خلاصه شده و سطر داده میشود. در این اثر مائو روشن میکند که به چه
دلیل انقلاب چین که دارای خصیصی سبیزد و دموکراتیک است با انقلابات سبیزد و دموکراتیک
که در کشورهای اروپائی مری نداشته نمیتواند و شاید بر عواملی خاصه نهم -
فئودالی و نیمه استعماراتی چینی دولت دیکتاتور سبیزد را سرری کار آورد. مائو
در این اثر هم نظریه تروئسکیستی و جنبش روایی انقلاب تک مرحله ای را در شرایط
خاصه نیمه فئودالی و نیمه استعماراتی چینی مردود شایسته و هم این نظریه را که
انقلاب چین باید استاده سبیزد و دموکراسی نوع اروپائی برسد و سپس برای تکمیل شرا-
یط انقلاب سوسیالیستی منتظر بشیند بعنوان امپریالیسم راست میگرداند. بر طبق نظریه
مائو انقلاب چین با آنکه از لحاظ اجتماعی دارای خصیصی سبیزد و دموکراتیک است از
پس از بروز جنگ جهانی اول و پیروزی انقلاب اکثر، یعنی در شرایطی که عصر انقلابات

پرونتری در مقیاس جهانی گشوده شد، دیگر جزء مفروضی انقلابات بود و در موکراتیستک
 طراز کپس نبود، بلکه به جزئی از انقلاب جهانی پرونتاریائی و به متحد آن تبدیل شده
 است. از این رو هدف این انقلاب نه بود و در موکراسی بلکه دولت و موکراتیک از نسوع
 چند است که در آن پرونتاریا با تکیه بر اتحاد خود با توده های دهقان رفق سرگرد -
 گن را ایفا میکند. این دولت، دولت طبقات ضد امپریالیست و ضد فئودال سرگرد گسی
 پرونتاریا است که اتحاد کارگران و دهقانان اساس آنرا تشکیل می دهد و با اعمال ارسپاست
 اقتصاد و فرهنگی منطبق با صنایع طبقات حاکمه خود و در درجهی اول با صنایع کارگران و
 توده های دهقان و از سستی که طبقاتی کارگروشان می دهند پیروی میکند. این دولت
 سوسیالیستی نیست، ولی نظریاتی که سرگرد گسی در دست پرونتاریا و حزب آن بوده و پسر
 اتحاد زحمتکشان شهر و روستا تکیه دارند شرایط گذار به انقلاب سوسیالیستی را در نظر
 خود بریزانده و آماده مبارزه.

اثر گمراهی در موکراسی نوین" مانع از لحاظ نظر تاریخی خود در انقلاب چین
 با اثر معروف لین سام" دو تاکتیک سوسیال در موکراسی در انقلاب و موکراتیک" دارای
 ارزشی برابر است و در واقع اخطای خلاق تزه های لین راجع به دیکتاتوری در موکراتیستک
 کارگران و دهقانان در روسیه بر شرایط شخص حاکمیتی چین است. ارزش این اثر نیز
 مانند اثر یاد شده لین تنها به یک کشور معین (در اینجا چین) محدود نشده
 است اساسی آن برای انقلاب در همه کشورهای مستعمراتی و نیمه مستعمراتی صدی
 میکند و تاکنون صحت آنها در انقلابات متعددی اثبات رسیده است.

در اوایل سالهای ۱۳۲۰، که جنگ مغار متوقف و اینی وارد مرحلهی تعادل
 استراتژیک خود شد، زمینه مساعدی برای راه انداختن یک جنبش اصلاح مت کار
 جهت ارتقاء سطح این توده های حزب، تقویت سیاسی آموزش مارکسیسم - لنینیسم و روشنگر
 برد آن در عمل فراهم گردید. بر راه انداختن چنین جنبش آموزشی نه تنها برای توده
 حساب ما سرشهای دکماتستی و امپریستی، پیوسته با طرز تفکر دکماتستی درون حزب
 که تاکنون زبانهای زیادی ساز آورده بود، ضرورت داشت بلکه شرایط این توده های کار را
 برای جمع بندی از اشتباهات گذشته در شی سیاسی حزب برای احداث ارتکوار آنها
 در آید. برای درک و فهم ظن بروز این اشتباهات توسط اعضا و کادرهای حزب و
 در سطح برای ارتقاء و تحکیم وحدت حزب، تجدید میابرد. در این زمان، مانع گفتارها -
 شی بر سر زبان "آمیزش خود را اربوسازیم" (از سپتامبر ۱۳۲۰) است کار حریف را
 اصلاح کنیم" (۱۲ سپتامبر ۱۳۲۰) و "سازره عقبه سنگ الگوساری در حزب" (۱۹ سپتامبر
 ۱۳۲۰) در نشستهایی از کادرهای حریف عرضه میکند، که در آنها ظن بروز شی های
 انحرافی را در حزب از لحاظ این توده های ساز شکافته به بررسی و افشای سنگ کاره های
 حریف حریفی، دهیگری، سکتاریسم، روشهای فاسد و الگوساری در سارر می دروسی
 حریف، در شیوهی شیخ، نگارش زبان و غیره، که همه در زیر نقاب مارکسیسم - لنینیسم در
 درون حزب اشاعه یافته و همه به جدائی تئوری از عمل، جدائی حزب از توده ها، جدائی

جس خد مئز، مئز از د، در همی نبره، اره بهشت و حره ادا، ۱۳۴۱، اما نسو
به مشقت هر واد نیات و چگونگی قرار دادن آنها در خدمت سازینه انقلابی سیز
بره احنه بدین ماستند در محرمی در برابر کارگزاران هسری و ادسی نیل امراد میگردند.
در "سخنرانی در محفل ادیبی و هسری نیان" (۰) همسخن اصلاح سگد کارگروه به ابتکار و
سازیر رهسری مائز همراه افتاد به رخدانه ای نئی یکن حزب کمونیست جس کمد، سزنی گزند
و ضمما، راه را برای بررسی تاریخ سازیه میان در همی و جمعهسری حزب از آن
هسزل ساخت.

بررسی تاریخ حزب و جمعهسری از سازیه میان دو مشی در حزب کمونیست
جس در جریان همسخن اصلاح سگد کار و سزیه از رستال ۱۳۴۲ آغاز شد. این بررسی
نقدی بصیرت خد، های وسیعی میان کارکنان رهزاد ای حزب و در میان رهسری حزب حره
نیان نیانیت به رخدانه نیسانیه ای در حزب، منجر شد و در سادته اولت مهسی برای گنگره و همسخن
حزب کمونیست بود. این بررسی و جمعهسری نیان، آن (رهسری و همسخن همسخن همسخن
رهسری حزب، سازیه و همسخن گنگره، پیرامون برهن، مسائل تاریخ حزب ما،) نشان داد که
سازیه در همی در دیروز حزب کمونیست جس در نیانیت سازیه میان مشی مارکسیستین
و همسخن مائز که دون و انواع مشی های اجزونیستین، و ما جبراحویان بود و استند.

هومتین گنگره، حزب کمونیست، جس (اراد، بهشت ۱۳۴۴) به رخدانه کامل مشی
مائز در حزب و در خدمت آسز رخدانه استوار کارهای حزب و حزب بخیر کنی، و گنگره رهسری
سزیه، خود و گنگره دون ایسانیت. این گنگره در آسزای پیروزی خلق جس رهسری
سزیه کمونیست جس بر منقادارین زایشی و پیروزی جهسخت ضد وائیمشی همسخن رهسری
انجاد، حمایهسری شوروی استانیسی بر وائیمس برنگرار گزند. حزب در این گنگره از همسخن
رمان و بگر برای انجام وظایف تاریخسری خود سزیه از پیروزی، یعنی برای سرانجام رسا -
نیدن انقلاب و سزیه مرده جس و استقراردولتی مستقل و سزیه کرانیت و خلق، آمانتین
بود. حزب کمونیست جس در زیر رهسری مائز که نسبا از استسکام آخ کولیزکی و سازیه
نیان سزیه رخدانه نیسانیه در صفی خود و سزیه مشی بی صحیح، منظم و مائز نیان
حامد و انقلاب جس و ما افتاد و سرخوردار بود بلکه پستیانی و اعتبار نظمی در میان
بوده های مردم جس بدست آورد بود.

سازیه های سزیه جنگ انقلابی داخلی

در زمانیکه جنگ سزیه زایش، نیان رسیده، ماضی و آیه هر آرانه شد و نیان
همسخن سزیه مرده مشیون برادر بر سزیه، نشدند از سزیه ارش خدان بر فرمات همسخن
حزب کمونیست جس، که در نیان راه نیسانیه سزیه سزیه سزیه سزیه سزیه سزیه سزیه
بد مشیون و در بیست هزار نفر رسیده بود و علاوه بر این سزیه سزیه سزیه سزیه
وجود بود. انضادی حزب سزیه سزیه سزیه سزیه سزیه سزیه سزیه سزیه سزیه سزیه سزیه سزیه

خلق جبر ساخته می شود و در حاکمیت بیرونی در جنگ مقاومت فدایی را
مرتجعین داخلی برکردگی چنانکه بچند، که در طول جنگ هیچ کارهایی انجام ندادند
بودند و از بدو و دیگران بی نظام نمودار - فاشیستی خود را بر سر امر چین گسترانده
چین را در همان مفروضه زمانه گوی و اسارت کین بازگشاید باشند و یا آنکه شعرات را خنثی
چین خود بر می داشتند و در بر هر زمانه این پیکار رهبران چین خود از حزب کمونیست چین،
سرانرسس خود را آزاد میکرد و برای با احتشام چین میسر است.

این چنین بود و زمانی که سرانرسساری از عقبانی که در فاشیسم و سرای
آزادی می بین خود حکایت کردند و به هنگام پایان یافتن جنگ جهانی دوم و پیروزی سر
فاشیسم بی عقلی وجود می داشتند، لیکن در آن هنگام به گرایش اپوزیسیون و حساس
رنگارنگ در بسیاری از احزاب کمونیست در جهان پانزدهم بود - بیرون این گرایش همه
دلیل اینکه گویای ارباب و فاشیسم همه چیز دیگر سطح و معادله خواهد رفت سا
پیروزی و طغیان ارتحاضی کشورهای خود را - سازش و پیش گرفته میخواستند تسریع
پیروزیهای طغیان کارگر و توده های کشور خود را اندام ارتحاض کنند - امیرالیم امریکا
که به کمک سایر امیران و بهار رخی جنگ شرقی میسند بدو و حتی فوژراند بود، که برای
سرگرمی و فوژراندی در کراس - شیح و سرسیاسیم در سرانرسس جهان بر او انداخته و
ویژه اتحاد شوروی را مدخلی نظامی حد بدو میسند بدو - پس اندام شوروی ترهه
استانین در آن زمان - که در فوژراند و سیاست و پیششاسی ضلقت تا هر چه باقی رسیده
سردهای شیح و دیکراس در سرانرسس جهان ویژه با سرخواری ارجمند - عشقهای سرخاسه
و نهضت های رهائی بخش در کشور های روسیه که جلوی پیشروی و دعای مایشان امریکا
نید بهار گرفته بود - موقع شد امیرالیمهای امریکایی و متحد پیشان را در محاسسه
هائی داد او کند - این ضلقت ها سرسرای حرمان های اپوزیسیون از سازشکارانه ای
شد که تمایل خود را برای سازش با مرتجعین - که هر کشور های خوش نوحه کند - سرسرم
آمان یا فشاری در داد اندام انقلاب و مبارزه برای یکرسی شاندر مژانسا - حد و عشقهای
خود خارج از خطرات اخته و جنگ جهانی نوینی را باعث خواستند که با آثار سرعرب
نهد بدات امیرالیم امریکایی گرایش و معضای امتشان شد و در حاکمیت سرانرسس
پیروزی بهضت های رهائی بخش در مستعمرات و سید مستعمرات آمدی نه اندام - سرانرس
شده ی این گرایش اپوزیسیون در جبر کمونیستی و احزاب کارگر در هر از کشورها ضلقت
کارگر برود و این کشورها با شکستها و عقبگرد های شرقی و سرورده - شد در کشور مسا
امیران - حیرت نده که توسط داریو سته سازانکار و فرصت طلبان حد آمد شده و در سرسرماد و
و گفتار و کردارشان ارجحان گرایش پیرو میگرد - همین راه را در پیش گرفته حای همه است
سازشی در دیکراس در فوژراند امیرالیم سرسرماد و سید انقلاب ارکابیه و ارتحاضی سرسرماد
استقامت سرورند .

در اوان دوره روز حزب کمونیست چین سرعده های شدایی همافک سا
این گرایش اپوزیسیون بی ادمن ساز شده و خواستار سازش با دیکراس و فوژراند

اغلاب در امر ارتش بدات امپریالیستهای امریکائی و عمالشان بود. اشخاصی چون لیبو شائوچی در حزب کمونیست چین چنین نغمه سرمد اند که گویا "چین وارد مرحله نوبه صلح و دموکراسی شده" و باید حزب کمونیست و جیاسکایچک* با همکاری یکدیگر کشور را بسازند" و اینکه حزب باید در عوض دست آوردن مشاغل و وظائف در داخل حکومت ارتشچائی و خائن کومینتانگ از هر چه خلق چین تا آلمان در مناطق آزاد شده به دست آورد به سود گذرد و آنها را تحویل جیاسکایچک و دژ بود ستیانی بدهد.

ولی حزب کمونیست فرماندهی شایسته، ثابت قدم و نترسی چون مائوتسه دور داشت و هیچ نیروئی نمیتوانست حزب مائوتسه درین راه چنین انحراف خطرناکی دچار کند. مائودرهمان آستانه تسلیم زاین متذکر شد که "حقیقی راکه خلق چینک آورد هرگز نباید مفت و مجانی از دست داد، بلکه باید با سر از آنها دفاع کرد" و "چین نباید وحده به جیاسکایچک تعلق بدارد، چین از آن خلق چین است...". "سلاحهای خلقی هرگز نه تفنگ و هر دانه فشنگ باید حفظ گردد، نباید آنها را تسلیم کرد".

مائودرهمان زمان در مناسجهایی سبز فاجعه بانه بر علیه آن گرایش امپریالیستی و سازشکارانه برخاسته و در اشاره به مصالحه های میان شیروی سوسیالیستی و امپریالیستهای امریکائی و متحدانشان، که دستاویزی برای فرصت طلبان گوناگون برای توجیه سازشکارانه و فتنه های ارتشچائی کشورهاشان شده بود، متذکر شد که: "چنین مصالحه های مرد کشیهای جهان سرمایه داری را طرد نمیکردند که از آن تبعیت کرده و در میهن خود با مصالحه هائی صادرات و فروشند. مردم این کشورها طبق شرایط گوناگون خودشان بدست زدن بهارزات گوناگون ادامه خواهند داد". مائودرهمان حال به انشای امپریالیستی امریکائو اعراب اتنی آن پرداخته خاطر نشان کرد که مترجمین امریکائی، مسبب اتنی شان و همه مترجمین جهان بسرکامندی اند و باید از آنها ترسید، بلکه مردم سراسر جهان "باید متحذ شده بر علیه مترجمهای مترجمین امریکائو و کراشان در این کشورها" و یکی کشی هائی که هدف بغه های توسعه طلبانه امریکائو قرار گرفته بودند، "باززه کنند". در چین، جیاسکایچک که از سوی امپریالیستهای امریکائی حمایت میشد از یکسو سروهای خود را برای بیوش همه جانبه مناطق آزاد شده، تجهیز و آماده میکرد و از سوی دیگر مردم از صلح و صفا میزد و میکوشید تا خلق چین را او بدهد و های دروین خود را حیه به صلح و احترام ارتشک داخلی فریب داد و حزب کمونیست را وادار به تسلیم کنند ولی هر بار تو امری هائی ارجاع به صلح با رسوائی روسی و گشت و سرانجام تاب میآورد، جنگ همه حاسه ای را بر علیه حزب کمونیست چین و مناطق آزاد شده آغاز نمود. حسیزه کمونیست چین سرهبری مائو که پیش و فوع جیسی جیسی را پیش می کرد و بود با تمام سیرا به مغایره شناخت. مائو مائو بعنوان رهبر حزب و ارتش رهائی بخش خلق چین فرمان تا ریخی و سبائی اغلاب مردم چین را صادر کرد: "جیاسکایچک را سرنگون کنید، جیسی را آزاد گردانید!"

در این زمان، مائو شبانه سرد ارتشک خلق چین مجموعه عملیات نظامی ارتش

رهائی بخش خلق چین را طی نقشه نظامی پیش‌بینی شده ای مستقیماً هدایت میکرد . در این دوره سیاست ارضی حزب سوسی بر تقویت سهری مانگانه نیز تکیه کرد . نامبودی کامل نفوذ البسم و اصلاحات ارضی در سراسر روستاهای آزاد شده ای چین در دستور گسار قرار گرفت . مانوشی عمومی و سیاست های منطبق با مرحله ای بین رانموا انقلا ب بود . گرانیک توده های مردم برهبری پرولتاریا برای نابودی امپریالیسم ، نفوذ البسم و سرمایه داری عروکراتیک طرح کرد و اجرای آنرا در دستور کارگردارد . چنانکه مانو گفت " مظهر جامع گنیهی این دشمنان عبارت" بود " از رژیم ارتجاع کومینتانگ چیانگاناچنگ" پس سلسله ای مرکزی انقلاب سرانجام این رژیم بود . طی کمتر از سه سال ، در اورد ستهی چیانگاناچنگ و حکومت پوشالی بشان در همنی جنبه هاباشگمت مواجه شدند ، ارتش هشت میلیونی چیانگاناچنگ که با تجهیزات و سلاحهای مدرن امریکائی مجهز بود متلاشی و نابود شد و سراسر سرزمین پهناور چین ، باستانهای جزیره ای تاوان و چند جزیره کوچک دیگر ، آزاد گشت .

• نهم مهرماه سال ۱۳۲۸ جمهوری خلق چین باه عرصه هشتی گذارد .
 • خلق چین جایستاد " (مانو)

سالهای گذار به سوسیالیسم

پیروزی انقلاب کسرجین و تأسیس جمهوری خلق چین معنای پایان مرحله ای انقلاب دموکراتیک نو و آغاز مرحله ای نوین انقلاب ، مرحله ای انقلاب سوسیالیستی بود . مانو در آستانه ای پیروزی سراسر کشوری در دو زمین نشست هفتین گنیهی مرکزی حزب کومینت چین (اسفند ۱۳۲۷) یاد آور شده بود که تضاد عمده ای داخلی جامعی چین پس از رهائی گشته تضاد میان عیزووازی و طبقه ای کارگر خواهد بود . مانو در همین نشست ، سیاست اساسی حزب را پس از پیروزی انقلاب در سراسر کشوری روشن کرد ، که بطور خلاصه عبارت بود از گذار از یک کشوری کشاورزی به یک کشوری صنعتی و از جامعه ای دموکراسی نسوبه جامعه ای سوسیالیستی . این گذار بدین معنا بود که تمام سرمایه های امپریالیستی و عیزو- گرانیک دولتی مصادر ه شده از واحد های تولید سرمایه داری پیشین به واحد های تولید سوسیالیستی تبدیل شود ، اقتصاد برآگند می ده قناسی و تولید خود ه پای پیشه در بی گام ه گام ه تولید دسته جمعی ، که ابتدا دارای خصیصه نیبه سوسیالیستی و سپس در اشکال عالیتر خود دارای خصیصه سوسیالیستی است . در مگرگون گردند ، بازرگناسی و امور مربوط به بازار در ریح ه دست دولت افتند . وعیره ، علاوه ، سیاست دولت جدید در برخورد به سرمایه داری خصیصه طی عبارت میشد از سیاست ، محدود کردن آن به گسترش نظارت دولت بر آن و مقرر کردن میزان سود ، تبدیل واحد های تولیدی متعلق به سرمایه داران ملی به واحد های که در دولت و سرمایه داران مشترک امرآ حد مانگیت داشته و مشترکاً میگردد اند و سرمایه داران تبدیل آهبا به واحد های دولتی سوسیالیستی . عبارت دیگر ، دولت دگناتوری دموکراتیک خلق برهبری پرولتاریا با پیروزی انقلاب در

و
انقلاب
پس از پیروزی انقلاب

مادرت ورید و در مسئله اثر در حاد در مرحله دموکراسی بود. چنانکه مائو بعد ها یادآوری کرد: "تسبا سوسیالیسم میزند جین را اجابت بچند".

پس از تشکیل جمهوری نو ده ای جین تمام سرمایه های موجود در آن کشور شامل ۸۰۰ صنایع بدون پسوند صادره گشت، جنس نو ده ای در روستاهای جین حیرت انگیزانه ای گروه اصلاحات ارضی در هند جاییان رسید. کار ارتود ه ای وسیعی بر عهده صد انقلابیون و مال دشمنی که کمی گرفته همچنان به خزانگی "مخول بود. جینا شدت و همراه با آنها جشن مقاومت در برابر تجاوز امریکار گشت به گره سبز راه آمدند. ایران جشن احرار بود که در سال ۱۳۲۹ جنگ میان حکومت دست شاد نو کسره جمعی و جمهوری دموکراتیک خنجر کرده در گرفت و امریکاییهای امریکائی برای تحمیل به خاک جمهوری دموکراتیک خنجر کرده و نابودی این جمهوری سوسیالیست در خاک کرده پیشرو بردار کرد. آمان در ضمن پیشروی خود در کره نقشه تعاریف جین را نیز در سر میس - و برانده. هنگامیکه سرب یک شدن تجار کاران امریکائی در کره مره ای جین در حلقه شهر آنگی رسید. جین نو ده ای شجاعتانه بر طبقه امریکائی حمله کرد. فیروزان را در اول صلابت جیسی برای شرکت در جنگ کرده در سمت و مفاوهمیرمان خود در گرفت. مالی وارد بیکار آمد و همراه با خنجر کرده ارتش مجاز کار امریکارا تمام مره ای نفس شده ای پیشین عقب شاد نو ده. در آنجا آتش سس اعلام شد.

در شرف پیروزی، سارونی سان شفتن کارگرو خیزواری در دوران گذار به سوسیالیسم بدون سکه ای که جین کدام راه، راه سوسیالیستی، پاره سرمایه داری را در پیش گیرد مترکشد. مائو گفت: "تسبا سوسیالیسم میزند جین را اجابت بچند". لیکن حزب کمونیست جین برای در پیش گرفتن راه سوسیالیستی ار همان ابتدا تسبا با تلاش در حلقه خیزواری و هفتان ثروت مند و روشنفکران آمپارای جلوگیری از تحول سوسیالیستی جین روبرو میبود. بکه در داخل حزب سرب و سوسیالیست و سوسیالیست محط و این توجیه که در برابر این تلاش خیزواری سر فرو میآوردند. در حلقه پیشروی انقلاب سوسیالیستی سکه میانداختند و درگیر میبود. در همان مدت تأسیس جمهوری خلق جین یک گرایش فرصت طلبانه را داشت، که اشخاصی جین سوسیالیستی و هوادارانش آمریکایی میگردید. تحت این عنوان که جین هنوز بران سوسیالیسم آماد نیست با راه سوسیالیستی در جین حمایت میبود. لیونائو جی در همان سالهای اول تشکیل جمهوری خلق جین این شعار را مطرح میگرد که "مخام دموکراتیک سوسیالیسم را در حال آنکه مائو در همان آشنایی پیروی سراسر کشور تأکید کرده بود که شفتن معادل مائو گد از آن جامعه دموکراسی سوسیالیستی" است. یعنی به تکمیل جامعه دموکراسی سوسیالیستی در آنطور که لیونائو جی و اپورتونیت های را مستطرح میباشند.

در سال ۱۳۳۲، مائو شی عمومی این دروغی گد اران بین صورت تعیین کرد: "گام به گام رطی به دروغ سوسیالیستی جین و دیگر -

گویی سرمایه‌دستی کشاورزی، صنایع دستی و صنایع و بازرگانی سرمایه داری توسط دولت را تحت د هیدیه از آن پس خیر جدیدی در ساختمان سوسیالیسم در روستا و شهر آغاز شد. سیاست تحت بد سرمایه داری خصوصی ملی و سپس تشکیل سهامی مشترک دولتی، خصوصی و سهامی از خرید اموال بزرگوازی کام کام و با هدفین اجرائیه در روستاها، حشش تعاونی کردن (یا کنییراتوره کردن) کشاورزی که در بیشتر از رهاقی حشش در برخی مناطق آزاد شد و وجود می داشت پس از تشکیل جمهوری حشش چون بزمه، سسه و شتاب گرفته و تا سال ۱۳۳۵، مالکیت دست جمعی یا کنییراتیوی گذاشتند. در روستاها، روستاهای چین غله کرد. همین دگرگونی در مورد صنایع دستی زحمت ها نیز انجام نام

۱۳۳۵. در کئی صنایع پیروزی راه سوسیالیستی بر راه سرمایه داری، تا آنجا که سه

دگرگونی در صنایع مربوط به سال ۱۳۳۵ اساسا حاصل گردید.

فلسا در طی این مدت، حزب کمونیست چین مرخصی دائمی گرفت و دولت ترنارستان

از راه مادی بی بد کرده ضد حشش بسرکردگی کائوکان و جانفوشینتی را در تمام کشور

تمام بساط دهائیتهای ضد حزبی آشپار اتاناد ۱۳۳۴ و مارس ۱۹۵۵، تمام بساط

گراری در این کشور (حزب) کاملاً د افان کند. این گروه از خود برنامتی خاص و

کمیته مرکزی حزب بد اشند، بلکه در عین قبول طاهری برنامتی حزب سیکوتی بد تا

روستاهای ترنارستان در کمیته مرکزی اشعاب اند اخته و قدرت را بد دست گیرند. از پیش

های مد بوم اما شایسته سازی، ترفه یاری، جمع کردن هواد از بساط خود از طریق

رشته برداری، پاشیدن تخم مادی سال اعضا و کاد رهای حزب و مادی آشپار بد، همچین

در حشش دست جمعی کردن کشاورزی و تشکیل تعاونی های دولتی در روستاها

چین بد گزارش مراهله کارایی راسته، که لیونانجی و ماضری چون اولاد کمیته

میکردند، در درون حزب بیرون زد. مداخله کاران راسته اینگونه هوادان راه سوسی

الیستی را در پیش گیرند اعتماد اشند بد عمل نیز بد حواسکاری در حشش کنییراتیوی

روستاها حاشته تعدد زیادی از تعاونی های تولیدی در هفتاس حاصل گردید. در

شد بد که دست جمعی کردن کشاورزی باید با آهنگ آهسته تری نشد. بد عین

کثیر اشکاف باید. اما تسریع مراهله کنییراتیوی کردن در روستاها را معسول بسند

افدام تحوله میگویدند. در حمله لیونانجی، سیاست نادرست مگانیره کردن بد

دست جمعی کردن را طرح میکرد و خواهان آزادگداشتن دهقانان روستا بد بسند

افتداد خود، یعنی بد بسط اقتصاد سرمایه داری، بود. تمام اینها در روستا

راه بیست خیر بد تا تحریف ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی و خرابی

استالیلی تا هیچبد سبخواند. در واقع، سوسیالیسم بد اتحاد سبستکی میان طرفه

کارگرو تزد و های دهفاسی سبار اشند و این اتحاد در شرایط پس از رهاقی کنییراتیوی

یافتن انقلاب ارضی، در شرایطیکه سروی خود روی سرمایه داری بد هفتاس

روستاهای چین فوت تازه میگرفت، اساس بیینی را طلب میکرد. در اوایل

۱۳۳۴ (ژانیه ۱۹۵۵) مادیی گزارش بد که فرانس در سول کمیته های حزبی

و مناطق خود مختار موسوم به "درباری مسئله گنیراسون کشاورزی"، نظرات محافظه کاران راست و مغلوبه های لیوشائوچی و از این دست اثر را باستاند اقتصاد گروت و سیاست و طرز پیشبرد جنبش گنیراتوی رامعین ساخت. وی خاطر نشان کرد که "آنجبه امروز در روسیه - ستان موجود است مالکیت سرمایه داری و هفتان مرفه و درباری پهنای از مالکیت خصوصی و هفتان حد آگاه می باشد . . . در سالهای اخیر نیروهای خودروی سرمایه داری در روسیه - ستان بطور ثابت در حال رشد بوده اند، و هفتان ثروتمند در همه جا پیدا کرده اند و بسیاری از هفتان میانه حال مرفه میکشند و هفتان ثروتمند شوند. از سوی دیگر، بسیاری از هفتان فقیرعلت فقدان وسائل تولید کافی در فقر سرورده برخی مفروض و برخی دیگر زمینشان را میفروشند یا با جاره واگذار میکنند. چنانچه این گرایش بلا مانع ادامه یابد قطب بندی در روسیه بطور اجتناب ناپذیری روز بروز وخیمتر خواهد شد." مائو مائو بر این پایه نتیجه گرفت که بنا بر این "هیچ راه حلی مابین سیاست مائو بر اساس حد بی و آن همین تعقیب گام بگام دگرگونی سوسیالیستی تمامی کشاورزی هیزمان با تحقق در محلی صنعتی کردن سوسیالیستی و دگرگونی سوسیالیستی صنایع دستی و صنعت بازرگانی سرمایه داری . . . این تنها راه تحکیم اتحاد کارگری - و هفتانی است. در غیر این صورت این اتحاد در خطر واقعی گسیختگی خواهد بود." بعلاوه، مائو این نظریه را که توده هفتان - مان بجز برای دگرگونی سوسیالیستی آماده نیستند رد کرد. در طی زمستان ۱۹۴۴ تا ۱۹۴۵ میلادی هفتان فقیر میانه حال فقیر راننده خودی ما زمانه ان گنیراتوهار خاسته از راه مالکیت دسته جمعی را در پیش گرفتند. همین بود که مائو آنرا "برخاست سوسیالیستی در روستا چین" (نوشته ای از مائو با همین عنوان) خواند.

سالهای مبارزه با ریزبونیسم و جنبش بزرگ به پیش

سال ۱۹۴۵ سال است که ریزبونیست های خروش جفی، که به ندرت تا سه سال پس از درگذشت استالین تمام ارگان های حزب کمونیست و دولت اتحاد جماهیر شوروی را در دست خود فضا کرده و اکنون وضع خود را محکم می نمودند، کارزار وسیع خود را سر طریقه مارکسیسم - لنینیسم و انقلاب پرولتری در کنگره می سیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی آغاز کردند. در تمام و تهت های کیه تیراه نسبت به استالین و لحس مال کردن در روسی که تحت رهبری مارکسیستی - لنینیستی استالین سوسیالیسم در شوروی پایه گذاری میشد در دست کار ریزبونیست های خروش جفی قرار گرفت. در همان حال، خروش جف و نادر و دسته اتن اصول اساسی لنینیسم را بدین افکند از یک سو به تبلیغ "همزیستی صلح آمیز" میان خدنها و امپریالیسم، تبلیغ راههای همکاری طبقاتی میان پرولتاریا و میزوداری در کشورهای سرمایه داری و تبلیغ همکاری بین المللی میان امریکای شوروی جهت تقسیم و حکمرانی سرجهان برداخته از سوی دگر در راه تحریک سوسیالیسم در اتحاد شوروی و احیا سرمایه داری و تبدیل دیکتاتوری پرولتاریا در شوروی به یک دیکتاتوری سوسیالیستی و

موضوع - تاریخ ادبیات ایران

وفاقیستی گام گذاردند . چندی نگذشت که خروشچیف و همد ستایش رسماً اعلام کردند که در ایران حزب و دیکتاتوری برینستاریاد اتحاد شعری د بگرسرسید و از این پس آنچه وجود دارد حزبی تمام خلقی و د ولتی تمام خلقی است و در سال ۱۳۴۴ نیز برنامه ای احیای تمام و کمال سرمایه داری را اعلام و بعد از اجرا آوردند .

در همان سال ۱۳۳۵ ، در همان روزهایی که چهری و انمی خروشچیف و دار و دستهی رویزیونیستی وی تازه افشامشد ، مانوئسه د ون توجه کمونیستهای چین را فرا به ماهیت اعمال و تزه های رویزیونیستی خروشچیف و شرکا جلب کرد و طی نطقی در ۲۴ آبان ۱۳۳۵ متذکر شد که خروشچیف و دار بدسته اش " دوشمشیر " برینستاریا ، یکی لنین و دیگری استالین " رایکی پس از د بگیری بد بزافکند و از راه انقلاب اکثر شعری میشوند . وی همد نجا خاطر نشان کرد که : " در گزارش خروشچیف به سیستم کنگری حزب کمونیست اتحاد شوروی روی گفته میشود که میتوان از راه پارلمانی قدرت سیاسی را تصرف کرد ، این بدان معناست که برای کشورهای مختلف لرومی د ارد که از انقلاب اکثر سرمایه بوزند . همدی اینکه این دربار شد ، سیستم بطور کلی بد زائد اخته گردید . " بد بیان مانو تقریباً همان ابتدا به مقاضه بار رویزیونیم خروشچیفی سرخاست و در باره ای خطرات امامت همد لیبستی خروشچیفیست ها هشد ار داد .

سال بعد ، در آبان ۱۳۳۶ ، مانو برای شرکت در نشست شعری سایدگان احزاب کمونیستی و کارگری به مسکو رفت و در اقامت نشیفات رویزیونیستهای خروشچیفی و همد ستایشا در د بگرتشورها ، که مرد به از از انقلاب انمی امیریا لیبیم امریکار خطرسر زحنگ جهانی ترساند راه سلامت جوئی و تسلیم طیفی را تشویب میکردند ، گفت : همد همدی مرتجعین د بگرس " امیریا لیبیم امریکاهم یک سرکافدی است " و " او بجز سرشون خواهد شد . " مانو چند روز قبل از آن سیزطی نطقی به سیاست جبهلین سالگرد انقلاب در مسکو ناکید کرد که : " علی سرغم تلاشهای مرتجعین در باره داشتن حرکت چرخ تاریخ ، انقلاب د بر باره شعله میامسرورین و بد و ن تود بد به پیروزی میامساجد " و همد بد ات انمی و همدی امیریا لیبیستهای رسودی برایشا نخواهد داشت ، بزوا " پس ارحنگ جهانی اول انقلاب اکثر سرمایه لیستی در روسیه برپاست ، پس ارحنگ جهانی دوم در اروپای شرقی و شرقی زمین انقلابات د بگرفوق بپوستد . چنانچه " پهلوان " امیریا لیبستی مضم به برافروختن آتش جنگ جهانی سوم سانس ، هیچ چیز د بگرسر تریع امتحان کامل سیستم سرمایه داری جهانی عینان نخواهد شد . "

موضع گیری مانوئسه د ون بر طبق رویزیونیم خروشچیفی و ایستادگی گردان ای که حزب کمونیست چین تحت رهبری مانو در سرانجامش نشاناند رویزیونیستهای خروشچیفیست برای تحمیل خطرات خطرناک احزابی و همد برینتری خود سراجزاب کمونیستی و کارگری سر اسرح جهان نشان داد ، بافتشاری و دفاع چنانچه مانو از اصول مارکسیسم- لیبسم و انتر-ناسیونالیسم برینتری و اهمیت بزگی برای ضمه کارگری و خدیفهای سراسر جهان داشت . اهمیت آن این بود که شعری شکست بزرگ برینستاریاد اتحاد شعری و مرحی کشیدهای د بگرس کمارتد در رویزیونیستی د جارشدند ، مردم جهان مند بد شد که چس تود ای ۲۰۰ میلیون

سوسیالیستی پیشین، همپان در راه سوسیالیسم است و رایس را بیشتر میزند و اینکه
کمونیسم و امرهای بیرونثاریا و بشریت استند به و همپان ارتشیکه گاه استوار و سزگس-جر
چس سرحد ارمیانشد .

تاسال ۱۳۴۱ : مائو حزب کمونیست چین همراه مارسی امر حرحده و حزب کسار
آلمانی و امرهای کمپست - نیسمت های راستین - اشد سر بکشیدند با شنگه با بحث
امونو و هشد از های دانش خود ، رویزیونیست های شیروی همد ستار و د استوارشان
را از راه احراقی و هاشاشه شان منصرف و پراه راسته اند کند . ولی هیچ حرف حساب
سزگسشان فرمت . آمان سارونده هر بار با نجاهتی بیشتر در راه امنی حدت مشی رویزیونیستی
به د افلاس خود در ترمیم روش خالاشی خود در سراسر صفت کارگر جهایی و جنبشهای
رهانی محشر در کشور های مختلف و در پیشبرد مشی زد رسد . دهم آغوش با امریالسم امریکا
و در جنبش کونگس ، اصرار میزند به آمان نشان دادند که مشر مرتد ان اصلاح نابد برند
باید های دقتاری هستند که آگامه ، انون شد بطبق مقشده ای از پیش آمده شده و برای
ایزوی مارکسیسم - لنینیسم ، سرگون سازی د یکتاتوری های پرولتری در کشور های سوز

الپستی ، خند سازی سخت های آزادی خندوا برد و سازی مردم گشتر های خود و
گشتر های د یکتا می کند ، عرش رویزیونیستی ، سوزده با توجه باین واقعبت که قدرت د ر
کشور سزگ و پراهندی چون اتحاد شیروی به جنگ رویزیونیستها افتاده بود ، خطر سزگس
رای کمونیسم و انقلاب جهایی مستور میشد . در ایجاب کرد و حزب کمونیست چین و
آلمانی ، حزب مائو و دین و حزب امر حرحده ، یکی در شرق و یکی در غرب ، سراسر
استوار امداد بر کرد ، پیرد و هاراد بریدند و امشای علم رویزیونیسم ، ماسارویزیونیستهای
رزد ستشی خطرناک رویزیونیستهای شیروی را آغاز کردند . مائو طی نطقی در ۱۰ سپس
ماه ۱۳۴۰ به کمونیستهای چین اظهار داشت که " گرچه رهبری حزب و دولت شیروی

نمون برسینه رویزیونیستها اعتقاد داشته اند ولی " سیاست رویزیونیستی د بزی نخواهند
پایید " ، و اینکه ظنرم غرامتریس های رویزیونیسم ، امریالسم زمانه شان در جهان
حقیقت مارکسیسم - لنینیسم مبارکست ساید پراسد . نود و های مردم یعنی اعتراف خوا
ر کرد . انقلاب جهایی سراسر ، شیروی دست خواهند یافت .

بیروی اراد رسال ۱۳۴۱ : حزب کمونیست چین سارادستان و زیر نظارت مائو
حرف مشی سزگ خود را در امشای رویزیونیسم ماسارویزیونیستهای رویزیونیستی حاکم
حزب کونگس آغاز کرد . طی اوایل سانبای ۱۳۴۰ ، حزب کمونیست چین دستورات
مندی در رد و امشای نظرات و اعمال صد مارکسیستی د ایزود شده های رویزیونیستی حاکم
احزاب شیروی ، فرانسه ، ایالات ، ژاپن ، ایالات متحد و هند و سیره منتشر کرد و در آنها
مثل مورد اختلاف را نظیر خامنوس میچ داد و در معرض اوری کمونیستهای سوزده
بارن سعاد . در این میان ، مشاجرشی ایدئولوژیکی و سیاسی شده جابده و مقص حزب
کمونیست چین سارویزیونیستهای حزبش یعنی اگه تمامی دستش اساسی در ان ماراد رسر

میگرد. نقش آموزش در گسترش کوشش و کارگری حسابی ایفا کرد و به اتحاد نیروهای
اصیل مارکسیستی-لنینیستی و پرولتری به گردن افکندن و برابری صد افکندن پاری
رسید. رفیق مانوتسه دون با براه انداختن پرولتری این شاعر و سرگ و افکنده ای که
در دماغ از اصیل اساسی مارکسیسم-لنینیسم برابری پرولتری و پیوسته معاصر ایجاد کرد نشان
داد که یامد از واقع شایسته میراث مارکس-لنینیسم است. پس و احتیاج است که به
بعضی از کمونیستهای چین شکر برای کمونیستهای سراسر جهان برای پیوند پیوند جهانی
رهبر افکندی بزرگی است و به فقط به این شکر به جهان رفیق پرولتری و به به به به به
دارد. مانودری مشاجرات در باره تمامی مسائل اساسی دوران کوشش و خودت حد
آن مسائل که روزی کمونیستهای معاصر میگویند به باطن احراق آنها مارکسیسم-لنینیسم
را حد شده در احداث و معرفت طلسم و خیالات خود را به آرمان کمونیسم و انقلاب جهانی ترجمه
گفت. موضع مارکسیستی-لنینیستی را روشن ساخت. آنها را بر طبق اصول مارکسیسم-لنینیسم
لنینیسم به بیست پاسخ گفت و مشی غیرمی کمونیستی و کارگری جهانی را حدی کرد.
این مسائل عبارت میباشد از: مسئله تعداد های اساسی دوران مارکسیسم-لنینیسم، مسئله
در زمان حاضر، مسئله درستان و دشمن اصلی انقلاب جهانی، مسئله است مارکسیسم
مسئله جنگ و صلح، مسئله گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم، مسئله مشی و روش
ساختمان سوسیالیسم و مسئله تکامل و زوال دولت در کشورهای سوسیالیستی، مسئله
سیاست خارجی کشورهای سوسیالیستی، مسئله رهبری پرولتاریا و حزب پرولتری در انقلاب
در کشورهای امپریالیستی و در مستعمرات و نیمه مستعمرات، مسئله ارزیابی اول درین اتحاد
تس و دیگران برای پرولتاریا در اتحاد شوروی و غیره.

بدانرا، مانوتسه دون ارزیابی از روزی کمونیسم معاصر و هم به حد کمونیسم و پرولتری
در اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی پیش از این به حد معرفی حد پرولتری
پس داشت که: بصرف از رسیدن روزی کمونیسم به حدی که در این زمان است.
در طی همین سالها، در داخل چین سوسیالیسم پرولتری و سوسیالیسم
پندگان آن خود را برای ایجاد نقش خروشید و در این راه همه امر در چینی تمام و میگرد
در چین. چنانکه گفت شد. تا سال ۱۹۳۵ در کشور سوسیالیستی مالکیت بر زمین
اساسیایان رسید و بود. در این زمان، این پرولتاریا و راست را به خاطر نیردانی چینی سا
اشاره به پرولتری سوسیالیسم در زمین مالکیت و زمین بود به حدی که در چینی
مسئله ایست که ام پرولتری سوسیالیسم یا امر باید در این برقیصه یافته است و
تعداد میان پرولتاریا و پرولتری اساسی شده است. تعداد این پرولتاریا در این
حاضرین چین را به تعداد میان پرولتاریا و پرولتری اساسی و راست و به
داری. شکر تعداد میان نظام پرولتری سوسیالیسم در پرولتاریا و پرولتری اساسی
داده شد. قدر اندک و در حق توانسته این پرولتری سوسیالیسم را در پرولتاریا و پرولتری
حرب (شهر ۱۹۳۵) وارد کند. معنی این بود پرولتری این بود که پولتاریا و پرولتری
سوسیالیستی در پرولتاریا به تکمیل و تکامل یافته و تعدادی میان پرولتاریا و پرولتری

لبنی و بقایای روابط تولیدی و اجتماعی و حقوقی عیزواری کهن نیباشد . معنای این
توزیع این بود که در چین سوسیالیسم زیاد از حد رشد کرده و اکنون باید سرگشت و سر-
مايه ناری را رشد داد .

مانند رهمان زمان ماستی و ضد مارکسیستی بودن این تزهاریان آفریننده و در

اسفند ۱۳۳۵ اثر معروف خود "در باره راه حل صحیح تضاد های درون خلق" را برای

پاسخگویی به سائل طرح شده می جدید را اغلب سوسیالیستی چین انتشار داد . سائل

در این اثر بزرگد خاطرشان ساخت که "در چین ، اگر چه تحول سوسیالیستی در مسیر

مالکیت اساسا انجام یافته . . . ولی بقایای طبقات سرگونی شده می مالکان ارضی و کمرها-

د و پها هنوز موجودند ، عیزواری هنوز حرات و خود عیزواری تازه در حال تحول است"

از اینرو نمیتوان سارزی طبقاتی را فیصله یافته شفی کرد . بلکه بالعکس: سارزی طبقاتی

بین پرولتاریا و عیزواری ، سارزی طبقاتی بین نیروهای سیاسی گوناگین و سارزی طبقاتی

بین پرولتاریا و عیزواری در زمینه ایبه تولیدی هنوز سارزی ای تولیدی و بیجید خواهد شد

و حتی گاه بسیار حشد خواهد یافت . "لذا" این مسئله که که ام به روز می شود ، سوسی-

الیسم یا سرمایه ناری . هنوز واقعا جنگ نشده است "بدینسان مانو این مغلطه های

روز میستی را که گویا سارزی طبقاتی پس از تحول سوسیالیستی در زمینه مالکیت و سائل

نوبت این سوزید - مغلطه ای که در آن زمان توسط روز میستهای خروشچی نیز وسیما

تخلی شده و تزهاری شده نسبی خود را راجع به دولت و حزب برپایی آن تدوین میکردند -

یکباره و صبر حاد کردند .

در واقع در همان سال ، حطی برداشته ای از سوی عناصر راست عیزواری سر علیه

ساختن سوسیالیسم و دیگتاری پرولتاریا ، بر علیه مرجعیت حزب کمونیست ، خط مشی

عمومی و سیاست های حزب در گرفت ، که بر علیه خیزد جشن بوده ای وحت ها و مشاجرات

وسپمی را در زمینه ایبه تولیدی و سیاسی سرانگیخت . این راست های عیزواری عده ای

از روشنفکران و عناصر دست راستی معافل فرهنگ ، آموزش ، علمی و فنی را تشکیل میداد

ند ، که مدیوحا در برابر تعمیرات سوسیالیستی و تحدید تربیت ایبه تولیدی خود معافد-

گیده مثلا مطرح میداشتند که گویا مسئله اصلی "کارشاس" بودن است و نه کمونیست-

و کسانی که به راه سوسیالیستی مؤمن هستند بلکه این "کارشاسان" و کسانی که تحد

حرفه ای در ربه غای کار دارند هستند که باید رهبری کار را بدست بگیرد . این راست

های عیزواری که از سوی روز میست ها و عوامل عیزواری در درون حزب جون لیوشائوچوم

میرد حمایت فرا گرفته در گستاخی هایشان تشویب میشدند راستی رایایی اجتماعی در

دستی روز میستی لیوشائوچی بد آورد سته های ظهور میدند و توسط این د آورد سته ،

سنوان آمیزی بر علیه پرولتاریا و سوسیالیسم و برای احیای سرمایه ناری کار میوتند

مانند در همان زمان طی مطنی در کفر اس کشوری حزب کمونیست چین در باره کار نشناختن

نی به خطر افتاد است و مستوی تعالیمات این دست از روشنفکران راست و عیزوایشان اشار

کردند و هشدار داد که آنان "دولت ما ، یعنی دیگتاری پرولتاریا را بدست ندهد و سر

با سرمایه گذاری بیشتر

جامعه‌ی کهن را میخیزد. آنان هر زمان که فرصتی پیدا کنند آشوب‌بار کرده و قصد سرنگون کردن حزب کمونیست و احیای چین کهن را خواهند کرد. " مانو همچنین در همین نطق مهم خود به ماهیت اقدامات و خطر رویزیونیستها، که سپاهی رشد تولید و پیشرفت علمی و فن بارز و طوفانی سرعته بیزووازی را محو می‌کند کرده و سپاه‌های کارخانه‌ای و تخصصی رهبری امیرزادست فاعصر راست و ضد سوسیالیست می‌سپردند، پرداخته خاطر نشان کرد که: رویزیونیستها غارت‌های میان سوسیالیسم و سرمایه‌داری، میان دیکتاتور بریتانیا و دیکتاتور بیزووازی، را انکار می‌کنند. آنچه آنان ندانند در میهن هند را سنی را سوسیالیستی بلکه شی سرمایه‌داری است.

در سال ۱۲۲۲، مانو برای جمع بندی از تجارب تاکنون بدست آمده در ساختن سوسیالیسم خط مشی عمومی " حرکت با تمام نیرو، هدف کوی بالا و دست یابی به نتایج بیشتر، سریعتر، بهتر و با صرفه تر در ساختن سوسیالیسم را طرح کرد و حزب تحت رهبری مانو " جنبش بزرگ به پیش" در ساختن سوسیالیسم و جنبش تولید های ایجاب کمونهای خلق (که شکل عالیتری از مالکیت جمعی سوسیالیستی در دروستا- های چین میباشد) را آغاز کرد. همچنین مانو در همین سال یک رشته سیاست‌های برای رشد همه جانبه، متعادل و سریع اقتصاد ملی زوونان عمومی " راه رفتن بروی دیوار" - به معنای رشد همزمان صنایع و کشاورزی، صنایع مرکزی و صنایع پایه‌ای، صنایع بزرگ و متوسط و کوچک، صنایع سنگین و صنایع سبک، کاربرد همزمان روشهای تولید نوین و روشهای تولید بومی و غیره - مشخص و فرموله کرد. این روشها و سایر روشها هستند که مانو طی این سالها (از ۱۲۳۵ بعد) طرح کرده است با اوضاع و شرایط خاص ساختن سوسیالیسم در چین میخواند بلکه در خود تکامل بومی را در روشهای و نتایج آن نیز در استالین راجع به ساختن سوسیالیسم حقل میگرد.

و شی پیشروی جنبش و سوسیالیسم و جنبش تولید ای برای ایجاد کمونهای خلق در دروستا خاندان رجه ای که پامیگرت معالفت و تلاش ضد افلاسی عناصر راست بیزووازی تا ل محفیشان را در حزب و دولت بر غلبه خود برایشخت. راست‌های بیزووازی عناصر فرصت طلب درون حزب با سود جویی از یکدیگر قصد شواریهای پیش آمده در طی " جنبش بزرگ به پیش" در شواریهایی که همیشه در آغاز هر اقدام بزرگ و افلاسی - جنبش‌وار - پیش میاید، و همچنین با سوء استفاده از فراکارهای زیر پرچم جنبشهای خورشیدی در اقتصاد چین و سه سال متلا شدند چینی به دلایلی طبیعی، سر تلاش خود جهت تعبیر خط مشی عمومی حزب افزودند. آنان بر پیشرفت‌های مهمی که در زمینه تولید و اختراعات و ابداعات در این زمان صورت گرفته بود چشم نهیخته، مشکلات و ماسائیکها را بزرگتر از واقع جلوه دادند و با ایجاد کمونهای خلق و تحولات جدید در صنایع و کشاورزی چینی مخالفت می‌نمودند. برغم آن گویا همی آن صحت‌ها راجع به ساریه طیفانی و ادعای آن سز سبب شده و مانعی در برابر پیشرفت اقتصادی چین بوده و تنها سبب صرفا استرالیست تولید است - حال فوق‌اند که افزایش تولید به معرفی سرمایه‌داری صورت میگیرد.

عصب قدرت سیاسی نمی تواند داشته باشد .

سالهای انقلاب فرهنگی پرولتاریائی

برپایگی این تحلیل هایه پیشهاد مانو جنبش تربیت سوسیالیستی در شهر و روستا ، عنوان شیوه ای برای مقابله با خطر روزیویسم و مبارزه با سوسوم ایندولویژکی و فرهنگی سیرزوانی و شیوع آنها ، تحت رهبری حزب کمونیست چین آغاز گردید . جنبش تربیت سوسیالیستی مبارزه ای بود طبقاتی در تمام عرصه های سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی و گسار سازمانی حزب و دولت و آموزش طبقاتی توده های مردم و نیز تجدید تربیت روشنفکران را در نظر می داشت . در طی آن بحث های بزرگی در زمینه های فلسفه ، اقتصاد سیاسی ، تاریخ ، ریاض ، هنر و ادبیات و غیره نیز ، که بارنای ازمارزی ایندولویژکی میان مارکسیستها و روزیویویستها ، عناصر پرولتاری و میزدوانی بود ، در مطبوعات چین و در روزنامه های دیواری در گرفت و تعدادی از فیلمها و نمایش هایی که عرضه میشد ساد استفاده گرفته شدند . مانو در همین زمان شخصا وارد بحث راجع به آثار ادبی - هنری شده و از جمله در باره شیعات ادبی و هنری تحت کنترل روزیویویست ها ، که مورد حمایت لیوشائوچی بودند ، گفت که آنها " تاجران تحت حکومت " مردگان " بوده اند " ، و همچنین وزارتخانه های فرهنگ و بهداشت - شد را نیز با خطر درویشان از توده های وسیع مردم و نیازمند بهایشان ساد استفاده گرفت . در جریان این جنبش ، لیوشائوچی و گروه او بخشی از مقامات حزبی و دولتی را در دست داشته و از خط مشی دیگری ، از خط مشی بی روزیویویستی ، پیروی میکردند . مانو چند سال بعد در زمان اوج انقلاب فرهنگی چین در اشاره باین وضع در این سالها - یعنی سالهای قبل از انقلاب فرهنگی پرولتاریائی چین - مثلا در باره وضع در کارخانه ها هاگمت ؟ بنابه مشاهدات من ، میترسم که در نسبتا اکثریتی از کارخانجات - منظور همه یا اکثریت قاطع نیست - رهبری در دست مارکسیست های واقعی و توده های کارگر قرار نبود . نه اینکه اشخاص خوبی در رهبری کارخانجات نبودند ، بود . ولی از آن مشی لیوشائوچی پیروی میکردند . فقط به اشکری مادی بهاء میآوردند ، سواد را در فرمان همی قرار میدادند ، و بجای ساد کردن مقام سیاست پرولتاریائی به توزیع پاداش و غیره می پرداختند .

در همان سال ۱۹۶۳ ، مانو گفتگوهای متعددی در انشای روزیویویسم معاصر ارزیابی از اقدامات ضد مارکسیستی در او دستنی روزیویویستی رهبری حزب در دولت شیوه روی سیز بعمل آورد . او متذکر شد که " قدرت رسیدن روزیویویسم معنای قدرت رسیدن سیرزوانی است " و آنچه اکنون در اتحاد شوروی اعمال میشود در یکتائوری پرولتاریا نسود ، در یکتائوری سیرزوانی است . عین گفتهی مانو که از مصاحبه ۲۱ اردیبهشت ۱۹۶۳ او میآید چنین است : اکنون در اتحاد شوروی در یکتائوری سیرزوانی اعمال میگردد و در یکتائوری سیرزوانی سیرک ، در یکتائوری سیرک ما سیرک اعمال ، در یکتائوری سیرک هسیرک " اکنون در یکتائوری

صحت این داری مائوراد رابری ماهیت لطافتی و طرز عمل حکومت رومیزیست ها در اتحاد شوروی شان داده است. مائوراد آن زمان از یکس و راجع به نتایج خطرناک حاکمیت از روی کار آمدن رومیزیست ها در اتحاد شوروی مردم جهان راه حفظ هشتمیاری خود فرامیخواند و از وی در یک موع از انواع جس بود آن جامعه آمیزی در اتحاد شوروی در سهای لازم راهبرای جلوگیری از سگراض در چین اخذ میکرد. مائوردها سالها با توجه به نتایج شوم حکومت رومیزیستی در شوروی از یکسو و تند و تیز شدن فعالیت راست ها و رومیزیست های خودی در چین از سوی دیگر به کونیست های چین و ستاسی حزب هندا را داد که اثر مازمی لطافتی و دیگناتوری برولنار پارلیمانست فرامیسی سپرد و به خطر رومیزیستیم و رومیزیستیمان توجه نکند روی نخواهد پائید که " حزب مارکسیستی لیستی بدون شک بیک حزب رومیزیستی یا بیک حزب فاشیستی بدل خواهد گشت و تمام چین رش خود را نوسی خواهد کرد. رها خواستند مگر کید جمع قدر خطرناک خواهد شد !"

در چین شرایطی بود که مائور سال ۱۹۴۳ لسی شهجوم جنبش تربیت سوبیالیستی را مستقیماً توجه گروه رومیزیستی درون حزب کرد و در احتیاط اعلام داشت : " آماج عدوی جنبش کمونی صاحبان قدرت در درون حزب که راه سرمایه داری در پیش گرفته اند میاند "

جنبش این دوره و بدعت های وسیع و حادثی که در تربیت و نیز دعوت اخیر به کسر مائور در واقع تدارک حرکت ها و خیزشهای انقلابی پر دامه ای بود که کمتر از دو سال بعد بنام انقلاب بزرگ فرهنگی برولناریائی بر راه افتاد و اگر تنها جرقه ای میخواست که تا آشفشان آغاز گردد .

در آبان ۱۳۴۴ / نوامبر ۱۹۶۵ ، مائور بیان استفاده از نمایشامه ای را نام " های زوی از مقام عزل شد " ، که معاین شهرت اریکس آرا داشته بود ، می ساخت . پسند در نمایشامه میگردید و در می تنه تاریخی موضوع عزل بن ته - هونگ وزیر دفاع سابق چین را ، که برای مخافتن با حاد شس عیسوی حزب ر حوابکاری " حبش بزرگ به پیش " و تشکیل کمی های حل ان مقام عزل شده بود ، پیش کشید و درباری آن مائور اقدام درست گیتی مرکزی حزب را محدود حمله قرار میداد . در استفاده نمایشامه می مرکز فرامفانه ای نوشته شده و ضلع انتشار آن شد ، نیش گیتی حزب شهریکر کسه حد نظارت و کنترل لیبرالیسمی بود از چاپ و انتشار این مقاله که در روزنامه های بکر حسیکوی کرد . در این زمان مائور شخصاً معانه را گرفت راهی شاطهای میشود و آزاد آندا به چاپ رساند . در پی آن ، در ۲۶ اردیبهشت سال ۱۳۴۵ ، کمیته مرکزی حزب گویست چین سارا هسائی و زومیر مائور دشنامی معزوری خود را صادر میکند که در آن سسه زحود " معاندان بیژداری که درون حزب ، حکومت ، ارتش و نظامی عرصه های فرهنگ حونه اند " اشاره شده و توجه حزب به ضرورت استفاده و نفع آن " زد و زد با استفاده نشان بمصعب دیگر " ، طلب شده است . در حشامه آشکارا اعلام میشود که آنسان

و تعمیق دستاورد های انقلاب فرهنگی تمامی مداح حزب و دولت سطر داده شد، در این بود که حزب و کمپوز چنانی استکباری مسئولی جنگی پریش و آماده کرده جانشینان نسل قدرتی انقلابیون پرولتری پاسخی مناسب میداد. مائو خود در سال ۱۳۴۳ در سر شماری در سهای تاریخی ظهر روزیوسیم در شماری (مدح در هرزمی "کمونیسم کادب خروشجفی و در سهای تاریخی آن برای جهان") از جمله تاکید کرد که "رای تضمین اینکه حزب و کمپوز ما رگ خود را عوض نکند، ما باید نه تنها شی صحیح و سیاستهای صحیحی داشته باشیم بلکه باید میلیونها جانشین که امر انقلاب پرولتری را ادامه خواهند داد - نر - بیست و آماده سازیم." مائو همچنین در جایی متذکر شده بود که "جانشینان امر انقلابی پرولتری در جریان مبارزات توده ای پدید آید و در توفاهای بزرگ انقلاب آید و می- شوند." اکین انقلاب عظیم فرهنگی پرولتاریائی چنین جریان مبارزاتی و چنین توان سزونی بود، و لذا کوشش آگاهانه برای سرکشیدن و ایجاد زمینه مناسب جهت انتقال تعارب و آموخته های سل انقلابیون کهن به نسل انقلابیون در سراسر کشور از زمان قیام شاگها

مرحله سرگون ساختن مراجع روزیوسیتی در سراسر کشور از زمان قیام شاگها تا تشکیل کیمه های انقلابی در دست و سین جیان در شهر جرج - مهر ۱۳۴۸ (پستار ۱۹۶۹) مدت یکسال و سه ماه طول انجامید. طی این مدت مبارزات طوفانی شدیدی و قوی العاده فرغی که در خلال آنها تفاوت میان دوست و دشمن یا گفتمانی مائو "میان اشخاص - مرکب اشناهاات ایند لولیزیک با اشخاصی که تضاد بین ما و آنها از تضاد های بین ما و دشمن است" سختی تمیز داده میشد، در همه جا در گرفت. پیروز در ناستان سال ۱۳۴۶ و بهار سال ۱۳۴۷ جریانهای راست و "چپ" امرائی کرد و خاکبهای عظیمی سپاگردند و وحش کوشیدند تا با سرانجام سختی از مردم بر طبقه خوش دیگر کارشکنی کیمته های انقلابی را با شکست مواجه سازند. این توطئه ها و فرقه افکندنها پیروز در میان دانشجویان و کارگر میافتاد. در این بین مائو طبقه کارگر را فراموش کرد که راسا رهبری کیمه اجرا در دست خود و بدنیال آن نخستین گروههای کارگران کار خاسحات دره مردان ۱۳۴۶ وارد دانشگاه و تمام مرکزی که ریشسفکوان حاضر داشتند شدند و تمام امیر را - دست گرفتند.

با ایجاد کیمته های انقلابی در سراسر چین، وظیفه تحکیم آنها و انجام وظایفی که مائو در حقیقت "مبارزه - استفاد - اصلاح" نامید در دستگیر کار قرار گرفت. مثلا در مورد جنگوشی انجام وظایف این مرحله در یک کارخانه مائو چنین گفت: "تشکیل یک کیمته انقلابی سه د یک، برآید - اخس استفاد و تصحیح توده ای، پاک کردن صفوف خلفاتی، تحکیم سازمان حزب و ساده کردن دستاها اداری، تغییر قواعد و معیارات مامدول و فرستادن کارکنان اداری به سطهای کار". صما سیاستهای دیگری نیز در زمینه جنگوشی سرخورد به ریشسفکوران سرخورد به کادر هائی که خطا کرده بودند، سرخورد به دانشیوزها و فرهنگیان سوزووشیوز توسط مائو تویس شد که ظهر کسی "شعد به تربیت" و در آمیختن آنها را از حشکشان دور نظر قرار میداد. مائو مخالف آن بود که همه اشان برای همیشه کار نگه دارند و شوند و - آنکه از شرکتشان در انقلاب سوسیالیستی و ساختن سوسیالیسم حویتری شود. بلکه -

سظرمائو" باید از طریق تربیت و افراد کمک کرد و دامنی حلقه را تنگ کرد باید."

در فروردین ماه ۱۳۴۸، نهمین کنگره حزب کمونیست چین پیروزمندانه برگزار شد و در آن تجربیات انقلاب فرهنگی پرولتاریائی چین جمعسندی و نظرات مائوتسه دون را جمع به دامنی انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا، که انقلاب فرهنگی پرولتاریائی سوسیالیستی از آن بود، بعنوان راهنمای حزب و تکامل نویی در مارکسیسم - لنینیسم عرضه گشت. در اساسنامهی حزب صوب نهمین کنگرهی کثیری حزب کمونیست چین در اشاره به تضادها و مبارزهی طبقاتی در جامعهی سوسیالیستی و خطر احیای سرمایه داری از داخل و تهدید و تجاوز امپریالیسم از خارج میخوانیم: "این تضادها میتواند با انکاب به ثوری مارکسیستی انقلاب مداوم و پراتیک تحت هدایت آن حل شوند."

ثوری دامنی انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا، که بر اساس تحلیل رفیق مائو از تضادها و مبارزهی طبقاتی در جامعهی سوسیالیستی، جمعسندی از تجربیات و مضمونی ساختار سوسیالیسم در چین و اتحاد ثوری و تکامل ثوری لنینیستی دامنی مبارزه طبقاتی در دوران گذار و خطر احیای سرمایه داری طرح شده بود، معنای آن بود که مسئلهی قدرت سیاسی در تمامی دیران گذار از جامعهی سرمایه داری به جامعهی سوسیالیستی کمونیستی مسئله اساسی است و اینکه پرولتاریا تنها شیوهی انقلابی قادر به حفظ قدرت سیاسی و بسط و تحکیم رهبری خود در تمام عرصه های جامعه از جمله در ریاست میاشند. این ثوری صراحتاً مطرح میازد که گذار از جامعهی طبقاتی سرمایه داری به جامعهی سوسیالیستی کمونیستی بک نوایند انقلابی است که به معنای دگرگونی انقلابی روابط تولیدی و اجتماعی کهن به روابط تولیدی و اجتماعی نو همراه با آن دگرگونی انقلابی همی زمینه های ریاستی که در خدمت زیرکای نو میآیند مضمون تاریخی این نوایند است، بلکه همچنین بدین معنا که این دگرگونی خود نوام یا بک حرکت انقلابی نوایند است. فقط بصورت اصلاحات صورت گرفته در هر مرحله از تکامل خود پیازمسند جنبشی به پیش و حل تضادهای طبقاتی و استناد و طرد بدفایا و مواریت جامعهی کپس شیری برخواست آگاهانه و نوایند ای مردم میاشند. بر همین پایه مائو فرمود "انقلاب کمونیست و تولید را به پیش راید" را مطرح کرد، که در آن مشخصاً بر ضرورت دامنی انقلاب سوسیالیستی جهت تضمینی دانی مناسبات تولیدی بارشدن نیروهای نوایند می جامعه تأکید شده است.

انقلاب عظیم فرهنگی پرولتاریائی که توسط شخص مائو آغاز و تا پیروزی سپاسی رهبری گردید تجسم عظمی شخص دامنی انقلاب سوسیالیستی در تحت دیکتاتوری پرولتاریا بود و سونمی برجسته ای از شکل و شیوهی انجام آرمانست میدان. مائو در همان اول انقلاب فرهنگی در نهمین پالمسند ۱۳۴۵ (تقریباً ۱۹۶۷) در رارمی اهمیت این شکل و شیوهی نوایندگاهی به تجربیات گذشته گفت: "ما در گذشته در روستا، در کارخانه محاسبات و معانی فرهنگی دست مبارزه مردم و جنبش تربیت سوسیالیستی برداختیم. ولی سلسله لایحل ماند از برامشکل و شیوه ای پیدا کردیم که سوسیالیستی آن سوانیم توایند های وسیع

سیم. این جنبش ویژهٔ مصوب دست انداز بود و آن همان انقلاب مرفه‌ساز بود. سرانگشت میلیونها توده‌های کارگری و زحمتکش جیب‌سرای آزاد اسدی نظرات خود، اسناد، افشا، رسوا و احضار بحثهای سرگه، سازش و رشوه‌های دیواری و راهنمایی آنان که خود حورالزامل، مارکسیسم را از روی پرده سیم، تشخیص داده و سر شبه‌امحارفات روی پرده سیم، خودکراتیسم و مراحسی که توسط سحر فین و سحر گسل پیروزوا اشغال شده‌اند مبارزه کنند. در این جریان گاهی سیاسی خود را اعلام کردند و با تعبیر جامه‌بند دست خود در پیشش را سزای خود این توله‌ی یکی گذشته را کردند.

در همین حال مالدو، همان زمان مطرح کرد که با انقلاب مرفه‌ساز گویس همسه چیز بیکاره حل خواهد شد و هر چند سالی یکبار به سرآمدن چنین انقلابی سیاسی خواهد افتاد. ضمناً اثر سنتی پیروزی نهائی سوسیالیسم را به پیروزی انقلاب در فضا جهانی مرسوم کرد و در پایان ۱۳۴۶ (اکتبر ۱۹۶۸) امتداد کرد؛ تا به پیروزی بزرگی، باقی آمد و این طیف مطلوب مار هم بدست و پا زد. سهای مدسرحان خواهد بود. این امر هنوز در دست و پا می‌ماند. از اینرو ما نمیتوانیم از پیروزی سوسیالیسم سده نهم، حتی تا دهها سال دیگر هم نمیتوانیم از آن صحبت کنیم. از بدگاه سوسیالیسم پیروزی نهائی یک کشور سوسیالیستی نه تنها مستقیم گزینشهای بیولتاریا و توده‌های وسیع مردم آن کشور است بلکه به پیروزی انقلاب جهانی و همچنین به محو نظام سرمایه‌داری از فرد در سراسر گیتی زمین که به آزاد شدن تمام بشریت منجر میشود، نیز وابسته است. لذا اگر ما در پی پیروزی نهائی انقلاب گسترده‌مان صحبت می‌کنیم، نادرست و مغایر با سوسیالیسم است و ما را فاجعه هم‌وقتی ندارد.

در جریان انقلاب عظیم فرهنگی بیولتاریائی در روسای این توله‌ی یکی جامه‌ساز تحولاتی در امر داری روی داد. ادبیات و هنر بیولتاری رواج گرفتند و در مقابل آثار ادبی و هنری بیولتاریائی که از رنگی و سازش زحمتکشان جدا بود و روحی سرگردان قهرمانان خود از میان توده‌های رنجور به ستایش شخصیت‌های بیولتاریا، اخلاقیات و عقاید مذهب، ماهیت ضد توده‌ای بیولتاریائی و خوردن بیولتاریائی میرده‌اشند، تحریری براس پایهٔ سوسیالیسم آرمان بیولتاریا و وضعیت ساختار انسان نوی سوسیالیستی می‌بودند و از تصاویر و اشکال هنری بزرگ کرده و شاهان آلوده سالهای بیولتاریائی را تصاویر و اشکال توهین آمیز بر کپه فتوح آنها و در برابران جیب‌ساز اسفاده میکردند. همه از افتخار پیشین خود افتادند و در هنگ جامه‌بند تحسین تعبهات بر زمین شد و اسرار و عقاید بیولتاریائی، گساره‌گیری و سفسطه‌گری و از جمله کارگزاران سحر فین و سحر گسل از بهانه‌سازان و در هفاصل و آموزش از تحریکات توده‌ها و در همین حال براس آبرخته‌های خود سمان توده‌ها و توده‌ای کردن آنها، همه ضریبی سختی خوردند.

در همین زمان موسسات آموزشی براساس این آموزش مالدو که تعلیم و تربیت باید به سیاست بیولتاریائی خند منته کرده و ساکار تولیدی ترکیب شود، دچار بدست آمدند.

افلاک شدت امکانات گسترده ای برای ورود فرزندان زحمتمندان شهر و دیوستان
آمیزی فراهم گشت و همچنین روش ترکیب آموزش با کار تولیدی و رفتن محصلین و عناصر
زود، بزرگ برای کار در کارخانجات و مزارع و زندگی و آموزش با توده های رنجور و شرکت فعال
در مبارزه طبقاتی و استفاده و مبارزه بر علیه خیزش های و رویزیزیم سری عطش خود افتاد .
مائل در هر مورد ۷ بار در بهشت ۱۳۴۵ خود متذکر شد که مدت ما بر سه دفتر باید گرفته شود
تعمیر و تزیین باید افلاک می شود . در - بگر ساید - سیدی روشنفکران خیزش را بر آورد اشک
هایمان تحمل شود .^{۳۰} یاد روزتسگر جاسق سوسیالیستی و یارین کارکن می افلاک و
غیره گمنامی مائل باید همه سرخ و هم گردان باشد . هم در راه سوسیالیسم گام بردارد و
هم با کارهای سوسیالیسم را مبارک و در کار خود مبارزه کند . همه این مبارزات را در
اختیار توده ها قرار دهد و در ضمن حال از نظرات و شرحی باغبان و یار برآید می تو -
ده ها برای ارتقا سطح مبارزات و فن سوسیالیستی بهره گیری کند .

افلاک فرهنگی را نیز احسن به فرهنگ و خلق و خوی جامعه و باسرامت گمنام
اعتماد به نفس و ابتکار عمل توده ها و جداری احداث طبقاتی رنجبران و سارده و
تفویح توده ای رویزیزیم هر سق سختی بد شوی رویزیزیمش در امور تولیدی و سازمان
تولیدی کوفت . در نتیجه همکاری نزدیکی میان کارگران ، کار رها و حبس و کارگران می و
اداری بوجود آمد و توده کارگران در هر جهت امر و کارگران افتری در کار تولیدی مشا -
رکت کرده و فواید و مقررات کهنه و نامتداول حذف شد . بدینسان تولید مبارک و کارسو -
سیالیستی و شیر و رشوق توده ها برای احکام سوسیالیسم پیش تاز گرفت .

مهمترین نکته اینست انقلاب فرهنگی پروتارهایی با افلاک کردن روسای فکری و
ایدئولوژیکی جاسق زحمتمندان چین را به وظایف و خلق اساسی خود در تعیین سرپرشت
جاسق سوسیالیستی سپارند و آگاهتر ساخته اند . توری مارکسیسم - لنینیسم را بیان توده
های سوسیالیستی برداشته اند . توری مارکسیسم را از مارکسیسم در روسیه امپرسی
پرولتاری را از خلق خیزش تشخیص دهند و توده های وسیع طبقاتی کارگر را به میدان
گشاده نادر رهبری گردان بشاهنگ طبقاتی خود بگشایند خود را در جهت سطوح
اعمال کنند و با هستیاری و آگاهی بیشتری در برابر رویزیزیم و داورده شده های دشمنی
چون خیزشچف و همد ستاش رویزیزیم .

معاذله اشعار جاسق سوسیالیستی افلاک فرهنگی در چین ناشیونگان .^{۳۱} در هر یک در
مقیاس جهانی باشد و از حدی که می و کیفی جاسق مارکسیستی - لنینیستی را در همه کشورها
تولید کرد . رویزیزیم معاصر صریحی مطلق گدوت و بر چه بود رویزیزیمش را پیش از
پیش در چشم بسیاری می انتشار ساخت . علاوه بر کمپینها ، توده های روسیه امروز ، چین
جشنهای رهائی بخش خود ، آسیا ، آفریقا و آمریکای لاتین به چین توده ای ، به چین که
از درون گره های انقلاب عقب فرهنگ پروتارهایی سوزن آمد و بود ، باطنی و بیرون
و مطلق خود گریه کنند و هر چه در چین گشت تمام بخش آمان شد ، افلاک جهانی با
داد چین توده ای و مارکسیسم - لنینیسم با نام و توریس درون مزارع گشت و یکی شد .

در جریان انقلاب عظیم فرهنگی بیولناریائی، حزب کمونیست چین رهبری مانو
با بیای پیشبرد و هدایت جنبش عظیم انقلابی در چین سارزمی انتشاراتی عظیم رانیز سر
ظبه رویزیونسم معاصر سرکردگی دارند ستهی رویزیونستی شوروی در مقیاس جهانی بیش
برده رهبری کرد. در آلمان دارند ستهی سرعند کوکین شی خروشچف را بدون شخصی
خروشچف تا حد انحال یک حکومت سو سیال - فاشیستی در داخل اتحاد شوروی و انحصال
سیاستهای سو سیال امپریالیستی در مقیاس جهانی تعمیق خشید و در راه همکاری و رقاب
یت با امپریالیستهای آمریکائی در همه جا گام برداشتند. رویزیونستیهای شوروی در همه
جا با امپریالیستها و مترجمین کشورهای گوناگون رسیده از یکسو خلقبهار از دست دادن
به انقلاب برخیزند هستند و از سوی دیگر به رژیمهای ارتجاعی در سرکوب نهشتهای انقلاب
سی خلق کمک کردند. گفته میمانو که امروز ستهی رویزیونستی اتحاد شوروی... جاگراس و
هندستان امپریالیسم اند که در سراسر سخاک افتاده اند. هم در این میان سیاست در برزبای
رویزیونستیهای شوروی در فعال جنگ عادلانهی خلق و شتام بر علیه شکار امپریالیسم آمریکا
مثال سازی بود. ضمنا حزب کمونیست چین در سال ۱۳۴۷ در اشاره به رضایت شخصی و
پشتیبانی تاریخی رویزیونستیهای اتحاد شوروی از جنگ تحارزگراسی آمریکا در ویتنام و در
مقابل رضایت ضمنی و پشتیبانی تاریخی امپریالیستهای آمریکائی از اشغال نظامی چکسلوا
کی توسط ارتش شوروی، متذکرند که چگونه امپریالیسم آمریکا و رویزیونسم شوروی هر دو
در این تقسیم مجدد جهان میان خود به تانی و رقابت با یکدیگر سرخاسته و به داد و ست
های گتیب سیاسی سر میخیزند. مانو در همین سالهاست که تا خود به ظهور رویزیونسم تو
سعه طلب و امپریالیستی در کشور بزرگی چون اتحاد شوروی و یاد نظر گرفتن سر روند اد
های جهانی که همه بنحوی خلقها را با تشنات ضد انقلاب امپریالیستهای آمریکائی و
رویزیونستیهای شوروی روبرو میکند متذکرند: "در همین تاریخی نوین سارزه بر علیه امپریالیسم
آمریکا و رویزیونسم شوروی دیگر آغاز شده است."

اکنون ما گاهو به تکامل روند اد های جهان پس از سیال این حکم تاریخی از
سوی مانو توجه دین معنای این حکم سهرمتوان مکتبند. سراسر پستی اتحاد شوروی به
جهتی امپریالیسم جهانی تضاد های میان گروهند بیای امپریالیستی سارزم پیشروند تا
بافت. امپریالیسم آمریکا و سو سیال - امپریالیسم شوروی که نسبت به سارنبروهای امپریالیستی
از قدرت اقتصادی و نظامی سیشتری سرخیزد آورده و هستند. در رصحنی سیاست بین المللی
شراء با یکدیگر یکدیگر ناز میدانند و هند ستهیا و خدل برزیهای سبطره حویانه پیشان
سراسر جهان گسترش یافت. در همان حال سارزمی ضد امپریالیستی خلقبهار در مقیاس جهانی
در سوسو بندی خود در کنار افادامات تحارزگراسی آمریکا هر چه بیشتر تشنات ضد انقلاب
سیال بود حویانه و سارگراسی اتحاد شوروی روبرو شد. امپریالیسم آمریکا و سو سیال امپریا
لیسم شوروی مشترکا نقش حواسگر نظام سردگی امپریالیستی را بر عهده گرفته و در این میان
یک تازی و ساردهی سبطره حویانهی هر دو به سراسر جهان سط یافت. حسی است در ا
پوشی که دیگر آغاز شده است.

در سال ۱۳۴۹ مهم‌ترین واقعه در جهان گسترش تحایز آمریکا در ویتنام، به کامبوج و سیاحیری سلطه‌ای خلق کامبوج بر علیه تحایز آمریکا و عمال - روسی آن بود. اخیر نویسی در باره‌ی خلفای هند و چین بدین آند و سه جنبش رها نیستی ویتنام، کامبوج و لائوس بر علیه تحایز آمریکا وارد اتحاد عمل شدند. در این زمان شوروی ریز و بیستی سه مخالفت با جنگ عادلانه‌ی خلق کامبوج سرخاسته با آوردن سعی هاشن لان نول، که توسط امپریالیستهای آمریکائی و از راه یک کودتای ارتجاعی بر روی کار آمد، بودند. وارد همکاری شد. لیکن چین مانوشه دون از همان آغاز بدفاع و پشتیبانی همه جانبه از خلق قهرمان کامبوج و مبارزه اش بر علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم پیدشالی دست نشاند و اثر سرخاسته و مانوشه در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۴۹ بیانیه‌ای در دفاع از کامبوج انقلابی صادر کرد. مانوشه ضما در این بیانیه وضع کلی بین المللی را بطور خلاصه چنین تعریف کرد: "خطر حسیک جهانی چینی همچنان وجود دارد و مردم همه‌ی کشورهای باید آماده شوند. ولی امروز انقلاب رونده‌ی در جهان است." این تعریف کلی در واقع تکرار حکمی بود که رمیز مانوشه در هشتم سفر خود به اتحاد شوروی در سال ۱۳۳۶ در مقاله با تبلیغات پانسیستی و خانسانه‌ی ریز و بیستیهای خروشانی و در ارزیابی از اوضاع جهانی بدست داده بود. مانوشه در آن هنگام چنین گفته بود: "من معتقدم که یکی از مشخصات اوضاع کنونی جهان جبرگی سواد خایر براد با خنراست مانوشه در شهریور ۱۳۳۷ تکرار کرد که: "گرایش کلی اوضاع کنونی جهان جبرگی با خنراست با خنراست." منظور مانوشه در آن هنگام از "ماد خنراست" سوسیالیسم و همه سروهای متحد آن در مقیاس جهانی و از "ماد یا خنراست" امپریالیسم و ترجیعین کشی های گوناگون بود. اکنون تکرار این حکم کلی در سال ۱۳۴۹ نشان مینداند که نظریه پیوستن اتحاد شوروی به جنبه‌ی امپریالیسم جهانی و فروپاشیدگی ارد و گاه سوسیالیسم تغییراتی اساسی در "رونده‌ی در جهان" که همانا گرایش جبرگی نیروهای انقلاب سروهای ضد انقلاب جهانیست، روی نداده است. در همان حال مانوشه در آن سالها متذکر شده بود که سه البته خطر وقوع جنگ جهانی سوم نیز موجود است و در این مورد ما باید از لحاظ روانی آماده باشم و در همین حال سبب سرخندادی نظیر تحلیلی سرخورد کنیم. " این تذکر مانوشه در درسیابی مانوشه در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۴۹ تکرار شده و خطها حفظ هشتمی و آماده ساختن خود براخوانده شده اند.

مانوشه در این نسی نغمی این سالها که ریز و بیستیهای شوروی و هند ستایشان خطها را سببای خنراست خنراست آتش جنگ جهانی سوم تراشمنه بر شدن آنها انقلابات از انقلاب گروس سرخوردن آتشه آمارا از وقوع جنگ جهانی مترسارند، مارها مردم جهل را به نشندید مارزارا معتزلی خود مراهبان و در اندازی مراهبان ریز و بیستی با آتری کرد که: "در باره‌ی سنده جنگ جهانی سنی از در امکان وجود نداند، بی آنکه جنگ سوجت انقلاب میشود. در شرایط انقلاب از جنگ خنراست میکند." در سار د پیر و با سه امری مانوشه رضیعین خطها در هر حال انقلاب گروس است و با آنجا که صورت شوروی از وضع بیستی جنگ جهانی سنی مانوشه سار از انقلاب موزد است که امثال این خنراست را فراهم نتوانند

پس پیانو یکی از شخصیت‌های - و روز هوجب در انقلاب فرهنگی بود که میکوشید تا
 در پیوند توده‌های چپ که نتیجه‌ای از باران جان و دل ز یادها و شجاعت رهبر سرگ
 داشتند دور بود و وی را دوست گرامی می‌دانند. با اظهار ارادت به شخص مائو و حفظ مشی
 پروتاریه از برای خود هوادار جمع‌گردد و از این رهبر راهی برای پیشبرد مقاصد
 ضد امپریالیسم خود بگشاید. از جمله‌های وی این بود که وی آمیزش‌های مانوئله دون را
 محصل امتضای خلاقیت مارکسیسم - لنینیسم بر شرایط جامعه و اوضاع و احوال
 گویا به محصول تئوری از سر توده‌های مردم. بلکه راننده تفکر و اندیشه
 و کیفیت عین در شخص مائو حضور پیدا کرد که دست یافش و قدرت آنها گویا
 باید شویز مردم در مکتب خانه‌های چپ که خلاقیت از آنها را "برگرداند" و
 "طوب آنها را محقق کرد". تا بعد که هر پیانو تنها کسی که قرار به راز اندیشه‌های
 بی سر و آفت و بر سر قدرت شست‌بیمین شیرونی گریه کرد. هر چند گفتار
 آنها غم‌گین و دم هم برسیارند. حقایق ارتقا اثر ای که هر حلقه از صد راننده
 دارند و هزار حلقه‌های بیشترین دارند. که توسط این پیانو و احیای
 اندیشه بر سر این پیش‌نهادات آن دوران انعکاس یافته. همه این تیرگی را در
 بزعم این پیانو "ملان" سه اثر "مائو چپان" به "حرفه آسا" و "حرکتی
 گویا شپا و توده‌های چپ لایم نیست دیگر به مطالعه آثار دیگر مائو که
 هم در باره و برای اهمیت تاریخی و علمی بیشتری برای مبارزه
 ضد امپریالیسم - لنینیسم - استارلین و استالین با مطالعه آثار
 پیانو - لنینیسم - استارلین و استالین و استارلین و استالین
 تا کتیب حاصل شده و در این آن حسی برای مطالعه و سخت آسپاد
 اعراض و طول چپ برآورد. این در سده خلاف یازده گزینها
 و مسوی بود که پس پیانو و در توده‌های مارکسیستی
 - لنینیستی و در این چپان دهند. این نشان داد که هر
 پیانو من در آوردی پس پیانو سا چه حد دراز
 آمورش‌های مائو بود. در واقع منظور این پیانو
 و اهدافی چون آوازیان حرفه‌ای مگر من اعتبار
 ساختن شخصیت گمراه‌کننده دون من اعتبار ساختن
 آموزش‌های او من اعتبار ساختن مارکسیسم - لنینیسم
 محتواسند داشتند و بعد. علاوه بر این حرفه‌اش
 سبب آن گسه پس پیانو و بعد نشان برای توده‌های مردم
 که باید خود را با این تئوریها مسلح گسرد و
 بسیار تعبیر داد و خود را رها سازد. بیست و نهمین
 فصل است.

مارکسیسم می‌آموزد که توده‌های در جریان مبارزه ضد امپریالیسم - لنینیسم - استارلین و استالین
 باید خود را با آموخته‌های این رهبر و روزگاران خود را در دستگیر می‌کند.

لین بیانو و شاید اسی چون از جنس معتضه میگردد که به انقلاب کردن در روحنا سرود -
زید* یعنی دشمن طبقاتی را بحال خود گذارد و شیوهی ریاضت گشای کپس بلندی را
در درون خود جستجو کند. از رقصی "چپا" همان مغزونات ابده آلمستی لیوشائوچی را
می سزایک کنویستها به خود سازی و ریاضت نشسته و دست از درنگویس این دیای حاد
کی و رسیدن به آرمان کنونیم بدارند. باطراف سیراکنند و این آموزش اساسی مانویسه -
دین را که هدف کلیه مبارزات انقلابی در جهان کسب قدرت سیاسی و تحکیم آنست*
ملی میگردد .

لین بیانو و دارود سته اثر که همی بکرو در گشای دست یافتن به مقام و قدرت
بود. در نشست کمیتهی مرکزی حزب در تابستان ۱۳۴۹ (اوت ۱۹۷۰) گوئیدند تا مقام
ریاست جمهوری را که از زمان سرافندان لیوشائوچی خالی مانده بود. دوباره احیا کنند .
نقد آمان این بود که لین بیانو رئیس همپوشنده و از آن پس با خیالی راحت به تحکیم قدرت
خود و کارگزاران عوامل خود سیردارند. ولی آمان در این شست با مخالفت شد بد مانو
و سایر کنویستهای واقعی رهبر نشدند. ضمنا لین بیانو و هواداران در این نشست تاراج
به نظری "مانعه" و "معجزه" سازی حید که ماضی و آموزشهای مانو سخت در تصاد میبود
و از اصول مخالفت و مبارزهی مانو و کمیتهی مرکزی حزب را با ایگوئه خضرات برانگیخته میبود .
داند و عال نظری را سر راه اخذند. لین بیانو و دارود سته اثر پس از دین و ریز و سم خاریست و
پافشاری در پیشنهاها و خضرات خود سراسجام کارشان به بی دست رسید بد رحم شسته
شدند. آنگاه لین بیانو و گروهی نظنه بر وی شهاراء را در انجام یک کید تالی خطایی و قتل
رفیق مانویسه دین دیده بدین منظر در اکتبه ۱۳۴۹ (مارس ۱۹۷۱) نوشکنش سرور به
شرح ۵۶۱ را محبت و برای اخذ آن در ۱۷ شهریور ۱۳۵۰ دست بکار میسر شدند .
یکس در حرهیاں آخرا توطئه باش رضی سراب میگردند. پس از شکست این توطئه رهساز
شدند. آن پس بیانو فرار را سر فراتر ترجیح دادند و در ۲۲ شهریور همانسال با هواپیما
سری اتحاد شوروی پرواز میکند. ایکس در پس راه در میباشند هواپیما پس سوزد کردند و
گشته میگردند. فرار لین بیانو سری اتحاد شوروی شان داد که وی بد سسه حوز کار ریک
مشتری معنی سوئیاں - امیرالیم شوروی حید. وی از فرار معسوم مارها گوئیدند بود تا از
تشیعات حزب کمونسیت چس سرعبه روزیو بیسیم و سرعییاں امیرالیم شوروی حید میگردند
ارشدند تا آنها نگاهند .

پس از ماحزای فرار لین بیانو خضرات سیاسی و آرزوهایی که لین در امر میبرای
فاس میگردد و ملاحظه میشود که وی در د فتر چس معنی خاضرات حید شرطی کامسلا
راست و عد انقلابی را مطرح شده است. مثلاً وی در اثر تربیت گاندر ۴۰۰ م" را که با
به رهسوز مانو گاندرها معانعهی مارکسیسم - لیسم را با شرکت در کار توتیبه و همسرا
میگردند معسول "اصلاح از راه کار اجاری در رنگی سریشده" معرفی میگردد و نفس اعظم
اعزام محسوس و دانشجویان را به رهسناها و معاشرت با د هفانان معسول "سکاریسها
میگردند. ضمنا وی آرزو داشت که پس از عصا قدرت از جایزاد می حوز درک ماسی ساختند

مقام خود را به یسروش که از قرار معلوم مثل خودش "باید" میدانست، با رت گدارد. تماس این نظرات و اعمال لنین بپائولوید آریوسته اش دارای ماهیتی عمیقاً ارتجاعی و راست بود. در شهریور ۱۲۵۲ در همین کنگره حزب کمونیست چین پیروزمندانه گشوده شد. برگزاری این کنگره در پی کپیته شدن در ستاد خطرناک بیرونی لنینیست‌انجمنی و لنین بیاد در درون حزب در دفاع در تکمیل دستاوردهای همین کنگره حزب و بنام پیروزمندانه ی دیگری به پیش بود. در این کنگره، رفیق چوئن لای هم‌چون راشین مانوگزارش سیاسی کمیته مرکزی حزب را خواند و در آن پرده آرزوی مقاصد و اعمال لنین بیادئی خاشن، دو دوزه باز و جاده طلب و مانند توطئه گر و ضد حزبی او سرداشته و ماهیت اپروتونیسیم راست افراطی آن را افشا کرد. در همین گزارش، چوئن لای در اشاره به تجربه ده مبارزه ی عندی و روشی در درون حزب کمونیست چین و از جمله مبارزه با شی اپروتونستی در دوره ستی ضد حزبی لنین بیادو این آموزش بسیار مهم رفیق مانوئسه دین را یاد آوری کرد که: "واجب است توجه کنیم که یک گرایش گرایش دیگری را می‌پوشاند." آنگاه در توضیح این یاد آوری مهم چنین مثال آورد نتیجه گرفت: "مفادنه ما اپروتونیسیم راست چین - توسیوکه همه اتحاد، هیچ مبارزه را تبلیغ می‌کرد اپروتونیسیم 'چپ' وان من را که همه مبارزه، هیچ اتحاد را تبلیغ می‌کرد پویشاید. تصحیح انحراف 'چپ' وان بین انحراف راست چن توسیو را پویشاید. مبارزه سرطیبه رویونیسیم لنینیست‌انجمنی اپروتونیسیم لنین بیادورا پویشاید. معوه های بسیاری در گذشته بوده که یک گرایش گرایش دیگر را می‌پوشاند. و زمانی که جریان خیز میگرفت، اکثریت در سال آن می‌رفتند، حال آنکه تنها اندکی در جوامع ایستادگی می‌نمودند." نتیجه آنکه "برما لازمست بکوشیم چنان گرایش‌هایی را معوض تشخیص دادیم و تصحیح کنیم. و زمانی که یک گرایش راست چین جریان سرگشته سوسیال خیز سر می‌دارد، ما باید از افراد تروتسیم و باید حرمان کنیم برخلاف جریان رفته و در راه در هم می‌کوبیم. همه زمانو می‌گویند "برخلاف جریان رفتن یک اصل مارکسیستی - لنینیستی است."

نظرات مکتب خاها ای و ایده آلیستی و مسح فکری منط و پیوسته می لنین بیادو دارای ریشه های عمیق فلسفی - تاریخی در ضمیر فکراج در عین کهن بود، طرز فکری که بهترین مع الهام خود را در آراء و روشهای کفوسوس، حکیم ارتجاعی کهن چین، می‌یافت. این آبرشها و نظیر تفکر منجم از آن طق سده های منوالی در ده های توده های چین سر و جواته شده و اساساً منجم و ترویج در مکتب خاها های چین کهن و همچنین در خانواده های جیبی فراگرفته بود. نکته اساسی در این آبرشها که حسدی مذهبی - خودگرفته و توسط خدایان ارتجاعی هستی را مباح شدت حمایت، میند، همانا تروم خودست توده ها در برابر قدرت سیاسی حاکم، اعلام وفاداری و تسلیم بی خون و جرا در برابر آن بود. وظیفه خودست توده - در برابر اقتباسی ما وضعی خودست تروم در برابر اقتدار (با حاکم) احدادی بود. در برابر اقتدار رهبر شکست شده و همه همواره ما اقتدار آسانی و انیس، که با اصلاح حفاظت از برتری های سه راه را مریده میدانند و به آنها حسدی مذهبی میداد، حکم گامی از نظام فئودالی - پدرسالاری و ایده نیازی حاکم بر حاکمی چین را

تشکیل می‌دهد. بنا به آمورشهای کفوسوس و شائرداشن فرما می‌آید از خوردن و انانسی
 (سوس) فرخورد آید. حال آنکه نوده‌ها سیخورد و ماد است و این تفاوت بسیار برده است
 ایند و گروه و لایته‌ها که برتری یکی را بر دیگری مقصود ساخته است. بر همین پایه نوده‌ها
 فرزند آن و زمان باید توسط فرما می‌آید، بد را از و شوهران راهسانی شوند. از دستورها
 و آموخته‌های آنان که کفوسوس تبعیت می‌کند و "طو آید" می‌کند. اینها با اصطلاح راجد
 و تقوای کفوسوس و تشکیل می‌دهد. و همین رجد و تقوای که انی بود که پس بی‌گس و
 ناره، سنده اش می‌کند تا بیاری شری "سود" و شایع آید. نوده‌ها کفوسوس خود بخورد
 مردم دهه، بودند و تقوای آنان از وجود نده‌های این نوده‌ها کفوسوس گری در دهس
 مردم سو استفاده می‌کند.

این پیانو رجدستان او در سده سال ۱۹۱۰ به این نوده‌های فلسفی و سیاسی و
 اخلاقی ارتداسی کفوسوس و کفوسوس گری بود که در سده مکره شده. جهان بینی
 علمی مارکسیسم و به اسم راز و روم نوده‌ها کفوسوس و علم را از ادوات سیال آید. نوده‌های مردم
 جیب را برده سازند. قدرت را غصب کند و جریخ تاویط را در فلسفه برگرداند. پس پیانو
 خود سزای کفوسوس. گری استفاده می‌کند و حتی نوده‌ها در شاره به یکی از پیوایان سزود
 کفوسوس نام نده. چون شود که در اوج دوران کفوسوس گری در دوران فئودالیته ی
 جیب و فلسفی ندهس و الیسی دادن نده آن. فلسفه سازی ایفا کرده بود. گفته بود: "مردم
 ایستند هر یک از شما یاد خواهید گرفت که نده نده چون نشواید!" بدینسان کفوسوس
 سوسوس گری حریف آید نوده‌ها یکی حریفی طغیان ارتداسی. انکی حریفی آید نوده‌ها یکی نده
 پیانو و نده نوده‌ها گری سزود.

با توجه به این واقعیات بود که مائوس دوین نوده پیانو گری و رجد گری
 مارکوس شان داد. کمیته مرکزی حزب تحسرهسوزی را بر سر نوده و تمییح نوده‌های از
 لیب پیانو و احطاط مکرش را با کوشش برای س انتشار نوده‌ها و ساروه با نده‌های نده
 های و حرادات پرسیده از کفوسوس در دهس مردم پیانو نوده‌ها کارزار آید نوده
 ژبکی و سیاسی واحدی بر علیه هر دو براد افتاد. حشش عظم استفاده از لیب پیانو و کفوسوس
 اد امتی استفاده. سزود هر یکی پیانو نده‌ها جیب و اد امتی ضروری آن بود. و برای سزود
 سیاسی آید نوده‌ها حرادات ارتداسی و نده‌ها سزود و فرصت طلب و خرد و نده‌ها
 نده‌ها و نده‌ها نده‌ها جیب مارکسیسم و سزود برای تحکیم و یکدلی نوده‌ها پیانو
 و بیشتر پیانو نده‌ها سزود سزود سزود سزود سزود سزود سزود سزود سزود سزود سزود

حضر روزی کارآمن عناصری چون لیب پیانو و حشش عظم برای سزود سزود سزود سزود
 این بود که آنان برای ارضای منافع باید سرزود آید و تحکیم حاکمیت خود خواهد خوا
 مشکو به نده‌ها سزود سزود سزود سزود سزود سزود سزود سزود سزود سزود سزود
 کار خاسوات و نده‌ها سزود سزود سزود سزود سزود سزود سزود سزود سزود سزود
 سرزودانی سزود سزود سزود سزود سزود سزود سزود سزود سزود سزود سزود
 احتراف خود بریزان و یک گاه در نده‌ها سزود سزود سزود سزود سزود سزود سزود

و کونینم بدست فراموشی میسرند، ضرورت میداشت.

در اینجا بوند که یک جریان انحرافی راست بار دیگر از درون حزب کمونیست بیرون زد و به مخالفت با شی حزب در زمینه ساختن سوسیالیسم و تکرار ماطیل گذشته که در زمان انقلاب عظیم فرهنگی پرولتاریائی انتقاد و طرد شده بود، پرداخت. با دانستن گرفتن جنبش مطالبه‌گرای و دیکتاتوری پرولتاریا و افزایش آگاهی و در نتیجه اشتیاق و فشار از جنگجویان چین برای محدود کردن حقوق سیزدهائی و اعمال همه جابجایی دستاوردهای انقلاب فرهنگی، مقاومت جریان انحرافی راست و نمایندگی اصلی آن تن سیکو پین نیز شد بدتر شد.

از دید تن سیکو پین و هواداران تمام این حرفها را جمع به مبارزه طبقاتی و مسئلهی تجدید حقوق سیزدهائی و غیره انقلاب وقت و مامنی در برابر پیشرفت اقتصادی و فنی چین و مدرنیزه کردن صنایع و کشاورزی بود. برای همین تن سیکو پین بعضی یکی از رهبران حزب و دولت در طی سالهای متوالی، هوار در برابر تحولات انقلابی در جامعهی چین مقاومت نشان داد و به عباد ناآنها برخاسته بود. مثلاً وی با جشن نود و یک سالگی برای دسته جمعی کردن کشاورزی و با تشکیل کبوی های خلق به مخالفت برخاست و هواداران لیوشاوجی و جن یونا این تئوریهای سوسیالیستی را که تضاد اصلی در چین به تضاد بین سیزدهائی و پرولتاریا، بلکه تضاد میان نظام پیشرفته سوسیالیستی و عقب ماندگی نیروها و مولد است، وارد مباحثات هشتاد و شش گانه حزب کرد. در سال ۱۹۶۰ هنگامیکه چین موفق گرفتار بلای طبیعی و خرابکاری رژیم سوسیالیستهای خروشچیفی شده بود، لیوشاوجی و راست سرکردگی لیوشاوجی بعضی چاره اندیشی نظام سوسیالیستی را مورد حمله قرار داد و عقب نشینی مواضع سرمایه داری را طلب میکرد. در این زمان تن سیکو پین سرمایه گد با آمان این تئوری آورد که: مهم نیست که آیا این تئوری مفید است یا نه، گریه ای سبب، هر گریه ای که موش شود گریه خوبی است. آنگاه وی با تکیه بر این تئوریها یعنی پراگماتیستی، که افشار سینه فلسفی این بود، مسئله را بد صورت طرح کرد: چه نوع روابط تولیدی لی بهتر است؟ بهتر سرود که ما باید این سرود را داشته باشیم؛ هر نوعی را و در هر حالتی اتحاد کبید که مایه تسهیل احباب و انکشاف تولید میشود. وی با همین شیوه استدلال پراگماتیستی به این نتیجه رسید که سایرین محنت و کار فردی نرماند، بلکه موجب افزایش تولید شود ممتاز است. بعبارت دیگر برای تن سیکو پین هیچ تفاوتی نمیکرد که آیا این سرمایه داری است که رشد میکند یا سوسیالیسم، و آیا افزایش تولید امر است تولید سعی یک اقلیت ممتاز است یا سعی اکثریت نوده های چین، سیزدهائی است که تولید را هدایت میکند یا پرولتاریا، و خلاصه ما در کجا هستیم و هدف از تمام این انقلاب کونینها چه بوده است. در نتیجه تئوری سرمایه و سفید از خواه ناخواه با نمایان تشرهای مرفسانهائی و حربه سیزدهائی شهری، که آرزوی احباب سرمایه داری را داشتند، همچنان در شمار تولید برای تولید سیزدهائی مشغول میباشد.

تن سبائو پین در اوایل انقلاب فرهنگی همراه دانشجویان و دانشمندان
 مخالفت با این انقلاب و سرکوب جنبش توده ای برخاست و برای همین به زیراستفاد شدن
 توده های چپ کشیده شد. آنگاه وی از کردنی خود اظهار پشیمانی کرده دست به استعفا
 از خود زد و گفت نتایج انقلاب فرهنگی را بد عرفتم و هرگز زیر آنها نخواهد زد. از ایزد سیا
 مانور احمقانه کارها، در اثر اینکه باید از طریق تربیت به افراد بیشتری گفت کرد و داسی
 حلقه را تشک کرد امید، و اینکه باید آنها را بوضع آزاد کرده، و به کار ماسی گذاشت و نشود
 بفشان کرد که میان توده ها رفته و جهان بینی خود را نوسازی کند، در مورد تن سبائو پین
 نیز احوال شد. لیکن تن سبائو پین مجرد آنکه درباره عقائد بالای حزبی و دولتی رسید
 تمام استقاد از خود، خویش را فراموش کرده باز به پرت و پلا گوییهای پراگماتیستی پیشین،
 روگردان شده های جدیدی از برنامه های روزیونیستی پیشین و خود به گیری از ستاوردن
 های انقلاب عظیم فرهنگی پروپنار بائی چپ برداشت. باز در استا گره سیا و سفید وی
 برای چاه رس با پروپنار با بند ان آمد، و با تفاوت گذارن میان سه رهسود مانو، سسی
 سروروم طاعنن دیکانوی پروپنار با و ساززه با روزیونیسم (نوروم نامین شات و وحدت و
 نوروم پیشرا دین انتقاد می که سیاستها و در مقامهای گوناگون مطرح شده بود، هر سه را
 بد اخل بد کبسه ریخته و نوروم گرتنی هر سه رهسود را بیفناهی حلقهی گندی در رهسود
 عرصه ها و کارها مطرح دانست. مانو در اشاره به این انحراف روزیونیستی، که عملاً ساززکا
 طیفاتی را همسطح با چیزهای دیگر در نتیجه فراسی آنها سکرد، تا گندی کرد که ساززه ی
 طیفاتی حلقهی گندی است و همه چیز بدان وابسته است، و در اشاره به این حرکت
 نازکی تن سبائو پین گفت: این شعبان ساززکی طیفاتی را درک نمیکنند، او هرگز به این حلقه
 گندی اشاره کرده است. باز هم این در استا گره سفید، گره سیا، هیچ تفاوتی فائل
 شدن میان امپریالیسم و مارکسیسم است.

حوالی تا سنال سال ۱۳۵۴ جریان انحرافی راست با لا گرت و نظرات روزیونیستی
 تن سبائو پین صورت برتاده و طرحهای مدیسی عرضه گشت. بد چسان راستها سرکوردگی
 تن سبائو پین نگار خود خبرنگاره ای داد و گرد و خاک عظیمی بیا کردند. تن سبائو پین و پیرو
 او بر عنوان "شناختن اشتکات صنعتی" و "اصلاح اقتصاد ی به تحریف و تمویج شسی
 انضی و سیا سنهای حزب در رهسود ساختن سودیالیسم برداشتند. آنان بویوه دستا
 برد های انقلاب فرهنگی را در رهسود های گوناگون سهیج گرتنه این یاده را برانگشتند کسه
 "اگون حقوق گذاشته سید".

سازر سیاست حزب، که در سال ۱۳۳۵ توسط مانو فرموله شده بود، در رهسود امور
 انضادان باید چنان بر واقعین میان مقامات مرکزی و مقامات محلی ایجاد کرد که به استکار عدل
 هر دو در ان رسد و به بر و گرتنیسم راه ندهند. مانو گفته بود: "گدا رید مناطق کار پیشسوری
 را بحد برتاده ریزن مرکزی واحد برهنده میگرد. "سا گندی مانو حتی بهتر است که استکار
 تن از رهسود سرچشمه گورد نازین سبک بیکن تن سبائو پین بدون توجه به سیاستهای
 حزب و رهسود های مانو سر خود و داسو استفاده از مقام خود گوندید تا نظام اداری دیگری

اقتصاد جس نعمت کس ، معنای این خطب اناری این بود که هر وزارتخانه آن عده ای از
 واحد های تولیدی را مستقل و صرفاً با صد و هفتاد نفر از آن ها جدا کرد و در میان هم
 راه را بر انگار علی مقایسات محلی بسند و هم اینک در همین مرکزی واحد را بر میان بردارد .
 بدین ترتیب واحدهای تولیدی و اداری حد آنگاه از موجود میآید که صرفاً از آن ها نیست
 شد و هر یک با وزارتخانه مربوطه خود تغییر مستقلی را بوجود میآورد . نتیجه اینک است
 هرگز انیم و سرعتم تعدادل میان واحدهای اقتصاد را بوسیله هر چه بود اقتصاد را تمام
 بدین اقتصاداتی جی راه پیدا میگرد . بدیناوه شایان اینست که این مطلب که کارگزاران
 احسن بدین واحدهای تولیدی باید تا کارگزاران نه در آن واحدها کار میکنند یکی شده و مانند
 آنها و معزای آنها رفتگی و کار تولیدی کند باورند است و آنگاه از اعلام این است که
 انگار تا کارگران در همان و سرانجام حسی است . گویا شایان اینست که تغییر از
 در آنها و کارکنان کثیر های سرمایه داری و روشهای اداری آنها را در نظر میاندیشد ،
 با آن آری با برود بود که اصل جی از آن کیست . و هدف ای که در آنجا حکومت میکند کدام
 هدف است . همچنین او با آرایش کارکنان علمی و فنی با هدف نگار و اصلاح هر چه بود و نظریات
 در مابقی روشنگری و آموزشی که از آن ستاد های اعلا - مرهشی بود ، جدا بود .
 در هر حال از آن - مرهشی همراه با شیوشتانوجی و در از دست اندازیم این شمار بود و این
 که تغییر هر چه بود استخواند هر چه آنها را هر چه کند . هر چه حرس و هدفش کارگزاران در
 مراکز روشنگری و آموزش علمی میگرد و این مراکز است . روشنگری ، از و از خود و با و از
 اسپرد ، و امروز هم همان حرف را مایکی تغییر ظاهری نگار کرد ، و موندگی میکرد که لازمه است
 سر حرفه ایهایی که غنم سرشمار میبود اعتبار جی که ، حسی با برای افعال و روشنگری
 سطح پروتاریا و فرماده می ، بدیناوه مرهشی هر چه از جمله این علمی فنی و آموزشی - سرسط
 واقع شده و بدیناوه آموزشی سپاه است . در این ستاد های علمی هر کوشش با عده ای از
 روشنگران با هدف از کار آن را هر چه بود بودیم به تولید علمی میان اولان سرانجام جسمانی
 حسی سپاه و در میان این حرفه های زمانه ای از روشنگران و هر چه بود ، در میان کسار ،
 با از و در میان این ارضی و در اشکالی در کار تولیدی و صنعت و اقتصاد است
 در اندوختن و با دگرگونی این معانی ، کسار و با علمی همراه با کار اقتصادی است
 در اندوختن و تخصص نمود است ، بیاری است ، و آراستگان ، با هر چه بود در هند ، تحفظه هر چه
 در این اساسی ساختار بودیم است ، استاده بیرون خود ، استاده بیرون آن
 مردمی است که سوختن هم راه رنگی خود ساختن ، حال استاده است ، با این کار هر چه بود
 های سرمایه داری برای کشور بیرونی است ، در این و اینست ، در هند ، در اینست ، در
 افعال بود کثیر های سرمایه داری را ، در اینست ، در اینست ، در اینست ، در اینست ،
 وارد آن و افعال فشار بر کثیر بودیم است ، در اینست ، در اینست ، در اینست ،
 عوامل سرمایه داری در دامن کثیر میآید ، علاوه بر هر چه بود آنها ، جی استادی مانع روند
 انگار فنی و عوام مردم و کثیر بود است ، و در اینست ، در اینست ، در اینست ، در اینست ،

نعتوان سنگت و ما حسن سبت جزواری من انقلی ساخت تمام برای همین رقیب مانسو
 نسد دون شخصاً گشت بود پیشتر نسد و سد مجاهد تپهای خود مان نیکه گنبد حان آکسسه
 کنگه خارچی را دروغ گرفته ایمیل گزرا در هم شکب ، برای صایح ، کشاورزی و اسباب دسر
 و رهش استفاد ، بدین تشبیه خود پت را کنار گذارند ، در گمانتیم را سگر بسیار بسته
 آگاهان از تحریف خوب سایر کشورها یاد بشیرند و حتماً تجربی بد نشان را حد مشاهده
 میدوند تا آنکه از آن سر به پاوار گرفته شود ، این احد مشق ما ، یونی ش سیاهی بی برسد
 حد انحصاری مارگسنی در زمانه پشاده ای که مانو پش پشاد ، و در آن بود که در بازار مکان
 برای تشریح و گرگویی بی صایح و افاضای دارد ، کار خمار ، اسباب او را در کورس ، اسب و
 جسم جرات خارچی ، و در بدین مقصد سس فرارند از هادی دراز صند ، تا سر و پا از آن
 کتبی های خارچی ، برای بدست آوردن ، در برترین و بهترین تجهیزات ، که از فرار مانو
 مانو حاد و راستن ، چپ مانو بد میشد ، ترجیح کن ، و اینکار را ، سیاهت عصر بی شیره
 گذشتند از بسیار تن سیاهی بی از ترکوب ، به تشریح اینده بی در آن صند مان و
 کپشاز در کمنده های حاد و دونش ، که بار بکار ، با باره های مینم آمدند ، در هس بود
 میرای شال میدان و سبباً تحولات انقلابی در امور فرهنگی و هنری راستن ظاهر میگردد ،
 وی ضمناً از جنبش مضامین ، دیکاتور و پروتاریا و اشتغال از حقوق جزواری ، و در این
 بد اندک و ما پراگسی ، حصار ، ضرات و رهسود هالی که از اتالی سرگشتی برگوی جزو برای
 احیران شتران روی بر روی خود حاکم میگردد ، در بر این چش مداوله سبند ،
 تا در آن گشتن حصار احراف کار ، راستن و تن سیاهی بی در راستن بود ، که
 ایثار ضو بر ماده و در حبه های شخص بماده ، با سیاهت های جزو ، و بویژه مانو در
 های انقلابی رهش سرخاسته ، چپ دارد سگر وارد شد ، در این حاد شفاف و در اینویکی
 شد ، و روپاند های - جزو ، ایبار در اشتغال از احراف راستن ، و اینده و کرد از جزواری
 تن سیاهی بی و جو - از این در سراسر چپ ، با رفیقه و سبب ، سسار ، در راستن صرات
 تن سیاهی بی و در مان ، مان از ستاورد های انقلابی ، در هس ، در مشربان چپ اشتغال
 بد پسان چش اشتغال از حیران احرافی راستن و اشتغال ، مانو جزواری ، که نشن شد از
 مشربه بجایده ای اسس آن تن سیاهی بی نزد ، ایبار اشتغال ، مانو در همین زمان در اشتغال
 از احراف راستن و در بدین روی روییستی تن ، در آن پس گشت ، با اشتغال سر سیاهت سس
 آنان حیرت زیر آن گرفته مشرب ، در زمان در ترکوب ، سسار ، کرداری اشتغال ، در حیرت
 بد بد که با آن بد بد کرد ، در رومیکه بد اشتغال ، از بدین جزواری حیرت ، حال حیرت
 بد بد ، شفا اشتغال سیاهی بی میگردد ، حال آنکه بد اشتغال جزواری در اشتغال ، از
 در اشتغال حیرت کپشست است - آمانی در بد بد که راه بد اشتغال ، در اشتغال سر
 مانو در ای همچنان ، در راه سرمانه ، در ای اشتغال ، در اشتغال ، در اشتغال ، در اشتغال
 سرمانه ، در ای بد بد که سرمانه ، در اشتغال ، در اشتغال ، در اشتغال ، در اشتغال ،
 حصار مانو در این گفته روی بد کتنف مینم هم تاکید کرد ، از آن اینک حصرات
 تن سیاهت مان جزواری ، حصار ، در اشتغال ، در اشتغال ، در اشتغال ، در اشتغال ،

که بر سبب قدرت نشسته و خواست خود را اعمال میکند. سایر این لایحه نیز اختلاس
سوسیالیستی درست متوجه اینان، درست متوجه رهبران سرمایه داری در دوران حزب
کمونیست می باشد. اینانند که چنانچه در اتحاد شوروی و برخی کشورهای سوسیالیستی سابق
دید شده با خریدن بفعالات بالا قدرت را تصاحب کرده و سرمایه های کشور را از راه سوسیالیسم
به راه سرمایه داری میانکنند و دیکتاتوری بورژوازی را جایگزین دیکتاتوری پرولتاریا میکنند.
پس درست در دوران حزب کمونیست است که باید سخت هوای بورژوازی را داشت.

با شدت گرفتن جنبش انتقاد از جریان انحرافی راست و گذاره شدن لایحه
تجدد انتقاد توده ای سرعلیه سردمداران آن در دوران حزب کمونیست، تن سیاقی بین و هوا-
دارانش نیز مذبحخانه دست بمقاومت متشکل زده کوشیدند تا سپاهیی برگزاری پاد خود
در گذشت ترفیق چوئن لای تظاهرات سیاسی متشکلی را که هدفش فشار آوردن بر روی کمیته
مرکزی حزب کمونیست چین و اشتها پند احساس در آن بود، برپا سازند. این تظاهرات در
۱۶ فورورد ۱۹۵۵ با شرکت گمایش ده هزار نفر در میان تن آن مین یکن برگزار شد، که
بعد تا صد هزار نفر که اغلب برای تاشا آمده بودند امراضی یافتند. در میان تظاهر کنندگان
توده ای که هدفشان کوبیدن رفیق مائوتسه دون بود فریاد سردمدار که "نصر چین شی هوای"
یابان یا نغوازن سیاقی بین پشتیبانی مینمودند. آنان از "مارکسیسم - لنینیسم حقیقی"
تورده و خوش خیالیه اعلام میداشتند که "با تن سیاقی بین در مسئولیت کار کمیته مرکزی
سازده و پیروزی قطعی نائل شده است". در این میان، تعدادی از وساطت شبکه سبزه
دست و تشکلات ضد حزب و ضد انقلابی به آتش کشیده شد، در رو پنجره هائی خرد شدند
و نیز گروهی از کارگران، کپهانان و سربازان ارتش خلق که برای افغان و بحث با تظاهرات-
کنندگان آمده بودند، مورد حمله قرار گرفته زخمی شدند. ولی سرانجام تلاش افغان گرايه
حزب و سید اردلی مردم چین کار خود را کرد، تظاهر کنندگان شدند از تظیل کاهش یافتند و
معدودی اختلافگران اصلی سارداشت شدند.

دست یسان کارتن سیاقی بین و هواداران ارتش سرودت و سرانجام تن وی سرودت
از فورورد سال به پیشهاد مائو و دستگیر کمیته مرکزی حزب از همی نظامات
حزبی و دولتی خود معزوم و سرکارگردید. از نظر همان روز (۱۰ فورورد ۱۹۵۵) تا چند روز متوالی
تظاهراتهای چند میلیونی بزرگ از سوی مردم بکن و سرانجام در دفاع از رفیق مائو
توده -ون- کمیته مرکزی تحت رهبری او سرکار شدند. توده های انقلابی چین در همه جا
به اعلام پشتیبانی از حزب قهرمان خود و رهبر کمربود، مائوتسه دون برخاسته شمارها.
ای به هواداری ارتدیکتاتوری پرولتاریا و رهبری مائو و در مسئولیت تن سیاقی بین و احوار
فکاران راست و تشکلات فرعونت طلبیه و ضد حزب قهرمان آبان دادند.

پیروزی حزب کمونیست چین در رهبری مائو در میان همه مردم جهان فرعونت شده و
راست و زین سوسیالیسم تن سیاقی بین پیروزی بزرگ دیگری برای اعلام سوسیالیستی چین بود.
این همی پیروزی بزرگی بود برای همی کارگران و همی مسئولان جهان که همی
توده ای را پیشروان مطمئن امرهای خود در همه کشورهای سوسیالیست و سوسیالیست
انقلابی و سرخ نمادند.

سال گذشته هنگامیکه ما برای آخرین بار در زندگی خود حزب و مردم چین را بر علیه دشمنان سوسیالیسم در چین رهبری میکردیم، در اشاره به سالهای پس از تشکیل جمهوری خلق چین گفتیم: پس از انقلاب دموکراتیک کارگران و دهقانان فقیر و میان حال دفعی توقف نکردیم، آنها انقلاب میخواهند. از طرف دیگر، تعدادی از اعضای حزب، کمپوزا، مانند پیش رویم، برخی عقبگرد کرده و با انقلاب مخالف گردیدند. چرا؟ زیرا آنها ما را ران بلند پایه شده اند و میخواهند ضایع ما را بلند پایه را حفاظت کنند. و اساساً ران بلند پایه چه؟

* آیا صد سال پس از این نیاز به انقلاب خواهد بود؟ آیا هزار سال پس از این باز هم نیاز به انقلاب خواهد بود؟ همیشه به انقلاب نیاز است. همیشه بخشهایی از مردم هستند که احساس متذلل شدن میکنند، ما را جزو دشمنان، کارگران، دهقانان و سرمایه داران دوست ندارند که گفتیم، ما بر آنها تسلیم نمیشدیم. چرا انقلاب میخواهند؟ آیا تعداد زیادی هزار سال پس از این دیگر به انقلاب خواهند شد؟ چرا؟ آنها باز هم خواهند شد.

پس تمام آخرین مانوسه دین؟ همیشه به انقلاب نیاز است. هر سنی را تنها با انقلاب نودها میتوان درهم شکست. این همسفر سفارشی است و بهمن کارگران و توده های ستمدیده ای جهان که آزادی خود را میخواهند. آنها نه تنها اکنون بلکه حتی پس از دهائی خود، حتی صد سال و هزار سال بعد از آن هم شاید آرام نشده به هیچ سنگری احماری تسلیم گردند.

آنگاه دیگر مانوسه دین نیست. رحمتگشای چین. و به آنها آسان است که رحمتگشای کسان سراسر جهان و همین توده های ستمدیده ای که برای رهائی خود پیشگام میکنند، آمریکای و رهبریزنی را از دست داده اند. لیکن آموزشهای مانوسه اندیشه دین را در رساندن بخش او، همچنان زند است و هرگز از دست نخواهد رفت. زندگی سراسر انقلابی است، که تماماً وقف آزادی رحمتگشای چین و همین ستمدگان عالم گشته است. همیشه عزم او خواهد ماند که همین انقلابیون و کمونیستهای راجحین جهان از آن سائور - زامرا حرشده ای خود مورا پسند.